

رئیس قوه قضائیه: قانون برای همه یکسان است

صفحه آخر

حاشیه

هفته نامه
سراسری

• یکشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۴۰۳
• سال چهارم • شماره ۲۳۳
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

فرمایشات قاطع رهبر معظم انقلاب:

ایران به دنبال جنگ نیست

اما اگر آمریکایی ها دست به اقدام غلطی بزنند

اقدام متقابل قاطع و حتمی است

صفحه ۲



با حضور معاون قوه قضائیه و رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه برگزار شد

سیزدهمین آئین تحلیف وکلاي استان تهران

صفحه ۱۲

دکتر پورسید معاون امور حقوقی و مجلس قوه قضائیه: وکلا و کارشناسان رسمی در کنار قاضی به اجرای عدالت کمک کنند

دکتر حسن عبدلیان پور: به خانواده ۱۲۰ هزار نفری مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه افتخار می‌کنیم



نشست بررسی ظرفیت های تشکل های مردم نهاد در پیگیری حکم جلب سران رژیم صهیونیستی

صفحه ۹

دکتر عبدلیان پور خبرداد:

با دستور ریاست دستگاه قضا دستورالعمل «مشاوره خانواده قوه قضائیه» ابلاغ شد

در راستای ارتقای سطح کیفی و توسعه خدمات مشاوره خانواده برداشت. این دستورالعمل که حاصل ماه‌ها کارشناسی و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای حوزه مشاوره است، نویدبخش تحولی بنیادین در این عرصه خواهد

صفحه ۱۱



دستورالعمل مشاوره خانواده قوه قضائیه توسط حجت الاسلام و المسلمین خلیلی معاون اول قوه قضائیه ابلاغ شد. دکتر حسن عبدلیان پور با اعلام این خبر گفت: معاون اول قوه قضائیه براساس دستور ریاست دستگاه قضا با ابلاغ دستورالعملی جامع و تحول‌آفرین، گامی بلند

ماجرای

یک تسهیلات ویژه

حسن عبدلیان پور / مدیر مسئول
رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی
و مشاوران خانواده قوه قضائیه



متهم اصلی پرونده چای دیش، ارز تخصیصی دریافت می‌کرد، اما چایی وارد کشور نمی‌شد؛ آنگاه آقایان نمی‌رفتند بررسی و نظارت کنند که چرا چایی وارد کشور نشده است.

رئیس قوه قضائیه در بخشی از جلسه شورای عالی قوه قضائیه، توضیحات مفصلی درباره جزئیات پرونده و نحوه وقوع فساد ارائه کرد.

به گفته رئیس دستگاه قضا، میزان واردات چای کشور و ارز تخصیص‌یافته بدین منظور، در بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مشخص و معین است، اما به یکباره در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ و سال ۱۴۰۱ در چند نوبت و به یک شرکت ذی‌نفع واحد، بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو فقط برای واردات چای، ارز تخصیص می‌یابد؛ یعنی یک افزایش چشمگیر در ارز تخصیصی به واردات چای! در مقابل همزمان عده‌ای از افراد فعال در حوزه چای نیز التماس می‌کردند که به آنها نیز ارز برای واردات تخصیص یابد و می‌گفتند ارزی به ما تعلق نمی‌گیرد.

به گفته رئیس دستگاه قضا، متهم اصلی پرونده، ارز تخصیصی دریافت می‌کرد، اما چایی وارد کشور نمی‌شد؛ آنگاه آقایان نمی‌رفتند بررسی و نظارت کنند که چرا چایی وارد کشور نشده است.

رئیس عدلیه در بخش دیگری صحبت‌های خود به موضوع قابل تأملی اشاره کرد و گفت: نکته قابل تأمل آنکه وقتی واردکنندگان چای نامه‌ای را به آقای مخبر معاون اول رئیس‌جمهور وقت نوشتند و وی موضوع را پیگیری کرد، آقایان توجیه‌شان این بود که می‌خواهیم چای را ذخیره کنیم! آیا این مقدار ذخیره چای در شرایط ارزی خاص کشور و نیاز به تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی واقعا ضروری بود؟

در تاریخ ۲۹ تیر ۱۴۰۱، وزارت جهاد کشاورزی نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان توسعه تجارت ایران و معاون وزیر صمت با موضوع عدم اعمال سابقه واردات برای انجام ثبت سفارشات شکر خام و چای ارسال کرده است.

در این نامه آمده است: «با توجه به اینکه شکر و چای در زمره کالاهای اساسی می‌باشند و به منظور تأمین نیاز کشور و حفظ ذخایر استراتژیک خواهشمند است دستور فرمایید اعمال سیستمی سابقه واردات برای کالاهای شکر خام و چای سیاه تا اطلاع ثانوی متوقف گردد.»

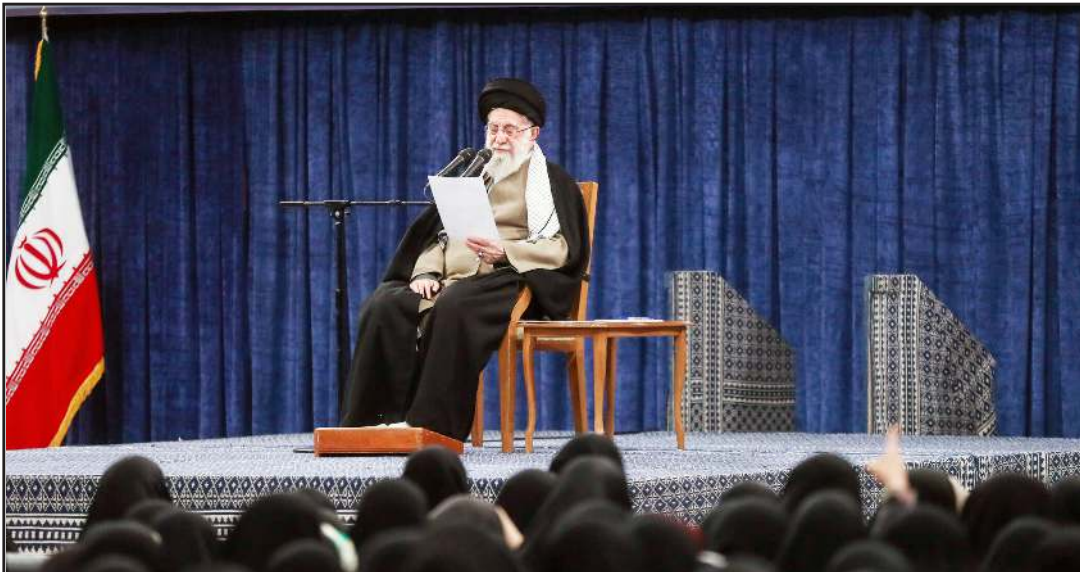
گفتنی است، بر اساس برآوردهای کارشناسی، نیاز کشور به واردات چای با کسر میزان تولید داخلی و صادرات و با لحاظ میزان ثبت سفارش احتیاطی جهت تنظیم بازار ۱۰۰ هزار تن است.

ادامه در صفحه ۴

فرمایشات قاطع رهبر معظم انقلاب:

ایران به دنبال جنگ نیست

اما اگر آمریکایی‌ها دست به اقدام غلطی بزنند، اقدام متقابل قاطع و حتمی است



حامی عدالت: جمعی از دانشجویان و فعالان تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور عصر در یازدهمین روز از ماه مبارک رمضان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند. بخشی از بیانات رهبر انقلاب به شرح زیر است:

سال گذشته، که این جلسه تشکیل شد، تا امسال حوادث گوناگونی پیش آمده. پارسال وضعیت متفاوتی داشتیم. سال گذشته در مثل امروزی که با شما دانشجویان جلسه داشتیم، شهید رئیسی زنده بود، شهید سید حسن نصرالله رضوان الله تعالی علیه در کنار ما بود، شهید هنیه، شهید صفی‌الدین، شهید سنوار، شهید ضیف و چندین شخصیت برجسته‌ی انقلابی بزرگ، در میان ما یا در کنار ما حضور داشتند، امسال نیستند.

نگاه ناقص و بی‌پشتوانه و سطحی، از سوی دشمنان و مخالفان و رقیبان جمهوری اسلامی یک برداشت غلطی را از این حادثه می‌کند. من می‌خواهم در نقطه مقابل حرف آنها، با اطمینان کامل به شما بگویم: بله، این برادران بسیار ارزشمند بودند و واقعاً نبودن‌شان برای ما خسارت است؛ در این تردیدی نیست. اما ما امسال که اینها را نداریم، نسبت به سال گذشته در مثل همین روز، در برخی از مسائل، قوی‌تر از سال گذشته هستیم.

در بعضی از مسائل، ضعیف‌تر نیستیم اگر قوی‌تر نباشیم. امسال ما بحمدالله از لحاظ گوناگون، از جهات مختلف، قوت‌ها و توانایی‌هایی داریم. سال گذشته اینها را نداشتیم. بنابراین، بله؛ نبودن این عزیزان خسارت است. حادثی که در منطقه غرب آسیا پیش آمد، حوادث تلخ و دردناکی است. لکن جمهوری اسلامی بحمدالله رشد خودش و پیشرفت خودش و افزایش قدرت خودش را همچنان داراست.

در سال سوم هجرت، پیغمبر اکرم کسی مثل حمزه را از دست داد در جنگ احد. حمزه از کنار پیغمبر رفت. فقط هم حمزه نبود، برجسته‌ترین‌شان حمزه بود؛ و الا شجاعان دیگر، یاران دیگر رفتند. سال چهارم هجرت و پنجم هجرت، پیغمبر بسیار قوی‌تر از سال سوم هجرت بود.

یعنی از دست دادن شخصیت‌های برجسته، به هیچ وجه به معنای عقب‌گرد، عقب‌رفت، ضعیف شدن، نیست اگر چنانچه دو عامل وجود داشته باشد: که یکی عبارت است از آرمان؛ دومی، تلاش.

اگر این دو عامل در یک ملتی وجود داشته باشد، شخصیت‌ها، بودن و نبودن‌شان خسارت هست منتها به حرکت کلی ضربه‌ای نمی‌زند.

دانشگاه امروز با دانشگاه قبل از انقلاب و حتی با دانشگاه بعد از انقلاب - ۲۰ سال قبل - تفاوت‌های زیادی دارد. امروز دانشگاه جلوتر است، پیشرفت‌ش بیشتر است، فهمش از مسائل گوناگون، پیچیده‌تر و عمیق‌تر است، و ایستادگی‌اش هم خوب است. برخلاف آنچه که تبلیغ می‌شود، گاهی گفته می‌شود که نسل جدید دانشجو و جوان ایرانی مثل نسل دهه ۶۰ آمادگی ندارد؛ اینچنین نیست.

این آمادگی امروز هم وجود دارد. در قضایای مختلف ما این را مشاهده کردیم، امروز هم داریم جلوی چشم خودمان مشاهده می‌کنیم آمادگی جوان ایرانی را برای حضور در صفوف مقدم، در مقابله‌ی با دشمن حاضرند، آمادگی دارند، فهمشان هم از مسائل بهتر است، آمادگی‌شان هم بحمدالله بسیار خوب است. امروز قلدان عالم می‌گویند همه باید از ما تبعیت کنند و باید منافع ما را بر منافع خودشان مقدم کنند، اما ایران اسلامی تنها کشوری است که بطور قاطع این را رد کرده است.

این که رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و دعوت به مذاکره می‌کند، فریب افکار عمومی دنیاست. این معنایش این است که ما اهل مذاکره هستیم و می‌خواهیم مذاکره و صلح کنیم، اما ایران حاضر نیست؛ ایران چرا حاضر به مذاکره نیست؟ به خودتان برگردید!

ما نشستیم چند سال مذاکره کردیم همین شخص مذاکره تمام شده کامل شده امضا شده را از میز بیرون انداخت پاره کرد... وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند چه مذاکره‌ای کنیم؟ بنابراین دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره، فریب افکار عمومی است.

بعضی‌ها در داخل همان مسئله‌ی مذاکره را مدام تشدید می‌کنند: «آقا چرا جواب نمی‌دهید؟ چرا مذاکره نمی‌کنید؟ چرا نمی‌نشینید با آمریکا؟ بنشینید [برای مذاکره]»

من می‌خواهم عرض بکنم اگر هدف از مذاکره، رفع تحریم است، مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد،

مقام معظم رهبری:

در مورد سلاح هسته‌ای که گفته می‌شود «نمی‌گذاریم ایران به سلاح

هسته‌ای دست پیدا کند»، ما اگر

می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست

کنیم، آمریکا نمی‌توانست جلوی ما

را بگیرد. این که ما سلاح هسته‌ای

نداریم و دنبال سلاح هسته‌ای

هم نیستیم به خاطر این است که

خودمان نمی‌خواهیم به دلایلی. قبلاً

این دلایل را گفتیم، بحث کردیم،

خودمان نخواستیم، و الا اگر خودمان

می‌خواستیم آنها نمی‌توانستند جلوی

ما را بگیرند.

معتقدم اگر چنانچه یک حرکت غلطی

از طرف آمریکایی‌ها و عواملشان سر

بزنند، آن که بیشتر ضرر می‌کند آنها

هستند. البته جنگ چیز خوبی نیست،

ما دنبال جنگ نیستیم؛ اما اگر چنانچه

کسی اقدام کرد، برخورد ما یک

برخورد قاطع و حتمی است.

مذاکره بنابراین هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گره‌ای را باز نمی‌کند.

راجع به تحریم‌های آمریکا که ما خب از اول، مذاکره‌مان در قضیه برجام و دهه‌ی ۹۰، برای رفع تحریم‌ها بود. خوشبختانه تحریم‌ها دارد کم‌تر می‌شود. در دنیا وقتی تحریم‌ها ادامه پیدا می‌کند، به تدریج اثر خودش را از دست می‌دهد؛ این را خود آنها هم اعتراف دارند. یعنی خود آنها هم اعتراف دارند کشور تحریم شده می‌تواند راه‌های خنثی کردن تحریم را به تدریج پیدا کند و تحریم‌ها را خنثی کند. ما خیلی از این راه‌ها را پیدا کردیم، تحریم‌ها را خنثی کردیم.

تحریم بی‌اثر نیست، اما این جور نیست که اگر وضع اقتصادی ما بد است، منشأش صرفاً تحریم باشد؛ نه، بی‌توجهی‌های خود ما گاهی اوقات اثر دارد؛ نه گاهی، اکثر مشکلات، ناشی از بی‌توجهی‌های ماست، یک بخشی هم البته مربوط به تحریم است. تحریم‌ها هم به تدریج بی‌اثر می‌شود. این هم جزو مسلمات است.

در مورد سلاح هسته‌ای که گفته می‌شود «نمی‌گذاریم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند»، ما اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، آمریکا نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد. این که ما سلاح هسته‌ای نداریم و دنبال سلاح هسته‌ای هم نیستیم به خاطر این است که خودمان نمی‌خواهیم به دلایلی. قبلاً این دلایل را گفتیم، بحث کردیم، خودمان نخواستیم، و الا اگر خودمان می‌خواستیم آنها نمی‌توانستند جلوی ما را بگیرند.

تهدید می‌کند آمریکا به نظامی‌گری. این تهدید به نظر من غیر عاقلانه است یعنی ایجاد جنگ، ضربه وارد کردن یک طرفه نیست، ایران قادر به زدن ضربه متقابل هست و قطعاً این ضربه را وارد خواهد کرد.

من حتی معتقدم اگر چنانچه یک حرکت غلطی از طرف آمریکایی‌ها و عواملشان سر بزنند، آن که بیشتر ضرر می‌کند آنها هستند. البته جنگ چیز خوبی نیست، ما دنبال جنگ نیستیم؛ اما اگر چنانچه کسی اقدام کرد، برخورد ما یک برخورد قاطع و حتمی است.

الان خوشبختانه تفکر حاکم بر محیط دانشجویی، تفکری است که به سمت پخته‌تر شدن و جامع‌نگر شدن دارد پیش می‌رود. البته این به معنای آن نیست که من همه‌ی آنچه را که اینجا گفته شد، قبول داشته باشم. ممکن است بعضی از مطالب را قبول نداشته باشم.

مثلاً فرض بفرمایید یکی از برادرها گفتند که آن کسانی که

دفاع قاضی القضاات از یک حکم قضایی

رسیدگی به پرونده چای دیش از افتخارات نظام است



عناصر قدرت در اختیار آنهاست، عناصر امنیتی و نظامی و اینها، در مواقع حساس در مقابل رژیم صهیونیستی به وظیفه‌شان عمل نمی‌کنند و تبدیل می‌شوند به بیانیه‌نویس. این درست نیست. نه. آن کسانی که باید کاری را انجام بدهند، در وقت خودش کار را انجام دادند.

اگر آن کاری که شما متوقعید انجام بگیرد و انجام نمی‌گیرد، دنبال کنید، تحقیق کنید. البته بعضی جاها قابل تحقیق هم نیست، برای اینکه مسائل سری است و خیلی از این مسائل. خواهید دید که نه، موجه است. یعنی آن عملی که انجام گرفته یا عملی که انجام نگرفته، کاملاً دارای توجیه است.

راجع به جوان‌ها هم که گفتند من منصرف شدم از تکیه به جوان‌ها، نه، بنده امیدم فقط همین شما جوان‌ها هستید. معتقدم به تکیه به جوان‌ها. منتها شرط اساسی این است که بر مواضع خودتان ماندگار باشید و استقامت کنید.

یکی از توصیه‌های من این است که بعضی از ایرادها و انتقادهای دانشجویان به مسئولان بر اثر بی‌اطلاعی است. چرا؟ مثلاً فرض کنید وعده‌ی صادق در فلان وقت انجام نگرفت و فلان وقت انجام گرفت. اگر در فلان وقت انجام می‌گرفت، فلان حادثه اتفاق نمی‌افتاد. خوب، درست نیست این؛ این درست نیست. آن کسانی که متصدی این کارها هستند به انقلاب دل‌بستگی‌شان، وابستگی‌شان، عشق‌شان و آمادگی‌شان کمتر از من و شما نیست، نمی‌شود متهم کرد. محاسبه دارند، حساب دارند و با محاسبه کار میکنند. آنچه که انجام می‌دهند، اگر شما هم جای آنها بودید، همین کار را انجام میدادید. این احتمال را همیشه در ذهنتان داشته باشید. متهم نکنید افراد را.

من سال گذشته یکی از توصیه‌هایم این بود که انتقاد کنید، نقد اشکال ندارد. منتها نقد کردن با تهمت زدن فرق میکند. مراقب باشید وقتی نقد میکنید، کسی را متهم نکنید. سؤال مطرح بشود اشکال ندارد، سؤال مطرح بشود، ابهام مطرح بشود و فرصت جواب دادن بوجود بیاید. گاهی هست که بعضی از سؤالات را طرف جواب هم نمیتواند بدهد، یعنی فرصت جواب ندارد یا امکان جواب دادن نیست نسبت به این قضیه. اینطور موارد حتی ابهام را مطرح هم نکنید.

در انتقادهای مراقب باشید بن‌بست‌نمایی نشود؛ یعنی جوری انتقاد نکنید که وقتی مردم عادی میشوند، احساس بن‌بست بکنند. نه، گاهی اوقات اشکالی که بیان میشود، چوری است که وقتی انسان آن را میشوند، احساس میکند واقعا هیچ راهی وجود ندارد. خوب، این غلط است.

بر خلاف انتظار دشمن نه مقاومت فلسطین و نه مقاومت لبنان از پا در نیامده بلکه قوی‌تر شده. پراکنده‌تر شده. این شهادت‌ها از لحاظ انسانی خسارت به آنها وارد کرد. اما از لحاظ انگیزه آنها را تقویت کرد.

ملاحظه کردید کسی مثل سید حسن نصرالله رضوان خدا بر او، از بین می‌رود، از میان این جمع پرواز میکند، جای او خالی می‌ماند. آن وقت درعین حال در همان روزهای بعد از شهادت او حرکتی که حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی انجام میدهد از حرکت‌های قبلی‌اش قوی‌تر است.

در مقاومت فلسطین کسی مثل هنیه، کسی مثل سنوار، کسی مثل ضیف از میان اینها می‌رود. درعین حال اینها در مذاکراتی که اصرار رژیم صهیونیستی و طرفدارانش و آمریکا بر این مذاکره بوده می‌توانند شرایط خودشان را بر طرف مقابل تحمیل کنند. این نشان‌دهنده‌ی این است که انگیزه‌ها قوی‌تر شده.

ما هم این را بگوییم با همه‌ی توان از مقاومت فلسطین و مقاومت لبنان حمایت خواهیم کرد. این بین مسئولان کشور مورد اتفاق است، دولت، ریاست محترم جمهور، دیگران در این مسائل اتفاق نظر دارند، مشکلی وجود ندارد.

هنر بزرگ امام این بود که اولاً با ملت حرف زد، نه با یک قشر خاص، نه با یک حزب، با یک مجموعه‌ی خاص. با ملت ایران حرف زد. به ملت هویت داد. از ملت مطالبه کرد و اظهار توقع کرد. هویت فرهنگی و تاریخی ملت را به یادشان آورد و از غفلت خارج کرد. ملت را به میدان آورد و وارد میدان کرد.

این هنر بزرگ امام است. همه‌ی ما توجه نداشتیم به توانایی‌های خودمان. امام ما را متوجه کرد به توانایی‌هایمان و به پیگیری‌هایمان. ما را وارد میدان کرد و ملت را وارد میدان کرد و در این کار واقعا مجاهدت کرد. خداوند متعال هم برکت داد و ملت مرعوب نشدند؛ احساس مرعوب شدن را از ملت سلب کرد.

حامی عدالت: حجت‌الاسلام محسنی

اژه‌ای، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضاییه، ضمن گرامیداشت روز «بزرگداشت شهدا» و روز «راهیان نور»، به وقایع رخ داده در سوریه بویژه وقایع دلخراش غرب این کشور اشاره کرد و گفت: آنچه این روزها در سوریه می‌گذرد حقیقتاً مایه تأسف و دلخراش است؛ طی چند روز در سوریه بیش از هزار نفر که عمدتاً زنان و کودکان هستند قتل‌عام شدند و مدعیان حقوق بشر در غرب، کوچکترین صدایی را در محکومیت این جنایات فجیع برنیاوردند.

رئیس قوه قضاییه در ادامه با اشاره به قلدری‌های رژیم آمریکا در مواجهه با سایر کشورها و بدعهدی‌های این رژیم گفت: خیلی تعجب‌برانگیز و تأمل‌برانگیز

است که عده‌ای از افراد که مدعی تحلیل و شناخت و درک سیاسی می‌باشند، به عیان‌ترین شکل، بدعهدی‌ها و کینه‌ها و قلدری‌های رژیم آمریکا را می‌بینند اما باز هم نسخه مذاکره با این رژیم و تکیه بر وعده‌هایش را تجویز می‌کنند! ما قطعاً در کشور مشکلاتی داریم اما این مشکلات را با تکیه بر توان داخلی رفع خواهیم کرد.

وی در ادامه با اشاره به دیدار اخیر رمضانی کارگزاران نظام با رهبر معظم انقلاب و تأکیداتی که معظم‌له در این دیدار داشتند، گفت: رهبر معظم انقلاب بار دیگر در دیدار اخیرشان با کارگزاران نظام، بر ضرورت اهتمام مسئولان بر رفع مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم تأکید کردند و فرمودند که فاصله بین تصمیمات با اجرای آنها نباید زیاد باشد. گاهی ما یک سندی می‌نویسیم یا یک تصمیم را اتخاذ می‌کنیم اما این سند یا تصمیم را با فاصله به مرحله اجرا درمی‌آوریم؛ همین امر سبب می‌شود خاصیت کار ما زایل شود.

رئیس قوه قضاییه بیان داشت: ما در قوه قضاییه ارتباطات وسیعی با دولت و مجلس در راستای رفع مشکلات کشور و مردم برقرار کرده‌ایم؛ اما صرف این وسعت ارتباطات کافی نیست؛ باید نگاه‌های ما نیز پیرامون مشکلات و مسائل کشور هر چه بیشتر به هم نزدیک شود و باید به یک درک مشترک از مسائل مبتلا به کشور برسیم. بدون تحقق این مقوله، هرچقدر هم که همکاری ما گسترش یابد، آنچنان کارها جلو نمی‌رود.

ادعا می‌شود که برخی محکومان این پرونده صرفاً به سبب سهل‌انگاری و عدم نظارت، حکم محکومیت دریافت کرده‌اند! به هیچ وجه اینگونه نیست؛ مسائل مطروحه در پرونده به لحاظ حقوقی، متضمن عنوان مجرمانه هستند و ترک فعل ساده محسوب نمی‌شوند

وی تصریح کرد: ما در راستای رفع مسائل و مشکلات اقتصادی، یک نوع وظایف ذاتی داریم؛ مبارزه با فساد، در این دسته می‌گنجد؛ ما بر مبارزه عالمانه و حرفه‌ای با فساد تأکید داریم و معتقدیم که در امر خطیر مبارزه با فساد و مفسد، باید به نحوی عمل کنیم که حواشی و آسیب‌های این امر بر متن غلبه پیدا نکند به نحوی که باعث فرار سرمایه از کشور شود. همچنین ما مبارزه ریشه‌ای با سرمنشاهای فساد را نیز در اولویت قرار داده‌ایم؛ البته قطعاً از برخورد قانونی و قاطع با مصادیق فساد و مفسدین نیز کوتاه نخواهیم آمد.

محسنی اژه‌ای اظهار کرد: یکی از مسائل اقتصاد کشور به مقوله‌ی ارز و متفرعات آن بازمی‌گردد؛ از سالها پیش و در دولت‌های مختلف، این بحث مطرح بود که ارز ناشی از صادرات بعضاً به چرخه اقتصاد کشور بازمی‌گردد؛ در سال‌های قبل، یکی از مسئولان بانک مرکزی این بحث را پیش کشید و ما در قوه قضاییه به موضوع ورود پیدا کردیم و به چند استنتاج جالب رسیدیم؛ نخست آنکه مشخص شد بسیاری از شرکت‌هایی که ارز ناشی از صادرات خود را به چرخه اقتصاد کشور بازمی‌گردانند به نحوی از انحاء وابسته به دولت هستند؛ ثانیاً مشخص شد که در مقوله‌ی کارت‌های بازرگانی نیز اعمال متقلبان‌های صورت می‌گیرد؛ به طوری که گاهی وقتی فردی درخصوص عدم رفع تعهدات ارزی‌اش مورد سؤال قرار می‌گرفت، معلوم می‌شد اساساً بازرگان و تاجر نیست؛ علی‌الحال ما به این موضوع ورود کردیم و مشکل را کاهش دادیم اما این مشکل به صورت کامل برطرف نشده است؛ فلذا از همین تریبون خطاب به مقامات دولتی تأکید می‌کنم که هر جا لازم است اعلام کنند تا ما در چارچوب قوانین و مقررات و اقتضات به بحث بازگشت ارزهای ناشی از صادرات به چرخه اقتصاد و همچنین آسیب‌شناسی آن، ورود پیدا کنیم.

رئیس قوه قضاییه گفت: مقوله‌ی حفظ ارزش پول ملی نیز در مباحث اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ وظیفه دولت و

ادامه از صفحه قبل:

بانک مرکزی صیانت از ارزش پول ملی است؛ کاسته شدن از ارزش پول ملی یعنی کم شدن قدرت خرید و دارایی مردم؛ قوه قضاییه طی سال‌های گذشته و سال‌های اخیر در این عرصه کمک‌ها و مساعدت‌هایی را به دولت داشته است؛ مجدداً از این تربیون نیز تاکید می‌کنم که دولت در این حوزه نیز هر جا که لازم است اعلام کند تا دستگاه قضایی مبتنی بر قانون و مقررات و اقتضات، به کمک بیاید.

وی بیان داشت: در حوزه مبارزه با قاچاق سازمان‌یافته نیز قوه قضاییه وظایفی ذاتی دارد؛ در همین بحث ناترازی انرژی، ما به صورت جدی و میدانی در برخی استان‌ها بویژه هرمزگان و تهران به موضوع قاچاق سوخت ورود پیدا کردیم و سایر دستگاه‌ها را نیز به میدان آوردیم؛ به نحوی که در این قضیه، هم آسیب‌شناسی صورت گرفت و هم با سرمنشاه‌ها برخورد شد و این روند ادامه خواهد داشت. همچنین خطاب به دولت تاکید می‌کنم که درخصوص مقوله‌ی قاچاق، حتی در مواردی که ورود به آنها در زمره وظایف ذاتی و مستقیم قوه قضاییه نیست، اعلام نیاز کنند تا ما مجدانه به کمک و مساعدت بپردازیم.

رئیس قوه قضاییه در ادامه نشست امروز با اشاره به برخی شاخص‌ها و رتبه‌بندی مراجع و مراکز قضایی مبتنی بر این شاخص‌ها، گفت: در مقوله‌ی تسریع در برگزاری دادگاه‌های تجدید وقت شده با عنایت به تعطیلی‌هایی که در پاییز و زمستان داشتیم، برخی دادگستری‌ها بویژه دادگستری قم، اقدامات مؤثری انجام دادند که قابل تقدیر است. همچنین در بحث ساماندهی امور و جلوگیری از احاله کارها به سال آتی نیز معاونت قضایی بویژه در مبحث پرونده‌های درخواست ماده ۴۷۷، اقدامات مطلوبی انجام داد. در مقوله‌ی رسیدگی به پرونده‌های کثیرالشاکی و همکاری با دستگاه‌های امنیتی برای کشف و تعقیب عوامل و عناصر مخدوش‌کننده امنیت روانی و فیزیکی مردم و شهروندان نیز دادگستری و دادستانی تهران، وضعیت مطلوبی دارند که قابل تقدیر است. در مقوله‌ی پرونده‌های کثیرالشاکی نیز معاون اول و کارگروه مربوطه اقدامات مؤثری را ترتیب داده‌اند و در محبت تکریم ارباب رجوع نیز مراجع و مراکز مختلف قضایی توانسته‌اند گام‌های بلندی را بردارند که از همه آنها قدردانی می‌کنم.

وی در ادامه با قدردانی از خیرین فعال در مقوله‌ی آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد گفت: کاری که خیرین فعال در مقوله‌ی آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد می‌کنند برکات زیادی دارد و به منزله یک سنت حسنه در کشور است؛ چندی پیش در یک شهر کوچک عده‌ای مردم در مسجد جمع شده بودند و طی یک الی دو ساعت، بالغ بر ۹ میلیارد تومان برای آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد جمع شد.

رئیس قوه قضاییه در ادامه به برخی حواشی و مسائل مطروحه در باب صدور احکام پرونده چای دیش پرداخت و در این رابطه گفت: رسیدگی به این پرونده، در زمره افتخارات نظام است؛ آن را به اغراض و تعلقات سیاسی و جناحی آلوده نکنیم؛ مقامات دولت قبل از جمله شهید رئیسی و آقای مخبر در این خصوص ورود مجدانه داشتند. البته اینکه افرادی بگویند درخصوص احکام صادره قانع نشدند، شاید درست باشد و ضرورت به تبیین‌گری بیشتر وجود داشته باشد؛ علی‌ایحال نکته مهم آن است که کاری که ماحصل همکاری قوه قضاییه و دولت سیزدهم است را خراب نکنیم؛ این جفاست.

وی خاطر نشان کرد باید تاکید کنیم که رسیدگی به این پرونده، واجد اثرات بازدارندگی است و می‌تواند با آسیب‌شناسی صورت گرفته، در آینده از بسیاری از جرائم در حوزه تخصص

ارز پیشگیری کند.

رئیس قوه قضاییه ادامه داد: قوه قضاییه در رسیدگی به کلیه پرونده‌های قضایی از مرحله مفتوح شدن آنها تا صدور حکم و اجرای مجازات و محکوم شدن آنها، فقط به ضوابط قانونی و آیین دادرسی عنایت و توجه دارد البته تاکید داریم که باید در قبال پرونده‌های قضایی و احکام مرتبط با آنها، برای مردم و نخبگان تبیین‌گری کرد.

رئیس دستگاه قضا اظهار داشت: در جریان برخی پرونده‌های قضایی، گاهی جناح‌های سیاسی و گاهی دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء به پرونده مزبور مرتبط هستند، اغراض و توقعات و انتظاراتی پیش می‌کشند که هیچ ارتباطی به قوه قضاییه ندارد. طی ۴۶ سال بعد از انقلاب، کثیری از پرونده‌های قضایی بودند که پیرامون آنها حواشی و جار و جنجال به راه انداختند؛ من فی‌المجلس بالغ بر ۴۰ مورد از این حواشی و جار و جنجال‌ها را در ذهن دارم و می‌توانم همینجا به تشریح آنها بپردازم.

وی با ذکر مصادیقی از پرونده‌های قضایی که جناح‌های سیاسی و برخی دستگاه‌ها در قبال آنها جار و جنجال و حواشی به راه انداختند، گفت: در سال ۶۲ پرونده انفجار دفتر نخست‌وزیری مجدد مطرح شد و چه سروصداهایی به راه انداختند و حتی دادستان کل در آن مقطع نیز نامه‌ای را با پیشنهاداتی در خصوص این پرونده، تقدیم محضر امام (ره) کرد. در تمام دولت‌ها نیز از دولت سازندگی تا دولت‌های هفتم و هشتم و دولت‌های بعدی نیز سروصداها درخصوص برخی پرونده‌های قضایی وجود داشت؛ بنابراین موضوعی که درخصوص پرونده اخیر ایجاد شده، موضوع تازه ای نیست.

رئیس قوه قضاییه در ادامه بیان داشت: گاهی این ادعا مطرح می‌شود که قوه قضاییه در رسیدگی به پرونده مورد نظر غرضی داشته است فلذا خیلی زود آن را رسیدگی و منتهی به صدور حکم کرده است! حال آنکه این پرونده از اواخر سال ۱۴۰۱ مفتوح شد و در اواخر سال ۱۴۰۳ منتهی به صدور حکم شد؛ حال سؤال من آن است که آیا ۲ سال رسیدگی به این پرونده، به معنای زود رسیدگی کردن است؟ مگر در پرونده «امیرمنصور آریا» که در سال ۸۹ مفتوح شد و متفرعات و جزئیات بسیاری داشت نیز مدت ۲ سال رسیدگی طول نکشید؟

محسنی اژه‌ای اظهار داشت: ادعا می‌شود که برخی محکومان این پرونده صرفاً به سبب سهل‌انگاری و عدم نظارت، حکم محکومیت دریافت کرده‌اند! به هیچ وجه اینگونه نیست؛ مسائل مطروحه در پرونده به لحاظ حقوقی، متضمن عنوان مجرمانه هستند و ترک فعل ساده محسوب نمی‌شوند.

رئیس قوه قضاییه گفت: باید توجه داشت که در رسیدگی به این پرونده و صدور حکم در قبال آن، رعایت جنبه‌های احتیاطی شده است؛ به‌گونه‌ای که دو فردی که به عنوان معاونت در جرم اخلاص در نظام اقتصادی با حبس‌های دو سال و یک سال مواجه شده‌اند، به سبب خدماتی که در مسئولیت خود داشتند، با تخفیف مواجه شده‌اند؛ باید توجه داشت که حکم اصلی جرم معاونت در اخلاص، ۵ سال حبس است.

وی تصریح کرد: میزان واردات چای کشور و ارز تخصیص‌یافته بدین منظور، در بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مشخص و معین است، اما به یکباره در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ و سال ۱۴۰۱ در چند نوبت و به یک شرکت ذی‌نفع واحد، بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون یورو فقط برای واردات چای، ارز تخصیص می‌یابد؛ یعنی یک افزایش چشمگیر در ارز تخصیصی به واردات چای! در مقابل همزمان عده‌ای از افراد فعال در حوزه چای نیز التماس می‌کردند که به آنها نیز ارز برای واردات تخصیص یابد

و می‌گفتند ارزی به ما تعلق نمی‌گیرد.

رئیس قوه قضاییه گفت: آیا اینها سهل‌انگاری و عدم نظارت است؟! کار به جایی رسید که صدای خود بانک مرکزی درآمد. موارد مختلفی وجود دارد که چون اطلاع‌رسانی در قبال آنها صورت نگرفته و در مواردی مصلحت اقتضاء کرده که اطلاع‌رسانی نشود، عده‌ای از آن بی‌خبرند فلذا به تفسیر ناصواب می‌پردازند.

وی تصریح کرد: متهم اصلی ارز تخصیصی را دریافت می‌کرد اما چایی وارد کشور نمی‌شد؛ آنگاه آقایان نمی‌رفتند بررسی و نظارت کنند که چرا چایی وارد کشور نشده است. نکته قابل تأمل آنکه وقتی واردکنندگان چای نامه‌ای را به آقای مخبر معاون اول رئیس‌جمهور وقت نوشتند و وی موضوع را پیگیری کرد، آقایان توجیه‌شان این بود که می‌خواهیم چای را ذخیره کنیم! آیا این مقدار ذخیره چای در شرایط ارزی خاص کشور و نیاز به تخصیص ارز به واردات کالاهای اساسی واقعاً ضروری بود؟

محسنی اژه‌ای اظهار داشت: ما مصوبه داشتیم که وزیر مربوطه به فرآیند تخصیص ارز و واردات کالا نظارت کامل داشته باشد چرا که در تخصیص ارز محدودیت وجود داشت و کالاهای اساسی دیگری باید ذخیره می‌شد اما برای ذخیره آن کالاهای ارز تخصیص نیافت.

رئیس قوه قضاییه گفت: مبلغ حدود ۳ میلیارد و ۳۵۰ یورو ارز تخصیصی برای واردات در پرونده مزبور، که البته فقط در بخش کوچکی از آن کالایی هم وارد شده، عدد کمی نیست؛ به این موضوع دقت کنیم.

رئیس قوه قضاییه در پایان بار دیگر تاکید کرد: رسیدگی به این پرونده، در زمره افتخارات نظام است؛ آن را به اغراض و تعلقات سیاسی و جناحی آلوده نکنیم.

بخش دوم جلسه امروز شورای عالی قوه قضاییه که با حضور سردار «حسنی آهنگر» رئیس دانشگاه جامع امام حسین برگزار شد، به روایت پیشرفت الگوی دانشگاه تراز اسلامی اختصاص داشت.

محسنی اژه‌ای در این بخش، با اشاره به بازدید یک ماه پیش خود از نمایشگاه روایت پیشرفت الگوی دانشگاه تراز اسلامی، اظهار کرد: دانشگاه جامع حضرت امام حسین(ع) در ترازى که مدنظر انقلاب اسلامی است حرکت کرده و مسائل آن منحصر به نیروهای مسلح و سپاه نیست.

رئیس قوه قضاییه افزود: در این دانشگاه، کارها و اقدامات بسیار خوب، ارزشمند و مفیدی برای نظام و دستگاه‌های مختلف انجام شده که لازم است همه کارگزاران و مسئولان، از این اقدامات و روش به انجام رسیدن آنها، اطلاع و آگاهی پیدا کنند.

محسنی اژه‌ای با بیان اینکه عبارت «ما می‌توانیم» به معنای واقعی کلمه و در مقام عمل، در دانشگاه جامع امام حسین (ع) پیاده‌سازی شده است، گفت: استفاده از نیروهای جوان و ظرفیت‌های مختلف کشور، از جمله ویژگی‌های قابل تقدیر دانشگاه جامع امام حسین (ع) است.

رئیس قوه قضاییه تصریح کرد: در جریان بازدیدى که بهمن ماه امسال از دستاوردهای دانشگاه جامع امام حسین(ع) داشتم به مسئولان این مرکز پیشنهاد دادم که هم بستر بیشتری را برای بازدید مسئولان دستگاه‌های مختلف از دستاوردهای دانشگاه مهیا کنند و هم با حضور در مجامعی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت دولت، شورای عالی قوه قضاییه و ... به بیان دستاوردها و راه‌های طی‌شده طی یک دهه گذشته بپردازند.

سیستمی سابقه) شدند و به این وسیله مانع این افراد برای افزایش بی‌رویه چای با حذف اعمال سیستمی سابقه برداشته شد، چراکه مقررات موجود اجازه این افزایش را نمی‌داد، اما طی مکاتباتی، اعمال سابقه در میزان واردات جای سیاه متوقف شد.

از سوی دیگر هرچند دولت نیز طی مصوبه‌ای در این رابطه مقرر کرده بود که سقف و سابقه برای شرکت‌های تولیدی برداشته شود، اما این مصوبه یک شرطی داشت که از سوی مسئولان وقت رعایت نمی‌شد، در بندی از این مصوبه شرط شده بود که سقف مورد نظر صرفاً برای رفع نیازهای اساسی خود واحد تولیدی برداشته شود.

منظور از سابقه مذکور در نامه وزارت جهاد کشاورزی به وزارت صمت، میزان سابقه واردات یک کالا در سال‌های گذشته است.

با این توضیح که سابقه واردات کالا در هر سال باید متناسب با سال‌های گذشته باشد و بیش از آن اجازه واردات کالا به کشور وجود ندارد. باتوجه به اینکه مقررات واردات و صادرات در زیرسامانه‌های جامع تجارت اجازه افزایش واردات چای سیاه بیش از مقدار متناسب با سال‌های گذشته را به وزارت جهاد کشاورزی نمی‌داد، مسئولان وقت به منظور افزایش بیش از اندازه واردات چای به نسبت سال‌های قبل طی مکاتباتی با وزارت صمت، خواستار توقف این روند (یعنی اعمال

سرمقاله

ماجرای

یک تسهیلات ویژه

حسن عبدلیان پور – مدیر مسئول



ادامه از صفحه اول:

تا پیش از ورود دستگاه‌های نظارتی، طی یک‌سال ۴۰۰ هزار تن چای تخصیص ارز گرفت که سهم دیش ۲۷۰ هزار تن بود که بیش از چهار برابر نیاز کشور به چای، ارز تخصیص دادند.

آخرین وضعیت پرونده چای دبش

ارسال پرونده ساداتی نژاد و فاطمی امین به اجرای احکام



حامی عدالت: سخنگوی قوه قضاییه با اشاره به رسیدگی پرونده چای دبش گفت: ادعای سیستماتیک بودن فساد در کشور از بلندگوهای دشمن علیه دستگاه حاکمیت، بلند می‌شود و ادعای واهی دشمنان برای ناامید کردن مردم است.

وی با اشاره به صدور احکام قطعی پرونده چای دبش گفت: بار دیگر دستگاه قضایی نشان داد در برابر هر فساد اعم از فسادهای پیچیده و شبکه ای هیچ خط قرمزی برای خود ندارد و با همه مظاهر فساد مبارزه بی امانی انجام داده و انجام می‌دهد.

سخنگوی قوه قضاییه ادامه داد: از زمان آقای محسنی اژه‌ای به پرونده‌های کلانی همچون رستمی صفا و گلستان و نهادهای دامی و بانک‌ها نظیر بانک ایران زمین در سطح ملی رسیدگی شده است. این امر نشان دهنده عزم قوه قضاییه در مبارزه با متهمان مختلف بویژه مفاسد اقتصادی است که یکی از آنها پرونده چای دبش است و از افتخارات نظام محسوب می‌شود. در این پرونده بررسی‌های دقیقی در دادسرا و دادگاه شد و دادنامه این پرونده با بیش از هزار صفحه تنظیم شد.

وی افزود: این امر نشان داد ادعای سیستماتیک بودن فساد در کشور از بلندگوهای دشمن علیه دستگاه حاکمیت، بلند می‌شود و ادعای واهی دشمنان برای ناامید کردن مردم است. قوه قضاییه با رسیدگی دقیق به پرونده چای دبش بر عدم تحمل پذیری فساد تاکید می‌کند. تشکیل این پرونده با همکاری دولت سیزدهم، دولت شهید ریسی و سایر بخش‌ها انجام و رسیدگی شد؛ لذا کل حاکمیت برای برچیدن فساد مفسدین در این پرونده دست به دست هم دادند و سربلند بیرون آمدند.

وی در پاسخ به ایسنا درباره اینکه وزرای سابق صمت و جهاد کشاورزی که در پرونده چای دبش به حبس محکوم شدند، اکنون پرونده‌هایشان در چه وضعیتی است، آیا حکم حبس آنها اجرا شده یا قرار است اجرا شود؟ گفت: پرونده چای دبش، پرونده وسیعی است.

وی افزود: آقای اکبر رحیمی درآباد متهم اصلی پرونده است که در زندان است و بسیاری دیگر از متهمان از ابتدا بازداشت شدند و در بازداشت بسر می‌برند.

سخنگوی قوه قضاییه گفت: در خصوص محکومیت آقایان ساداتی نژاد و فاطمی امین و با توجه به قطعی شدن حکم، در ۱۸ اسفند پرونده به اجرای احکام ارسال شده و با توجه به حجیم بودن پرونده در حال اقدام است. گزارش نهایی خدمت مردم عزیز عرض خواهد شد.

سخنگوی قوه قضاییه در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا قوه قضاییه در سال آینده برنامه‌ای برای ارتقای آگاهی حقوقی و سواد حقوقی دانش آموزان و معلمان دارد؟ گفت: دستگاه قضایی در چند سال گذشته تاکنون در حوزه معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم براساس تأکیدات رئیس قوه قضاییه و در چهارچوب سند تحول و تعالی قضایی بحث ارتقای آگاهی‌های عمومی را در دستور کار قرار داده است؛ لذا یکی از بخش‌هایی که بسیار مورد عنایت و توجه بوده مربوط به آینده سازان یعنی دانش آموزان است و در این خصوص همکاری‌های بین بخشی با وزارت آموزش و پرورش از گذشته تاکنون دنبال شده که در سال جاری این همکاری‌ها با حضور وزیر آموزش و پرورش توسعه پیدا کرده است و جلساتی را برگزار کرده‌ایم و موضوعات ارتقا آگاهی‌های حقوقی و عمومی دانش آموزان و جلوگیری از آسیب‌های آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر کاهش مجازات آقای فاطمی امین در پرونده چای دبش، اظهار کرد: کاهش مجازات محکومان از اختیارات دادگاه است و تخفیف مجازات نیاز به تقاضا و اعتراض متهمان ندارد. چنانچه قاضی پرونده در مرحله رسیدگی تشخیص دهد که به دلیل فعالیت‌ها و اقدامات مثبت افرادی در زمان فعالیت‌شان مشمول تخفیفات و ارفاقات قانونی هستند می‌تواند برای آنها تخفیفاتی در نظر بگیرد این تخفیف نیز شامل حال دو وزیر سابق شد. در رابطه با مطالبی که در بیانیه‌های مختلف بیان کردند باید متذکر شوم که همه ما باید در برابر حکم قانون تابع باشیم و هیچکس حق ندارد در برابر قانون گردن‌کشی کند. همه ما

سخنگوی قوه قضاییه:

این پرونده حائز ملاحظات خاصی است و یکی از معدود پرونده‌هایی است که به بهانه واردات کالا رقم کلان ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو از منابع ارزی کشور به خارج از کشور قاچاق و یا از مسیری که برای آن تخصیص داده شده، خارج شده است. در جایی که سیاست‌های اصلی و مهمی در کشور وجود دارد؛ وظیفه بانک مرکزی و مدیران وزارتخانه‌های متولی برای کسانی که متقاضی ارز هستند تحت عنوان قانون موازنه ارزی، در قانون پیش بینی شده است. کشور ما در سال‌های اخیر با فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه مواجه بود. صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ما و بسیاری از کالاها که به ارز نیاز داشته با مشکل مواجه شده بود. ما با کمبود منابع ارزی مواجه شدیم و استفاده بهینه از ارز در دستور کار هیئت دولت قرار گرفته بود. در این خصوص شورای هماهنگی اقتصادی مصوباتی داشته است که در این مصوبات، وظایف دستگاه‌های اجرایی گوشزد شده است. همچنین بر این مسئله تاکید شده بود که برای دریافت ارز باید اعتبارسنجی‌های لازم صورت بگیرد و متقاضی دریافت ارز باید اهلیت سنجی شود و مشخص شود که متقاضی دریافت ارز شرایط لازم را دارد یا خیر؟

کاهش مجازات محکومان از اختیارات دادگاه است و تخفیف مجازات نیاز به تقاضا و اعتراض متهمان ندارد. چنانچه قاضی پرونده در مرحله رسیدگی تشخیص دهد که به دلیل فعالیت‌ها و اقدامات مثبت افرادی در زمان فعالیت‌شان مشمول تخفیفات و ارفاقات قانونی هستند می‌تواند برای آنها تخفیفاتی در نظر بگیرد این تخفیف نیز شامل حال دو وزیر سابق شد.

در چارچوب قانون موظف هستیم که قانون را اجرا کنیم و اگر حکم قانونی صادر و مراحل قانونی آن طی شده در مقابل قانون ایستادن به نوعی یک بدعت غیر قابل قبول است و

قطعاً قوه قضاییه این موضوع را تحمل نخواهد کرد. جهانگیر ادامه داد: در رابطه با هر حکمی که صادر می‌شود راه‌های قانونی برای اعتراض به حکم وجود دارد و هر کسی باید راه‌های قانونی اعتراض را دنبال کند، اما نباید به معنای این باشد که همه‌ای را علیه دستگاه قضایی برای رای صادره ایجاد کند. در رابطه با اطلاعیه‌ای که صادر شده باید گفت که این اطلاعیه به هیچ عنوان قابل قبول نیست و برای تمام اظهاراتی که در این بیانیه گفته شده پاسخ‌های قانونی وجود دارد که در این رابطه تبیین لازم صورت خواهد گرفت. وی یادآور شد: این پرونده حائز ملاحظات خاصی است و یکی از معدود پرونده‌هایی است که به بهانه واردات کالا رقم کلان ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو از منابع ارزی کشور به خارج از کشور قاچاق و یا از مسیری که برای آن تخصیص داده شده، خارج شده است. در جایی که سیاست‌های اصلی و مهمی در کشور وجود دارد؛ وظیفه بانک مرکزی و مدیران وزارتخانه‌های متولی برای کسانی که متقاضی ارز هستند تحت عنوان قانون موازنه ارزی، در قانون پیش بینی شده است. کشور ما در سال‌های اخیر با فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه مواجه بود. صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ما و بسیاری از کالاها که به ارز نیاز داشته با مشکل مواجه شده بود. ما با کمبود منابع ارزی مواجه شدیم و استفاده بهینه از ارز در دستور کار هیئت دولت قرار گرفته بود. در این خصوص شورای هماهنگی اقتصادی مصوباتی داشته است که در این مصوبات، وظایف دستگاه‌های اجرایی گوشزد شده است. همچنین بر این مسئله تاکید شده بود که برای دریافت ارز باید اعتبارسنجی‌های لازم صورت بگیرد و متقاضی دریافت ارز باید اهلیت سنجی شود و مشخص شود که متقاضی دریافت ارز شرایط لازم را دارد یا خیر؟



بوده است و وزیر جهاد کشاورزی باید در هماهنگی کامل با سیاست‌های ارزی کشور واردات محصولات کشاورزی را اولویت‌بندی می‌کرد و پس از اولویت بندی و احراز ضرورت واردات کالا، واردات به میزان نیاز سالانه کشور به علاوه میزان لازم برای ذخایر استراتژیک را هدف‌گذاری و به مدیران ذیربط ابلاغ می‌کرد. در حالی که در این پرونده نیاز ما به بحث چای در کشور و بر اساس نظر کارشناسان سالیانه ۱۰۰ و حداکثر ۱۲۰ هزار تن بوده و از محل محصولات داخل ۳۰ هزار تن آن تامین می‌شده و مابقی آن از خارج کشور تامین می‌شد، در واقع حجم واردات بسیار بیشتر از نیاز کشور بوده است که این امر نشان می‌دهد ارز کشور که باید در حوزه واردات کالاهای

دیگر از قبیل گندم و سایر موارد تخصیص داده می‌شد به یک گروه خاص تعلق گرفته است.

وی ادامه داد: در نتیجه وقتی که تامین ارز از سال ۱۳۹۷ با مشکل جدی روبه‌رو شد، وزارت صمت، جهاد کشاورزی و سایر وزارتخانه‌ها از جمله وزارت بهداشت برای تقاضای ارز به منظور واردات، مصوبه‌هایی را ابلاغ کردند. به موجب مصوبات چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی در ۱۰ مهرماه سال ۱۳۹۷ که به تایید مقام معظم رهبری نیز رسیده و به موجب نامه شماره ۹۴۴۰۵ به رئیس جمهور وقت به وزارتخانه‌های مربوطه یعنی وزارت صمت و جهاد کشاورزی ابلاغ شده که در راستای تامین ارز برای واردات کالا و خدمات، کمیته‌ای با مسئولیت بانک مرکزی و متشکل از رئیس بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصاد و دارایی، وزیر نفت و وزیر صنعت، معدن و تجارت برآورد درآمدهای ارزی ماهانه کشور اعم از صادرات خدمات و کالاهای نفتی و غیرنفتی تشکیل شود و عرضه قابل تامین را جهت مدیریت ثبت سفارش‌ها به وزارت صنعت معدن و تجارت ابلاغ کند. همچنین تامین و تخصیص سهمیه ارزی حوزه مسئولیت در دستگاه به عهده کمیته‌ای با مسئولیت وزارت صنعت، معدن و تجارت و متشکل از سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، وزارت نفت، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت خواهد بود. نکته مهم این است که مسئولیت توزیع ارز تخصیص یافته در هر دستگاه به عهده وزیر مربوطه خواهد بود.

وی اضافه کرد: متهم اکبر رحیمی درآباد در حال حاضر بابت جرایم ارتكابی به تحمل حدود ۶۶ سال حبس، استرداد عین ارز به میزان ۲ میلیون و ۲۷۰ هزار یورو، پرداخت جزای نقدی به میزان بیش از ۲۴۴ هزار میلیارد تومان و ۷۴

ضربه شلاق و ۳۴ متهم دیگر نیز به علت جرایم ارتكابی به مجازات‌های قانونی محکوم شدند. دو نفر از محکومین به نام‌های سید جواد ساداتی نژاد و سید رضا فاطمی امین به معاونت در اخلا در نظام اقتصادی کشور به طور عمده و کلان مستندا به تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور و اهمال در انجام وظایف قانونی منجر به تضییع حقوق دولت مستندا به ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی محکوم شدند. دادگاه عنوان اتهامی نامبرداران را تحت عنوان معاونت در اخلا در نظام اقتصادی کشور به طور عمده و کلان تشخیص داد و هر کدام به ۵ سال حبس تعزیری محکوم و در اجرای مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات حبس آقای ساداتی نژاد به دو سال آقای فاطمی امین به یک سال کاهش داد. مستندات و دلایل موجود در پرونده به طور کامل گویای این است که جرایم ارتكابی از ناحیه نامبرداران کاملاً محرز و مسلم است، به نحوی که به طور کامل و دقیق مشخص است که قاچاق منابع ارزی کلان به شرح فوق و به علت عدم انجام وظایف قانونی از جانب نامبرداران انجام شده است. ظن عمد بودن همراهی در عملکرد متهمان دور از ذهن نبود چرا که در رابطه با آقای ساداتی نژاد و فاطمی امین مسئله این است که از آنجایی که به دلیل ثبت سفارش‌های غیرقانونی تقاضای ارز از بانک مرکزی بابت تعدادی از گروه‌های کالایی افزایش غیر متعارف پیدا کرده بوده و فشار تقاضا از جانب وزارتخانه صمت و جهاد کشاورزی افزایش یافته، مراتب بانک مرکزی به کمیته ماده ۳ موضوع چهاردهمین مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی اعلام می‌شود. با مصوبه‌ای که در سال ۱۴۰۱ از این کمیته صادر می‌شود، مقرر می‌شود که در خصوص لیست تعرفه پیوست (ردیف

۹ که مربوط به چای و ردیف ۴۰ مربوط به ماشین آلات چای) در زمان ثبت سفارش میانگین واردات ۲ سال گذشته برای هر بازرگان لحاظ شود و از ثبت سفارش بیش از مبلغ مذکور جلوگیری به عمل آید. این مصوبه به موجب نامه شماره ۸۹۱/۱۲ مورخ ۷ تیر ۱۴۰۱ آقای فاطمی امین به عنوان وزیر وقت صمت و معاون بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی همه مقامات ذیربط ابلاغ شده، اما این آقایان که تکلیف به اجرای مصوبه داشتند به تکلیف خود عمل نکردند.

جهانگیر گفت: در این راستا آقای ساداتی نژاد با ارسال نامه‌ای به تاریخ ۱۳ مرداد ۱۴۰۱ خطاب به معاون اول وقت رئیس جمهور سازمان توسعه تجارت را باعث ایجاد اخلا در واردات کالاهای اساسی دانست در حالی که این امر صحت ندارد و حتی چای بیشتر

از نیاز کشور وارد شده بود. تخصیص ارز برای واردات چای نبوده و اعلام کرده که ضرورت توقف این مصوبه وجود دارد و تقاضا داشته که این مصوبه با قید فوریت برطرف شود. ایشان نه تنها به وظیفه خود عمل نکرده بلکه مصوبه‌ای که تقاضای بازار را خارج از آن نشان می‌دهد است تلاش کرده این مصوبه را به عنوان اخلا در بازار نشان دهد و از این طریق همچنان گروه جای دیش را مورد حمایت قرار دهد. همچنین آقای فاطمی امین وزیر صمت وقت در خصوص مصوبه‌ای که سازمان توسعه تجارت داشته هیچگونه اقدامی در جهت اجرای مصوبه کمیته ماده ۳ و جلوگیری از ثبت سفارشات به عمل نیاورده و در نتیجه عدم عملکرد این دو شخص رقیمی بالغ بر یک و نیم میلیارد یورو ارز بابت واردات ماشین آلات کشاورزی به گروه چای دیش پرداخت شده که رقیمی بالغ بر یک میلیارد و ۲۴۴ میلیون یورو بعد از ابلاغ مصوبه کمیته ماده ۳ تخصیص داده شده است. ضمن اینکه این ماشین آلات وارد شده کارایی چندانی ندارد و ماشین آلاتی مستهلک و غیر قابل استفاده بودند که در اینجا نیز وزارتخانه به وظایف قانونی خود عمل نکرده است.

وی بیان کرد: همچنین رقیمی بالغ بر یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو بابت واردات چای به گروه چای دیش پرداخت شده که رقیمی بالغ بر ۷۵۰ میلیون یورو بعد از ابلاغ مصوبه کمیته ماده ۳ بوده است. بر اساس موارد مندرج در دادنامه، این اقدامات با علم و آگاهی محکوم علیهم ارتكابی گروه دیش انجام شده و نامبرداران با وجود علم و اطلاع کامل این اقدامات گروه دیش مرتکب جرم تبصره ۲ ماده ۲ قانون اخلا دران شدند و از این طریق جرم را برای محکوم علیه اصلی تسهیل کردند.

بحران اخاذی از کودکان در انگلیس

جنایتکار تبدیل شده است. سرویس Report Remove که توسط IWF و موسسه خیریه کودکان NSPCC اداره می‌شود، به کودکان این امکان را می‌دهد تا به‌طور ناشناس تصاویر یا ویدیوهای خصوصی خود را که در فضای مجازی ظاهر شده‌اند یا می‌توانند ظاهر شوند از جمله آنهایی که برای کلاهبرداران اخاذی ارسال می‌شوند، پرچم‌گذاری یا Flagged (با هدف جلوگیری از ورود دنبال‌کننده‌های جعلی به حساب‌های کاربران) کنند. پلتفرم‌های فناوری سپس می‌توانند تصویر را حذف یا از آپلود آن جلوگیری کنند.

بر اساس گزارش IWF، تعداد کودکانی که از Report Remove استفاده می‌کنند در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. داده‌هایی که نشان می‌دهد ۱۱۴۲ گزارش در سال گذشته توسط سازمان دیده‌بان پردازش شده است که ۴۴ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. تقریباً نیمی از تصاویر، مربوط به گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ سال بوده است.

IWF در این باره گفت: این واقعیت که این مجرمان شبکه خود را برای به دام انداختن کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله گسترش داده‌اند، بسیار نگران کننده است. اگرچه شاید این آمار در حال حاضر چندان چشمگیر نباشد اما من نگرانم که این تعداد افزایش یابد. در همین رابطه ماه گذشته پس از اینکه دختری هشت ساله قربانی اخاذی شده بود، به تمام والدین یک مدرسه ابتدایی در «ادینبورگ» هشدار داده شد که تلفن‌های هوشمند فرزندان خود را بررسی کنند. مدرسه به والدین اطلاع داد که فردی در «سنسپ چت» به گول زدن دانش‌آموزان پرداخته است و پلیس تأیید کرد که پس از دریافت «گزارش‌های متعدد» مبنی بر اشتراک‌گذاری تصاویر غیراخلاقی و خصوصی، تحقیقات در حال انجام است. سال گذشته، آژانس ملی جرم و جنایت (NCA) به مجرمان سایبری بین‌المللی هشدار داد که می‌تواند به دنبال استرداد آنها باشد چراکه برنامه مقابله با اخاذی را آغاز کرده است. به گفته NCA، غرب آفریقا و به ویژه نیجریه به مرکز باندهای

حامی عدالت: بنیاد دیده‌بان اینترنت (IWF) در گزارشی در این باره اعلام کرد این روند «نگران‌کننده» نشان می‌دهد که مجرمان پشت فعالیت‌های باج‌گیری و اخاذی، شبکه‌های خود را در تلاش برای به دام انداختن قربانیان، گسترده‌تر کرده‌اند. اخاذی نوعی باج‌گیری است که در آن نوجوانان - معمولاً پسران، اگرچه حوادث مربوط به دختران نیز در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است - فریب داده می‌شوند تا عکس‌های خصوصی خود را برای کاربران جعلی و کلاهبردارانی که در رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های پیام‌رسان با آنها تماس برقرار کرده‌اند، ارسال کنند. مجرمان سپس تقاضای پول می‌کنند و تهدید می‌کنند که در صورت عدم پرداخت مبالغی که درخواست کرده‌اند، مطالب خصوصی قربانی را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. سازمان دیده‌بان ایمنی اینترنت مستقر در انگلیس اعلام کرده است از مجموع ۱۷۵ مورد تایید شده مربوط به افراد زیر ۱۷ سال، پنج گزارش تایید شده از قربانیان اخاذی در سنین ۱۱ تا ۱۳ ساله را طی سال گذشته دریافت کرده است. هرچند مجموع آمار سال ۲۰۲۴ به میزان اندکی کمتر از ۱۷۶ مورد ثبت شده در سال قبل از آن بود اما IWF هشدار می‌دهد که این شیوه اخاذی کردن از کودکان همچنان یک «مشکل بزرگ» در انگلیس است. «تمسین مک نالی»، یکی از مدیران

بیماران اتیسم و مسئولیت خانواده، مردم و جامعه در قبال آنها

دکتر آمنه ذاکری / متخصص روانشناسی - و روان درمان گر

حق عدم تبعیض: قوانین حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، تبعیض علیه آنها را در زمینه‌هایی مانند اشتغال، آموزش و خدمات عمومی منع می‌کند.

حق داشتن سرپرست قانونی: برخی افراد دارای اتیسم شدید ممکن است نیاز به سرپرست قانونی داشته باشند که تصمیمات مهم زندگی آنها را مدیریت کند. این تصمیم باید بر اساس صلاح فرد و با نظارت دادگاه باشد.

حمایت در برابر سوءاستفاده: افراد دارای اتیسم ممکن است در معرض سوءاستفاده یا استثمار قرار بگیرند. قوانین باید از آنها در برابر هرگونه آزار جسمی، روانی یا اقتصادی حمایت کند.

■ حق اشتغال و حمایت شغلی

استخدام بدون تبعیض: طبق قوانین کار، کارفرمایان نباید بر اساس شرایط پزشکی یا ناتوانی‌های افراد، آنها را از استخدام محروم کنند. محیط کار مناسب: افرادی که به دلیل اتیسم نیاز به تغییرات خاص در محیط کار دارند (مانند کاهش میزان سر و صدا یا تعیین وظایف مشخص)، باید از این حق برخوردار باشند. برنامه‌های حمایتی: در برخی کشورها، دولت برای کارفرمایانی که افراد دارای اتیسم را استخدام می‌کنند، مشوق‌های مالی در نظر می‌گیرد.

■ حقوق بیمه‌ای و حمایت‌های مالی

بیماران مبتلا به اتیسم و خانواده‌های آنها معمولاً نیاز به حمایت‌های مالی و بیمه‌ای دارند، زیرا هزینه‌های درمان و آموزش آنها بالاست. برخی از حمایت‌های قانونی در این زمینه عبارت‌اند از:

بیمه درمانی: در بسیاری از کشورها، هزینه‌های گفتاردرمانی، کاردرمانی و سایر درمان‌های مرتبط با اتیسم تحت پوشش بیمه قرار دارد. کمک‌هزینه دولتی: برخی دولت‌ها کمک‌هزینه‌هایی برای خانواده‌هایی که فرزند مبتلا به اتیسم دارند، در نظر می‌گیرند تا بخشی از هزینه‌های درمان و آموزش جبران شود. مرخصی والدین: برخی کشورها برای والدینی که از فرزند مبتلا به اتیسم مراقبت می‌کنند، امکان استفاده از مرخصی‌های ویژه با حقوق را فراهم کرده‌اند.

■ مسئولیت قانونی والدین و قیم‌ها

در مواردی که فرد مبتلا به اتیسم قادر به مدیریت امور خود نیست، والدین یا قیم‌های قانونی باید نقش حمایتی داشته باشند. مهم‌ترین وظایف آنها شامل موارد زیر است: مدیریت امور مالی: اگر فرد توانایی مدیریت پول و اموال خود را ندارد، والدین یا قیم می‌توانند با حکم دادگاه مسئولیت این امور را بر عهده بگیرند. اتخاذ تصمیمات پزشکی: در مواردی که فرد اتیستیک توانایی درک مسائل پزشکی را ندارد، والدین باید بهترین تصمیم را به نفع او بگیرند. برنامه‌ریزی برای آینده: والدین باید از طریق بیمه‌ها، پس‌اندازها و تعیین قیم‌های آینده، اطمینان حاصل کنند که در صورت نبود آنها، فرزندشان همچنان حمایت لازم را دریافت خواهد کرد.

■ نتیجه‌گیری

افراد مبتلا به اتیسم دارای حقوقی هستند که باید در سطح خانواده، جامعه و دولت رعایت شود. دولت‌ها باید با تصویب قوانین حمایتی، از حق تحصیل، اشتغال، درمان و زندگی مستقل این افراد حمایت کنند. خانواده‌ها نیز باید آگاهی کافی از حقوق قانونی خود و فرزندشان داشته باشند تا بتوانند از حمایت‌های لازم بهره‌مند شوند. جامعه نیز باید با ایجاد محیطی پذیرنده و جلوگیری از تبعیض، به ارتقای کیفیت زندگی افراد مبتلا به اتیسم کمک کند. اگر کشوری دارای قوانین مشخصی برای حمایت از این بیماران نباشد، لازم است که نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) برای بهبود شرایط زندگی آنها تلاش کنند.



رفتاردرمانی، هزینه‌بر هستند. دولت باید امکانات درمانی رایگان یا کم‌هزینه را در اختیار خانواده‌ها قرار دهد تا همه افراد بتوانند از خدمات لازم بهره‌مند شوند.

ب) ایجاد مدارس و مراکز آموزشی ویژه

نظام آموزشی باید شرایطی را فراهم کند که کودکان اتیستیک بتوانند با روش‌های متناسب با نیازهایشان آموزش ببینند. ایجاد مدارس ویژه، حضور معلمان متخصص و طراحی برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر می‌تواند در رشد و پیشرفت این کودکان مؤثر باشد.

ج) حمایت از خانواده‌ها

دولت می‌تواند از طریق ارائه کمک‌های مالی، تسهیلات بیمه‌ای و ایجاد برنامه‌های حمایتی، فشار اقتصادی و روانی بر خانواده‌های دارای فرزند اتیستیک را کاهش دهد.

■ نتیجه‌گیری

مراقبت از بیماران مبتلا به اتیسم تنها وظیفه خانواده نیست، بلکه جامعه، مردم و دولت نیز باید نقش خود را در حمایت از این افراد ایفا کنند. آگاهی‌بخشی عمومی، ایجاد فرصت‌های اجتماعی و شغلی، ارائه خدمات درمانی مناسب و جلوگیری از تبعیض، گام‌هایی مهم در جهت بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به اتیسم است. زمانی که جامعه‌ای پذیرنده و حمایتگر داشته باشیم، این افراد می‌توانند توانایی‌های خود را شکوفا کنند و زندگی بهتری داشته باشند. با درک و همراهی بیشتر، می‌توانیم دنیایی بهتر برای افراد مبتلا به اتیسم بسازیم. مباحث حقوقی مرتبط با بیماران مبتلا به اتیسم افراد مبتلا به اتیسم، مانند سایر افراد دارای معلولیت، حقوقی دارند که باید توسط خانواده، جامعه بط با بیماران اتیسم می‌پردازیم.

۱- حق آموزش و تحصیل

طبق قوانین بین‌المللی و بسیاری از کشورها، کودکان مبتلا به اتیسم حق برخورداری از آموزش مناسب را دارند. برخی از مهم‌ترین ملاحظات حقوقی در این زمینه عبارت‌اند از: آموزش فراگیر: بسیاری از کشورها برنامه‌های آموزشی فراگیر را اجرا می‌کنند که به کودکان مبتلا به اتیسم اجازه می‌دهد در کنار سایر دانش‌آموزان تحصیل کنند، با این تفاوت که از امکانات و حمایت‌های ویژه بهره‌مند می‌شوند. مدارس ویژه: برخی از کودکان با شدت بالاتر اتیسم نیاز به آموزش در مدارس ویژه دارند که در آنها از روش‌های تخصصی برای یادگیری استفاده می‌شود. حمایت‌های قانونی: در برخی کشورها، اگر یک مدرسه از پذیرش دانش‌آموزان مبتلا به اتیسم خودداری کند، والدین می‌توانند از طریق مراجع قانونی شکایت کنند.

۲- حقوق شهروندی و حمایت‌های قانونی

افراد مبتلا به اتیسم از حقوق شهروندی برابر با سایر افراد برخوردارند، اما ممکن است در برخی موارد به حمایت‌های حقوقی بیشتری نیاز داشته باشند.

اختلال طیف اتیسم (ASD) یک وضعیت عصبی-رشدی است که از دوران کودکی ظاهر می‌شود و بر نحوه تعامل فرد با دیگران، برقراری ارتباط و پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد. این اختلال طیفی از علائم را شامل می‌شود، از مشکلات خفیف در تعاملات اجتماعی تا چالش‌های شدید در برقراری ارتباط و رفتارهای محدود و تکراری. با توجه به ماهیت پیچیده اتیسم، مسئولیت مراقبت و حمایت از این بیماران تنها بر عهده خانواده‌هایشان نیست، بلکه جامعه و دولت نیز نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی آنها دارند.

■ مسئولیت خانواده در قبال بیماران اتیسم

خانواده اولین و مهم‌ترین نقش را در حمایت از فرد مبتلا به اتیسم دارد. از تشخیص اولیه تا آموزش و سازگاری با چالش‌های روزمره، خانواده‌ها تأثیر مستقیمی بر رشد و پیشرفت کودک دارند.

الف) تشخیص و حمایت عاطفی والدین

باید با مشاهده علائم اولیه مانند تأخیر در گفتار، مشکلات ارتباطی و رفتارهای تکراری، به متخصصان روانپزشک و روانشناس مراجعه کنند. پذیرش شرایط کودک و ایجاد یک محیط حمایتی نقش مهمی در کاهش اضطراب و تقویت مهارت‌های ارتباطی او دارد. ب) آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها باید مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط با کودک اتیستیک را بیاموزند. استفاده از تکنیک‌های رفتاری مانند تحلیل رفتار کاربردی (ABA) می‌تواند در بهبود تعاملات اجتماعی مؤثر باشد. همچنین، آموزش مهارت‌های زندگی روزمره به کودک، مانند انجام کارهای شخصی، می‌تواند استقلال او را افزایش دهد. ج) حمایت مالی و دسترسی به خدمات درمانی خانواده‌ها باید به دنبال خدمات درمانی و آموزشی مناسب باشند، اما هزینه‌های بالای درمان و کمبود امکانات در برخی مناطق چالشی جدی محسوب می‌شود. دولت و سازمان‌های حمایتی باید در این زمینه حمایت‌های لازم را فراهم کنند. ۲. مسئولیت مردم و جامعه: برخورد جامعه با افراد مبتلا به اتیسم تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی آنها دارد. آگاهی‌بخشی عمومی و ایجاد یک محیط پذیرنده و درک‌کننده می‌تواند به این افراد کمک کند تا بدون احساس تبعیض و طردشدگی در جامعه زندگی کنند. الف) افزایش آگاهی عمومی بسیاری از مردم اطلاعات کافی درباره اتیسم ندارند و ممکن است رفتارهای افراد مبتلا را به اشتباه به بی‌ادبی یا مشکلات تربیتی نسبت دهند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی، استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی درباره اتیسم می‌تواند به تغییر نگرش جامعه کمک کند.

ب) ایجاد فرصت‌های اجتماعی و شغلی

بیماران اتیسم، بسته به شدت علائمشان، می‌توانند مهارت‌های خاصی داشته باشند که در محیط‌های کاری و اجتماعی مفید باشد. ایجاد فرصت‌های شغلی برای این افراد و حمایت از کارفرمایانی که آنها را استخدام می‌کنند، نقش مهمی در افزایش استقلال و کاهش وابستگی آنها دارد. ج) جلوگیری از تبعیض و قضاوت‌های نادرست برخی افراد مبتلا به اتیسم در تعاملات اجتماعی مشکل دارند و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. جامعه باید یاد بگیرد که به جای طرد کردن این افراد، آنها را بپذیرد و از تحقیر یا قضاوت‌های نادرست بپرهیزد.

■ نقش دولت و سیاست‌گذاران

حمایت از افراد مبتلا به اتیسم نیازمند برنامه‌ریزی‌های دولتی و سیاست‌گذاری‌های مناسب است. برخی از مهم‌ترین اقدامات دولت در این زمینه شامل موارد زیر است:

الف) ارائه خدمات درمانی و آموزشی رایگان یا

مقرون‌به‌صرفه

درمان‌های مرتبط با اتیسم، مانند گفتاردرمانی، کاردرمانی و

دکتر عبدلیان پور با حضور در اداره ملاقات مردمی قوه قضائیه:

در بسیاری از پرونده‌ها عدم آگاهی افراد موجب بروز مشکلات حقوقی گردیده است



رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه با حضور در اداره ملاقات مردمی قوه قضائیه به پای صحبت برخی از مراجعین نشست.

دکتر حسن عبدلیان پور به همراه معاونین مرکز در این ملاقات پای صحبت ۳۹ مراجعه کننده نشست و ضمن مشاوره و راهنمایی دستور پیگیری را صادر کرد.

در این برنامه چند پرونده کثیرالشاکی مورد بررسی قرار گرفت و با دستور رئیس مرکز به کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون حقوق عامه ارجاع داده شد تا به صورت اختصاصی مورد بررسی قرار گیرد.

دکتر عبدلیان پور در مورد مشاوره حقوقی به این پرونده‌ها گفت: در بیشتر پرونده‌هایی که امروز مورد بررسی قرار گرفت، عدم آگاهی مردم به رویه‌های حقوقی یکی از اصلی‌ترین علت بروز مشکل در روند رسیدگی و بعضاً به بن رسیدن آن است. وی افزود: ما امروز در چندین مورد وکیل و کارشناس معاضدتی برای مراجعین مشخص کردیم تا پرونده آنها به صورت اصولی و قانونی پیگیری شود و توصیه ما به مردم عزیز کشورمان این است که در امورات رسمی و حقوقی خود حتماً از یک وکیل یا کارشناس رسمی استفاده کنند تا در پیگیری امور دچار چالش و مشکل نشوند.

بحران خودکشی آتش نشانان در فرانسه؛

روایتی تلخ از مردان و زنانی که دیگران را از مرگ می‌رهانند



همین دلیل، زمان واکنش متوسط در طول ۱۰ سال دو دقیقه و نیم افزایش یافته است. یک مسئول اتحادیه صنفی به نام مانوئل کولت می‌گوید: این یک میانگین است، اما در مناطقی مانند مناطق روستایی، زمان واکنش به بیش از ۲۰ دقیقه می‌رسد.

از سوی دیگر بودجه کل خدمات آتش‌نشانی و امداد در سال ۲۰۲۴ به ۵.۳ میلیارد یورو رسیده است، در حالی که در سال ۲۰۲۱ این مبلغ ۶.۵ میلیارد یورو بود. در حال حاضر، وزارت کشور در جستجوی منابع جدید مالی برای این بخش است.

تمام این عوامل منابع استرس شناخته شده‌ای برای کارکنان هستند که مقامات دولتی آن را تأیید می‌کنند.

اگرچه خودکشی ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد، اما دادگاه امور اداری فرانسه در موارد بسیاری، ارتباط آن با شغل را ثابت کرده است. اما پیگیری قضایی برای اثبات این موارد اغلب طولانی است و همه افراد توان انجام آن را ندارند. نیروهای آتش‌نشانی در فرانسه فقط آتش‌نشان نیستند و وظایف مختلفی از جمله امداد رسانی پزشکی و عملیات امداد و نجات در حوادث طبیعی و غیرمترقبه را هم بر عهده دارند. شمار زیادی از آتش‌نشانان فرانسه به ویژه در پاریس و مarse، نیروی نظامی به شمار می‌روند.

یک سال بعد، ساندربین علیه سرپرستان خود به اتهام آزار و اذیت روانی شکایت کرد، اما تحقیقات به نتیجه نرسید. ابتدا مرخصی گرفت، سپس با مشکلات سلامتی متعددی از جمله التهاب شانه و مشکلات پوستی روبرو شد. اضطراب او به حدی بود که وقتی به محل کار سابق خود نزدیک می‌شد، پاهایش می‌لرزید. او اکنون محل زندگی و شغل خود را تغییر داده است.

موارد مشابه ساندربین در داده‌های رسمی امنیت مدنی فرانسه گنجانده شده است زیرا این موارد در محل کار و در حین خدمت ثبت شده‌اند.

اما رادیو فرانسه از قول کارشناسان می‌نویسد که آمار اعلام شده کمتر از حد واقعی است و از سوی دیگر در بین خود آتش‌نشانان کسی درباره مسئله خودکشی حرف نمی‌زند، به گونه‌ای که این مسئله در بین آنها به اصطلاح «تابو» است. کارشناسان بر این باورند که تمام موارد خودکشی به صورت رسمی ثبت نمی‌شوند.

بنابر این گزارش، تعداد آتش‌نشانان ثابت باقی مانده و میانگین سنی آنها در حال افزایش است. همزمان، جمعیت فرانسه افزایش یافته و در عین حال پیرتر هم شده است.

تعداد موارد مداخله نیروهای آتش‌نشانی از ۳.۵ میلیون به پنج میلیون در سال افزایش یافته، در حالی که تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی ۳۰ درصد کاهش یافته است. به

گزارش حامی عدالت: داده‌های اداره بازرسی کل امنیت مدنی فرانسه نشان می‌دهد طی شش سال، صدها مورد خودکشی و اقدام به خودکشی در میان آتش‌نشانان این کشور رخ داده است.

واحد تحقیقات رادیو فرانسه که این آمار را فاش کرده است، می‌گوید این یک «واقعیت دردناک» است که احتمالاً «کمتر از آنچه که باید» ارزیابی شده است.

در کنفرانس ملی خدمات آتش‌نشانی و امداد که امروز (چهارشنبه) برگزار شد، بازرسی کل امنیت مدنی فرانسه، آمار جدیدی منتشر کرد که نشان می‌دهد در شش سال گذشته ۲۷۳ آتش‌نشان در این کشور خودکشی کرده یا تلاش به خودکشی کرده‌اند.

این آمار خودکشی در بین آتش‌نشانان، صرف‌نظر از علل آنها، واقعیتی است که نمایندگان اتحادیه‌های کارکنان از مدت‌ها پیش، توجه و رسیدگی به آن را از دولت درخواست کرده بودند و ظاهراً وزارت کشور فرانسه نیز از سال ۲۰۱۷ به این درخواست پاسخ داده است.

نخستین داده‌های رسمی در سال ۲۰۱۸ نشان‌دهنده ۲۴ مورد خودکشی بود که اوج آن در سال ۲۰۲۲ به حدود ۳۰ مورد رسید. هرچند اکنون اداره کل امنیت مدنی بر این باور است که این آمار رو به کاهش دارد زیرا در سال ۲۰۲۴ تنها ۲۶ خودکشی ثبت شده است.

این آمار نشان می‌دهد که نرخ خودکشی در میان مأموران در سه سال گذشته کاهش یافته و برای تعداد مشابهی از پرسنل، آتش‌نشانان کمتر از پلیس‌ها و ژاندارم‌ها خودکشی می‌کنند. با این حال اداره دولتی امنیت مدنی فرانسه می‌گوید تنها قادر به جمع‌آوری داده‌هایی است که از طرف خدمات آتش‌نشانی و امداد شهرستان‌ها به آنها منتقل می‌شود و به داده‌های دیگری دسترسی ندارد.

در گزارش رادیو فرانسه با اشاره به یکی از نمونه‌های اقدام به خودکشی نزد آتش‌نشانان آمده است: ساندربین که در سپتامبر ۲۰۲۲ از مدیریت بحران کووید و تنش‌های متعدد درون واحد خود خسته شده بود، در یک جلسه توسط اعضای تیمش مورد حمله لفظی قرار گرفت. مافوق‌های او هیچ اقدامی نکردند و اجازه دادند که این اتفاق بیفتد. برای او، این نقطه‌ای اوج سختی بود و تصمیم گرفت که به زندگی خود پایان دهد.

این آتش‌نشان سابق که حالا ۵۴ ساله است، به این رسانه گفت: باید این رنج تمام می‌شد. خود را برای انجام این کار آماده کرده بودم. می‌دانستم کجا بروم و از کجا می‌توانم خود را پرتاب کنم.

او گفت که در لحظه آخر پیش از خودکشی، پکی از همکارانش او را در حال باز کردن پنجره دید و فوراً کمک خواست و در نتیجه او را نجات دادند.

نشست بررسی ظرفیت های تشکل های مردم نهاد در پیگیری حکم جلب سران رژیم صهیونیستی

حامی عدالت: همزمان با یادواره مرحوم دکتر ژیل دوور وکیل و حقوقدان آزاده فرانسوی در محل دانشگاه جامع انقلاب اسلامی با حضور مهمان ویژه دکتر میشل کلن حقوقدان و خبرنگار بلژیکی حامی مردم مظلوم فلسطین به همت انجمن حمایت از کودکان مقاومت و موسسه افق نور و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه به عنوان فعال ترین نهاد مدنی در دفاع از حقوق مردم مظلوم فلسطین در طول ۱۸ ماه گذشته دومین نشست بررسی



ظرفیت های مردم نهاد برای پیگیری حکم جلب سران رژیم صهیونیستی برگزار گردید در این نشست تخصصی همچنین دکتر مانوئل دوور یادگار و فرزند مرحوم ژیل دوور (برنده جایزه سال حقوق بشر اسلامی) به صورت آنلاین سخنرانی نمود و از جزئیات برخی از پرونده هایی که پدرش برای دفاع از حقوق پایمال شده مردم مظلوم فلسطین اقامه نموده خبر داد همچنین از وکلای جمهوری

اسلامی ایران و مردم مهمان نواز جمهوری اسلامی ایران تشکر کرد و خاطرنشان کرد پدرش تا آخرین لحظه از مردم ایران به نیکی، مهربانی و مهمان نوازی یاد میکرد در ادامه جلسه خالد قدومی نماینده محترم حماس در جمهوری اسلامی ایران از آخرین وضعیت میدانی غزه و فلسطین گزارش داده و از حمایت دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران در دفاع جانانه و صادقانه از مردم بی دفاع

غزه در طول تاریخ بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عموماً و در ماجرای بعد از طوفان الاقصی خصوصاً تقدیر و تشکر نمود و نهایتاً بعد از ارائه توضیحات و ارائه گزارش اقدامات حقوقی، قضایی و رسانه ای انجام شده از سوی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه در طول دوره آخر توسط دکتر مرتضی عابدی رئیس کمیسیون بین الملل مرکز وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه در نهایت از سردیس مرحوم پروفیسور ژیل دوور که توسط مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه سفارش و ساخته شده توسط مهمان ویژه خارجی جناب دکتر میشل کلن و دکتر خالد قدومی نماینده حماس در ایران و اساتید حاضر در مراسم رونمایی گردید در پایان مهمانان خارجی و داخلی بابت این اثر فاخر و ارزشمند و هنری مراتب سپاس خود را از ریاست مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه ابراز نموده اند.

با حضور معاون اول قوه قضائیه انجام گرفت:

اتصال سراسری محاکم خانواده به سامانه مسیر گامی بزرگ در حمایت از سلامت روان خانواده ها

معاون اول قوه قضائیه در مشهد: ضرورت بهره مندی حداکثری از ظرفیت مشاوره در دعاوی و جرائم خانوادگی

مشاوره ای ارائه شده در سامانه "مسیر" شد.

یکی از ویژگی های بارز سامانه "مسیر"، جامعیت خدمات مشاوره ای ارائه شده در آن است. در حال حاضر، این سامانه خدمات مشاوره ای در زمینه دعاوی خانوادگی از جمله طلاق، حضانت فرزند، نفقه و مهریه را ارائه می دهد. اما این پایان کار نیست. بر اساس اعلام حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیمی، معاون مشاوران خانواده مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه از ابتدای سال ۱۴۰۴ خدمات مشاوره پیش از ازدواج نیز به سامانه "مسیر" اضافه خواهد شد. این اقدام، گامی اساسی در جهت آگاه سازی جوانان و زوج های جوان از حقوق و تکالیف خود در زندگی مشترک و پیشگیری از بروز اختلافات و مشکلات خانوادگی در آینده خواهد بود.

مشاوران خانواده استان در این مراسم سوگند خوردند تا ضمن رعایت قوانین و نظامات، بر خلاف کیان و تحکیم مبانی خانواده اقدام و اظهار نداشتند و در راستای تحقق جلوگیری از اختلافات و ایجاد صلح و سازش گام بردارند.



خانواده ها به دلیل محدودیت های جغرافیایی و کمبود مراکز مشاوره، از دریافت خدمات مشاوره ای محروم بودند. حجت الاسلام خلیلی، معاون اول قوه قضائیه در سخنان خود در این مراسم با اشاره به اهمیت نقش مشاوره در حل اختلافات خانوادگی اظهار داشت: «دادگستری استان ها به ویژه محاکم خانواده باید از ظرفیت مشاوره خانواده در کلیه دعاوی خانوادگی و حتی جرائم این حوزه بهره مند شوند.» وی همچنین با تأکید بر ضرورت آموزش و توانمندسازی مشاوران خانواده، خواستار ارتقای سطح کیفی خدمات

با حضور معاون اول قوه قضائیه و جمعی از مسئولان عالی رتبه قضایی و مشاوران خانواده، سامانه مشاوره خانواده قوه قضائیه با نام "مسیر" در استان خراسان به طور رسمی راه اندازی شد. این سامانه، نه تنها یک ابزار فناورانه، بلکه یک راهکار امیدبخش برای خانواده های ایرانی است که در مواجهه با چالش ها و اختلافات، نیازمند راهنمایی و مشاوره تخصصی هستند.

مراسم افتتاحیه سامانه "مسیر" همزمان با آیین تحلیف مشاوران خانواده قوه قضائیه در استان خراسان رضوی برگزار شد. در

این مراسم، معاون اول قوه قضائیه ضمن تقدیر از تلاش های دست اندرکاران راه اندازی سامانه "مسیر" بر اهمیت نقش مشاوره در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده تأکید کرد. با راه اندازی سامانه "مسیر"، محاکم خانواده در سراسر کشور به صورت یکپارچه به این سامانه متصل شده اند. این اتصال سراسری، امکان دسترسی آسان و سریع خانواده ها به خدمات مشاوره ای تخصصی را در هر نقطه از کشور فراهم می کند. پیش از این، بسیاری از

لزوم رعایت دقیق اصول قانونی در صدور قرار بازداشت موقت؛

توجه به حقوق متهم در نظام قضائی ایران

مجید قاسم کردی/ حقوقدان و فعال مدنی

ویژه‌ای برخوردار است و باید همواره در فرآیند دادرسی، حتی در صورت لزوم استفاده از قرار بازداشت موقت، رعایت شود. این بدان معناست که در مواردی که دلیلی برای صدور قرار بازداشت موقت وجود ندارد، باید از روش‌های دیگر برای تضمین حضور متهم در مراحل دادرسی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری: رعایت توازن میان ضرورت‌های قانونی و حقوق متهم

در نهایت، صدور قرار بازداشت موقت باید تنها در شرایطی که دلایل قوی و متقن برای آن وجود دارد، انجام شود. همان‌طور که رئیس‌قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای به‌درستی یادآور شده‌اند، حتی یک شب بازداشت می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری بر زندگی فرد متهم بگذارد. بنابراین، قضات باید با دقت و احتیاط در تصمیم‌گیری‌های خود عمل کرده و در صورت عدم وجود دلایل قوی و مستند برای بازداشت، از صدور این قرار خودداری کنند. در غیر این صورت، صدور قرار بازداشت موقت در موارد غیرضروری، مغایر با اصول عدالت و حقوق فردی متهم خواهد بود.

وجود ندارد، استفاده از بازداشت موقت می‌تواند علاوه بر آسیب‌های اجتماعی و روانی، به‌طور غیرضروری حقوق فرد را محدود کند.

آثار سوء بازداشت موقت بر حقوق متهم

بازداشت موقت، حتی برای مدت زمانی کوتاه، می‌تواند آثار زیان‌بار زیادی به همراه داشته باشد. این آثار نه‌تنها به وضعیت روانی و اجتماعی متهم آسیب می‌زند، بلکه ممکن است پیامدهای اقتصادی و خانوادگی قابل‌توجهی نیز به همراه داشته باشد. بنابراین، قضات باید در فرآیند تصمیم‌گیری خود در خصوص بازداشت موقت، تمامی جوانب انسانی و حقوقی را مدنظر قرار دهند و از هرگونه تصمیم‌گیری شتابزده اجتناب کنند.

اصل عدم تخریب حقوق بشر در برخورد با متهم

حق آزادی فردی یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است که در قوانین داخلی و بین‌المللی به‌ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران نیز، این اصل از اهمیت

بازداشت موقت یکی از تدابیر قانونی است که در نظام قضائی ایران به منظور تأمین حضور متهم در مراحل دادرسی و جلوگیری از فرار یا ایجاد اختلال در فرآیند تحقیقات صادر می‌شود. با این حال، استفاده از این ابزار باید با دقت و بر اساس شرایط مشخص قانونی صورت گیرد. همان‌طور که رئیس‌قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای در سخنرانی اخیر خود در جمع قضات استان لرستان بیان کردند، در مواردی که نیازی به بازداشت نیست، قضات باید از صدور این قرار خودداری کنند. این نکته اهمیت بسیاری دارد، زیرا حتی یک شب بازداشت می‌تواند آثار منفی جبران‌ناپذیری در زندگی فرد متهم داشته باشد.

قانون ایران و محدودیت‌های صدور قرار بازداشت موقت

در نظام حقوقی ایران، ماده ۲۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور صریح شرایط صدور قرار بازداشت موقت را مشخص کرده است. طبق این ماده، بازداشت موقت تنها در صورتی مجاز است که دلایل مستند و قوی مبنی بر خطر فرار متهم، تبانی با همدستان یا بر هم زدن روند تحقیقات وجود داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، اگر هیچ‌کدام از این شرایط در مورد متهم صدق نکند، صدور قرار بازداشت موقت نه‌تنها غیرضروری، بلکه خلاف اصول قانونی و حقوقی خواهد بود.

با توجه به اصول قانونی، قضات در هنگام صدور قرار بازداشت باید همواره به این نکته توجه داشته باشند که استفاده از این تدبیر، بایستی در شرایطی که هیچ جایگزینی مؤثر وجود ندارد، صورت گیرد. در مواردی که متهم به‌طور قطع تهدیدی برای روند دادرسی محسوب نمی‌شود، بهتر است از تدابیر دیگری مانند قرار وثیقه یا ضمانت‌نامه استفاده شود. به‌ویژه در پرونده‌هایی که متهم از سلامت روانی و اجتماعی برخوردار است و دلایلی مبنی بر خطر فرار وی

{فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ} [البقرة: ۱۸۵] پس هر که از شما (فرا رسیدن) این ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد. مبارک است، طلوع ماه زیبا روی و مژده رسان خوبی ها؛ ماه رمضان، درخشنده انوار قرآنی، خوشبو کننده نسیم بهشتی، تپه ی استراحت در صحرای پهناور، راحت کننده ارواح با ادای نماز، روزه و قیام شب. پروردگار! ماه رمضان را برای مان ، ماه امنیت، ایمان، آرامش، صلح، خوبی و هدایت قرار بده؛ الله اکبر و الله اکبر و الحمد لله. رسول الله صلی الله علیه وسلم چه راست فرموده اند: “ إِذَا كَانَتْ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ، صَفَدَتْ الشَّيَاطِينُ، وَمَرَدَةُ الْجِنَّ، وَغُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، فَلَمْ يَفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ، وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَلَمْ يُلْقَ مِنْهَا بَابٌ، وَنَادَى مُنَادٍ: يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، وَلِلَّهِ عُتَقَاءُ مِنَ النَّارِ، وَذَلِكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ “ سنن ابن ماجه (۱/ ۵۲۶) شب اول رمضان، شیطان ها زولانه شده و جنیات دور کرده می شوند، دروازه های دوزخ بسته می شود که هیچ دری باز نمی ماند، دروازه های بهشت باز شده و هیچ دروازه ی بسته نمی باشد و منادی صدا می کند: ای طلب کننده خوبی ها، پیش بیا و ای طلب کننده بدی ها دست نگهدار. درین شب رمضان، الله متعال تعدادی از مستحقین دوزخ را بخشیده و آزاد می کند و این برنامه هر شب ادامه دارد.

اسلام بر احکام، عبادات، فرائض و واجباتی بنا شده است، خداوند متعال به خاطر فضل و احسانی که بر بندگانش دارد؛ این دساتیر را بر قواعد و پایه های از خوبی و فضیلت بنا کرده که در دنیا و آخرت به فایده انسان بوده و باعث نیکبختی او می گردد.

قاعده اول: قاعده اساسی برای قبولیت و کامل بودن عبادت، نیت صادقانه و اخلاص برای پروردگار جهانیان است. الله متعال می فرماید: {وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ} {البینة: ۵} در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه خدای را بپرستند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: {إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى} «صحت اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس تنها پاداش آنچه را که نیت کرده است می گیرد.عبادتی که قلب و وجدان با اعضای بدن همراه نباشد و باعث پاکي روح و نفس نگردد؛ هیچ ارزشی نداشته و ثوابی بر آن مرتب نمی شود؛ لذا درین صورت از نماز آنقدر بهره می گیرد که دانسته مصروف چه عملی می باشد و بسا روزه دارانی هستند که از روزه، جز گرسنگی و تشنگی بهره ی ندارند.

قاعده دوم: دفع حرج و سختی و در نظر داشت سهولت و آسانگیری؛ در عبادات اسلامی و تکالیف شرعی هیچ مشقتی بر بندگان نبوده و باعث دلتنگی شان نمی گردد. الله متعال می فرماید: {مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} {المائدة: ۶} خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد و بلکه می خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید ، شاید که شکر او را به جای آورید . {وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ} [الحج: ۱۷۸] و در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است. {يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ

حق ماه رمضان بر بندگان

زهرة نظیفی– دکتری علوم حدیث و قرآن

او نازل شده است ، بیگمان آنان رستگار هستند. ای امت مسلمان، ماه صیام بر شما سایه افکنده است، درین ماه یک رکن از ارکان اسلام عملی می شود و این رکن بر شما حقوقی دارد که باید به ادای آن ها بپردازید:

حق اول: این که نفوس ما برای استقبال ازین ماه با توبه صادقانه و پاکي کامل و شامل آمده شود. {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَدْخُلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزَىٰ اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَآغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} [التحریم: ۱۸] ای مؤمنان ! به درگاه خدا برگردید و توبه خالصانه ای بکنید ، شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزداید ، و شما را به باغهای بهشتی داخل گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن رودبارها روان است . این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی را خوار و سبک نمی دارد که با او ایمان آورده اند . نور (ایمان و عمل صالح (ایشان ، پیشاپیش و سوی راستشان (رو به جانب بهشت) در حرکت است . می گویند : پروردگار! ! نور ما را کامل گردان و ما را ببخشای ، چرا که تو بر هر چیزی بس توانائی .

حق دوم: این که بر روزه حسی و معنوی حریص بوده و به امور آتی پایبند باشیم: بازداشتن از شکننده های روزه، جلوگیری اعضای بدن از ارتکاب گناهان و منکرات، توجه صادقانه به سوی خداوند، تأمل دوامدار، کثرت ذکر ، اندیشه و تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین.

حق سوم: انجام عبادات فراوان درین ماه، بخصوص نیکی و احسان به والدین و خویشاوندان و تهیدستان و تلاوت قرآنکریم؛ چون الله متعال ثواب صدقه دهنده ها را درین ماه چند برابر می سازد و درجات تلاوت کننده های متدبرانه را بلند می برد. رسول الله صلی الله علیه و سلم در رمضان بیشترین سخاوت مندی را داشته و جبریل علیه السلام در رمضان، قرآن را برای شان تکرار تلاوت می کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم از باد نیز سخاوت بیشتر داشتند.

حق چهارم: محافظت بر نماز تراویح و قیام شب و مناجات به درگاه پرورگار جهانیان، کسی که در رمضان با ایمان و طلب ثواب به قیام شب بپردازد، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود. این نماز شب در قلب های فروتنان چقدر نور و روشنایی می تاباند. {قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ} (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ} [المؤمنون: ۱، ۲] مسلمان مؤمنان پیروز و رستگاردن . کسانی هستند که در نمازشان خشوع و خضوع دارند .پروردگار! نیکی و هدایت را برای مان الهام کن و توفیق خیر و استقامت نصیب مان فرما؛ تو تقوا پذیر و آمرزنده ای!

{تَشْكُرُونَ} [البقرة: ۱۸۵] خداوند آسایش شما را می خواهد و خواهان زحمت شما نیست، و (خداوند ماه رمضان و رخصت آن را برای شما روشن داشته است) تا تعداد (روزهای رمضان) را کامل گردانید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده است ، بزرگ دارید و تا این که (از همه نعمتهای او) سپاسگزاری کنید . پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: يَسْرُوا وَلَا تَعْسُرُوا وَيَسْرُوا وَلَا تَتَفَرَّوْا. (رواه البخاری) آسان گیر باشید نه سخت گیر و مژده دهنده باشید نه نفرت انگیز. این قاعده در تمام تکالیف شرعی و عبادت های اسلامی وجود دارد؛ اگر به احکام شرعی تأمل کنیم، این موضوع را در تک تک احکام به وضوح مشاهده می نماییم، مثلا در مورد روزه، الله متعال می فرماید: {أَتَايَا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَىٰ الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ} [البقرة: ۱۸۴] روزه در (چند روز متین و اندکی است ، و کسانی که از شما بیمار یا مسافر باشند) اگر افطار کردند و روزه نگرفتند ، به اندازه آن روزها (چند روز دیگری را روزه می دارند ، و بر کسانی که توانائی انجام آن را ندارند لازم است کفاره بدهند، و آن خوراک مسکینی است و هر که کار خیر را پذیرا شود (و بر مقدار فدیة بیفزاید ، و یا علاوه از روزه فرض ، روزه سنت نیز بگیرد) برای او بهتر است . و روزه داشتن برای شما خوب است اگر (حقائق و نکات عبادات را) بدانید .

قاعده سوم: این عبادات آثار عملی مفیدی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و تنها عباداتی تعبد و اطاعت فرض نشده؛ بلکه در عبادات اسلامی در پهلوی بهره اخروی و تهذیب نفس، جنبه دنیوی و اجتماعی نیز در آنها لحاظ شده است. اسلام به هیچ چیزی دستور نداده است، مگر این که پاکیزه بوده و مردم آثار آن را در زندگی عملی شان می بینند و از هیچ چیزی منع نکرده است، مگر این که پلید بوده و مردم آثار شر و ضرر آن را در زندگی شان لمس می کنند.

{الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّحْمَ الْمُفْلِحُونَ} [الأعراف: ۱۵۷] کسانی که پیروی می کنند از فرستاده (خدا محمد مصطفی) پیغمبر امی که (خواندن و نوشتن نمی داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می یابند . او آنان را به کار نیک دستور می دهد و از کار زشت باز می دارد ، و پاکیزه ها را برایشان حلال می نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می سازد و فرو می اندازد بند و زنجیر (احکام طاعت فرسای همچون قطع مکان نجاست به منظور طهارت ، و خودکشی به عنوان توبه) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می آورد. پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند ، و از نوری پیروی کنند که به همراه

۴۲ درصد پرونده‌های قضایی در ۹ ماهه سال ۱۴۰۳ به سازش ختم شد

تحول مهم در دستگاه قضا

کنند. ضمن اینکه داوران حرفه‌ای از مرکز حل اختلاف پروانه اخذ کرده‌اند، اما گاهی ممکن است مدعیانی در عرصه داوری پیدا شوند، ولی توصیه می‌کنم فقط به داوران حرفه‌ای مراجعه شود؛ چراکه معلوم نیست آنها توانایی داوری داشته باشند. رئیس مرکز حل اختلاف به مزیت دیگر انتخاب داور حرفه‌ای اشاره کرد و افزود: استفاده از داوران حرفه‌ای فرصت بزرگی است که مشکل در زمان کوتاه یعنی فاصله یک تا دو هفته تا حداکثر سه ماه حل و فصل شود. مزیت دیگر داوری این است که رأی داور حرفه‌ای مانند رأی قاضی، قطعی، لازم‌الاجرا و مستحکم است و ضمانت اجرایی دارد. در حقیقت داور تلاش می‌کند با راه ساده‌تر و مصالحه مشکل را حل و فصل کند. صادقی همچنین در زمینه کارنامه مرکز حل اختلاف در بخش میانجی‌گری، یادآور شد: در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ میانجی‌گر در سراسر کشور آموزش دیده و پروانه کسب کرده‌اند. آنها می‌توانند در مسائل کیفری راحت‌تر از دادگاه‌های کیفری و دادسراها به شکایت مردم رسیدگی کنند. وی افزود: هدف از شکایت شاکی دستیابی به حقوق خود و جبران خسارت وارده بر اوست؛ جبران این خسارت در مسیر میانجی‌گری بهتر تأمین می‌شود. با شکایت به دادسرا و دادگاه مجازات فرد خاطی صورت می‌گیرد، درحالی‌که فایده‌ای برای شاکی نخواهد داشت، اما با استفاده از میانجی‌گران می‌توان حقوق از دست رفته را تأمین و خسارات را جبران کرد. رئیس مرکز حل اختلاف با تأکید بر اینکه هدف میانجی‌گر هموار کردن مسیر پرونده است، گفت: میانجی‌گر متهم را به جبران خسارت مجبور می‌کند؛ در واقع این اقدام به نفع شاکی، متهم و جامعه است که کمتر مردمانش این گونه آسیب ببینند و کارشان به زندان منتهی شود. صادقی خاطرنشان کرد: تحولات جدید شوراهای حل اختلاف، داوران، میانجی‌گران و صلح‌یاران موجب شده است که مجموعه حرکت مرکز، به سمت و سویی پیش رود که مسیر حل اختلاف غیردادگاهی را توسعه دهد و امسال در این موضوع تحول بزرگی رخ داده و این موارد از آثار اول سحر است. ما باید منتظر باشیم که خورشید صلح و سازش بیش از اینها بدرخشد، طلوع کند و روشنی بخش و گرمابخش حیات و پیوندهای اجتماعی باشد. وی در پایان گفت: ان‌شاءالله با کمک و مشارکت مردم در این عرصه شکل جدیدی از حکمرانی قضایی مردم پایه را تجربه خواهیم کرد که با حکمرانی قضایی دولت محور تفاوت دارد. یعنی حل مسئله به دست مردم؛ برای مردم و به نفع مردم.



کرده‌اند. براساس آمار با تلاش همکاران ما در شوراها حدود ۲۸ هزار نفر از زندان آزاد شده‌اند و از زندانی شدن حدود ۵ تا ۶ هزار نفر پیشگیری شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی افزود: در مجموع با تلاش شوراهای حل اختلاف حدود ۳۵ هزار نفر از زندان نجات یافته‌اند. باید تأکید کرد که به چه میزان کار ارزنده‌ای صورت گرفته که افراد به جای اینکه در زندان به سر ببرند، با تلاش همکاران ما می‌توانند در کنار خانواده و فرزندان‌شان زندگی خود را سپری کنند. در حقیقت این اتفاق سازنده به برکت نهاد مبارک شوراهای حل اختلاف شکل گرفته است و به حمدالله توفیقات زیادی در این سال‌ها بدست آورده‌ایم. معاون قوه قضاییه در خصوص کارنامه مرکز حل اختلاف در بخش داوری حرفه‌ای تصریح کرد: ما در سال ۱۴۰۳ به داوران زیادی به شکل حرفه‌ای پروانه اعطا کردیم. در حال حاضر ۲ هزار داور در سراسر کشور پروانه‌های خود را دریافت کرده‌اند. همچنین ۲۰ کانون داوران حرفه‌ای در استان‌های مختلف سراسر کشور تأسیس شده و مقدمات تأسیس این کانون در ۱۱ استان دیگر در حال انجام است. صادقی رافاندازی کانون داوران و فعال شدن داوران حرفه‌ای را نویدبخش آینده‌ای نیک برای حل منازعات مردم عنوان کرد و ادامه داد: زمانیکه مردم به داوران مراجعه می‌کنند، با اطمینان کامل آنها را انتخاب خواهند کرد؛ چراکه صلاحیت این افراد بررسی و تأیید شده است و آنها از دانش لازم برخوردار هستند. وی با تأکید بر اینکه بهتر است مردم به محض اختلاف به جای مراجعه به دادگستری داور حرفه‌ای برای حل مشکلات خود انتخاب کنند، گفت: حق انتخاب از میان داوران ویژگی خوبی است که مردم می‌توانند از آن استفاده

رئیس مرکز حل اختلاف قوه قضاییه گفت: ۴۲ درصد پرونده‌های قضایی در ۹ ماهه سال ۱۴۰۳ به سازش ختم شد. حجت‌الاسلام هادی صادقی در خصوص عملکرد شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۳ با بیان اینکه امسال شوراهای حل اختلاف با تحولی بزرگ روبه‌رو شدند، اظهار کرد: این تحول بزرگ در خصوص اجرای قانون جدید شوراهای حل اختلاف بود که این قانون از اواسط سال جاری آغاز شد و دادگاه‌های صلح براساس آن تشکیل شدند.

وی افزود: یکی از خدمات بزرگی که شوراهای حل اختلاف برای تحقق قانون جدید انجام دادند، در اختیار قرار دادن تمام امکانات خود جهت تأسیس دادگاه‌های صلح بود؛ بنابراین اکثر دادگاه‌های صلح در سراسر کشور در ساختمان شوراها مستقر شده‌اند که این موضوع نشان دهنده نزدیکی این دو نهاد مهم برای تحقق صلح و سازش در جامعه است.

رئیس مرکز حل اختلاف قوه قضاییه درباره هدف تأسیس دادگاه‌های صلح، بیان کرد: دادگاه‌های صلح در قانون جدید شوراهای حل اختلاف تأسیس شده‌اند و فلسفه تأسیس دادگاه‌ها این است که ضمن آنکه هویت دادگاهی خود را دارند، مأموریت اصلی آنها ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های قضایی مردم است. صادقی با بیان اینکه در قانون پیش‌بینی شده است که دو نهاد شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌های صلح در کنار یکدیگر فعالیت کنند، یادآور شد: حتی عنوان شده است که شعب شورای حل اختلاف در دادگاه صلح مستقر باشند؛ از این رو این تحول بزرگ موجب شده است که شوراهای حل اختلاف بیشتر به مأموریت اصلی خود یعنی صلح و سازش بپردازند. وی گفت: طبیعی است که در این تغییر و تحولاتی که براساس قانون جدید شوراهای حل اختلاف رخ داده است، میزان رسیدگی‌های شوراهای حل اختلاف به پرونده‌های مردم تحت تأثیر قرار بگیرد. رئیس مرکز حل اختلاف کشور اشاره آماری به تعداد پرونده‌های رسیدگی شده طی سال جاری کرد و افزود: در ۹ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳، ۳ میلیون و ۷۱۲ هزار پرونده در شوراهای حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفتند. طبیعتاً با این میزان آماری، اگر به انتهای سال نزدیک شویم، حدود ۴ و نیم میلیون پرونده در شوراها مختومه می‌شوند که البته از این تعداد حدود ۴۲ درصد پرونده‌ها تاکنون به مصالحه ختم شده است. در واقع این آمار درخشان و کارنامه بسیار ارزنده با تلاش اعضا، کارکنان دفتری، ستادی و اجرای احکام شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور بدست آمده است.

وی با بیان اینکه شوراهای حل اختلاف در بخش اجرای احکام پیشرفت‌های قابل قبولی کسب کرده‌اند، گفت: شعب شوراهای حل اختلافی که در زندان‌ها مستقر هستند و همچنین سایر شعب شوراها در خصوص آزادسازی زندانیان بسیار تلاش

دستورالعمل مشاوره خانواده قوه قضاییه توسط حجت الاسلام والمسلمین خلیلی معاون اول قوه قضاییه ابلاغ شد. دکتر حسن عبدلیان پور با اعلام این خبر گفت: معاون اول قوه قضاییه براساس دستور ریاست دستگاه قضا با ابلاغ دستورالعملی جامع و تحول‌آفرین، گامی بلند در راستای ارتقای سطح کیفی و توسعه خدمات مشاوره خانواده برداشت. این دستورالعمل که حاصل ماه‌ها کار کارشناسی و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای حوزه مشاوره است، نویدبخش تحولی بنیادین در این عرصه خواهد بود و می‌توان گفت با ابلاغ این دستورالعمل، تحول و تعالی به معنای دقیق کلمه رقم خورده است.

اصلاح سرفصل‌های آزمون، گامی در جهت تخصصی‌سازی

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین بخش‌های این دستورالعمل، اصلاح و بازنگری اساسی در سرفصل‌های آزمون کتبی هر سه حوزه مشاوره خانواده است، گفت: این اقدام با هدف جذب نیروهای متخصص و کارآمد، گامی مهم در جهت ارتقای سطح کیفی مشاوران خانواده به شمار می‌رود.

توسعه خدمات مشاوره‌ای، دسترسی آسان‌تر به عدالت

وی افزود: در راستای تسهیل دسترسی عموم مردم به خدمات مشاوره‌ای، ارائه این خدمات به متقاضیان دعاوی خانواده توسعه خواهد یافت. این امر، ضمن کاهش بار مراجعات به دادگاه‌ها، به حل و فصل اختلافات خانوادگی به صورت مسالمت‌آمیز کمک شایانی خواهد کرد.

مشاوره پیش از ازدواج، گامی در جهت تحکیم بنیان خانواده

دکتر عبدلیان پور ادامه داد: با فعال شدن امکان فعالیت مشاوران خانواده قوه قضاییه در موضوع مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌های

دکتر عبدلیان پور خبرداد:

با دستور ریاست دستگاه قضا دستورالعمل

«مشاوره خانواده قوه قضاییه» ابلاغ شد

آیین‌رسیدگی منسجم، تضمین حقوق مراجعین

رئیس مرکز اضافه کرد: تدوین یک آیین رسیدگی منسجم و دقیق و مبتنی بر آخرین تحولات حوزه مشاوره در حوزه تخلفات مشاوران خانواده قوه قضاییه، گامی مهم در جهت تضمین حقوق مراجعین و برخورد با تخلفات احتمالی است. نکته قابل توجه آن است که این آیین رسیدگی، می‌تواند الگویی برای سایر نهادها نیز باشد.

سامانه‌هوشمند «مسیر» مدیریت‌هوشمندارجاع‌دعای

دکتر عبدلیان پور در پایان افزود: با ایجاد رویه واحد و مدیریت ارجاع دعاوی خانواده در بستر سامانه هوشمند ارائه خدمات مشاوره خانواده قوه قضاییه با نام «مسیر»، فرآیند ارجاع دعاوی به مشاوران به صورت هوشمند و عادلانه انجام خواهد شد. این سامانه، ضمن تسریع در فرآیند رسیدگی به دعاوی، به توزیع عادلانه پرونده‌ها بین مشاوران نیز کمک خواهد کرد.

در مجموع، این دستورالعمل جامع و تحول‌آفرین، نویدبخش آینده‌ای روشن برای مشاوره خانواده در قوه قضاییه است و می‌تواند نقش مهمی در تحکیم بنیان خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا کند.



جوان از این پس می‌توانند پیش از آغاز زندگی مشترک، از راهنمایی‌های متخصصان بهره‌مند شوند. این اقدام، نقش مهمی در پیشگیری از بروز اختلافات و تحکیم بنیان خانواده خواهد داشت.

ارزیابی و رتبه‌بندی مشاوران، گامی در جهت ارتقای کیفیت

وی گفت: برای نخستین بار در کشور، نظام ارزیابی و رتبه‌بندی مشاوران طراحی و اجرایی خواهد شد. این نظام، با هدف ارتقای سطح کیفی مشاوران و ایجاد انگیزه برای بهبود عملکرد، گامی مهم در جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای با کیفیت به مراجعین خواهد بود.

با حضور معاون قوه قضائیه و رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه برگزار شد

سیزدهمین آئین تحلیف وکلای استان تهران

دکتر پورسید معاون امور حقوقی و مجلس قوه قضائیه: وکلا و کارشناسان رسمی در کنار قاضی به اجرای عدالت کمک کنند.
دکتر حسن عبدلیان پور: به خانواده ۱۲۰ هزار نفری مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه افتخار می کنیم



تجهیز اعضای مرکز در خدمت به مردم کمک خواهیم گرفت. وی گفت: به روزرسانی علمی اعضا از اولویت های اصلی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه است. برای اولین مرتبه مرکز وکلا دپارتمان وکالت تخصصی را ایجاد و گواهی وکالت تخصصی به اعضا با طی فرآیند آموزش تخصصی اعطا گردید. در حال حاضر به همت معاونت وکلای مرکز دپارتمان وکالت تخصصی در سطح ملی در تمامی استان ها درحال فعالیت است تا از ظرفیت های علمی اساتید و قضات برجسته محاکم و همچنین وکلای مجرب در سراسر کشور در این خصوص بهره مند شویم. دکتر حسن عبدلیان پور ادامه داد: در طول تاریخ حرفه وکالت و کارشناسی رسمی برگزاری المپیاد ورزشی توسط کمیسیون ورزشی مرکز انجام شد امسال المپیاد ورزشی با حضور ۱۶۰۰ ورزشکار در ۱۲ رشته ورزشی برگزار گردید و در آینده از اقدامات رفاهی انجام شده برای اعضا مرکز رونمایی خواهیم کرد. اعضای مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه به این اعتقاد رسیده اند که خدمت به مردم شریف ایران اسلامی نزد خداوند بدون اجر و منزلت نخواهند ماند و امروز منزلتی را که اعضای مرکز نزد مردم شریف کسب کرده اند و از اینکه وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده عضو مرکز مورد عنایت و اعتماد مردم واقع شده اند از برکات برنامه های حقوق عامه و معاضدت است که بدون هیچ گونه چشمداشت مادی صورت گرفته و یا در حال انجام است. وی در پایان ضمن تاکید بر اینکه اعضای ارزشی و متعهد و متخصص مرکز از افتخارات جامعه حقوقی کشور می باشند اضافه کرد: ما از تعداد بالای اعضای خانواده ۱۲۰ هزار نفری علاوه بر اینکه ناراحت نیستیم بلکه خوشحال نیز هستیم. هرچقدر اعضای مرکز بیشتر باشند خدمتگزاری صادقانه به مردم بیشتر صورت می گیرد. و خدمت صادقانه به مردم با عنایت خداوند هم اعتماد می آورد و هم عزت به همراه دارد و از اینکه اعضای مرکز در اقصی نقاط کشور آماده خدمتگزاری و ارائه مشاوره های حقوقی به مردم هستند افتخار می کنیم و در جذب وکیل، کارشناس رسمی و مشاور خانواده تابع قانون می باشیم. چنانچه قانون مشکلی داشته باشد با کمک نخبگان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جهت اصلاح آن بدون هیاهو و ایجاد جو روانی اهتمام ویژه خواهیم داشت و تا زمانی که قانون جدید حاکم نگردیده ملزم به تمکین از قانون حاکم هستیم.

در ابتدای این مراسم دکتر فرامرز فرهادی رئیس هیئت مدیره مرکز وکلای قوه قضائیه استان تهران ضمن خیرمقدم به معاون امور حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه، دکتر حسن عبدلیان پور رئیس مرکز وکلا و همچنین وکلای حاضر در این مراسم گفت: امروز شاهد برگزاری سیزدهمین آیین تحلیف وکلای، مرکز وکلای قوه قضائیه استان تهران خواهیم بود.

امروز به جمعی از کارآموزان عزیز این مرکز که پذیرفته شدگان سال ۹۹ و ۱۴۰۰ می باشند با طی دوره ۱۸ ماهه کارآموزی و ادای سوگند پروانه وکالت پایه یک دادگستری اعطاء خواهد شد تا در کسوت وکیل پایه یک به ارائه خدمت حقوقی به مردم بپردازند. وی گفت: امروز شما وکلای پایه یک قسم یاد می کنید. وکالت از جمله حرفه ای است که در آن قسم یاد می شود و



دکتر حسن عبدلیان پور:

به روزرسانی علمی اعضا از اولویت های اصلی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه است. برای اولین مرتبه مرکز وکلا دپارتمان وکالت تخصصی را ایجاد و گواهی وکالت تخصصی به اعضا با طی فرآیند آموزش تخصصی اعطا گردید. در حال حاضر به همت معاونت وکلای مرکز دپارتمان وکالت تخصصی در سطح ملی در تمامی استان ها درحال فعالیت است تا از ظرفیت های علمی اساتید و قضات برجسته محاکم و همچنین وکلای مجرب در سراسر کشور در این خصوص بهره مند شویم.

خانواده همواره خودشان را در کنار مردم می بینند و نگاه آنان به پرونده در ابتداء ایجاد صلح و سازش است و برکات حضور اعضا در شب های ماه مبارک رمضان در مساجد سراسر کشور برای مردم شریف نمایان شده است و این نگاه مردم به مجموعه مرکز در سه سال گذشته باعث گردید تا شعار ۳ سال آینده را «توأوری در خدمت و تحقق عدالت» انتخاب کنیم و تمامی ظرفیت ها برای



حامی عدالت- محمدی: سیزدهمین آئین تحلیف وکلای پایه یک دادگستری عضو مرکز وکلای قوه قضائیه با حضور دکتر پورسید معاون امور حقوقی و مجلس قوه قضائیه، دکتر حسن عبدلیان پور رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، خانم دکتر شیرازی سفیر مسئولیت های اجتماعی مرکز، رئیس و اعضای هیئت مدیره مرکز وکلای استان تهران برگزار شد. دکتر پورسید معاون امور حقوقی و مجلس قوه قضائیه در این مراسم گفت: امروز شما با ادای سوگند به حرفه شریف وکالت نائل می شوید و این سوگند بیانگر ارزش و اهمیت شغل وکالت است. شما امروز شرافت خود را وثیقه این سوگند قرار داده اید تا از اعمال نظر شخصی و کینه توزی پرهیز و در راستای احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان همکار در کنار قاضی باشید.

وی گفت: حوزه عدالت، حوزه تحکیم حقوق مردم است. وکیل، کارشناس رسمی و مشاور خانواده در کنار قاضی باید به اجرای عدالت در جامعه کمک کند. شما وکلا همکار و هم شان قاضی هستید و نسبت به این صفت باید ببالید و از ورود خدشه به این حرفه جلوگیری کنید.

دکتر پورسید ادامه داد: در حرفه وکالت ضوابط اخلاقی و مباحث اقتصادی به هم گره خورده است و مختص کشورمان هم نیست. با تدوین آیین نامه و رعایت اخلاق حرفه ای و توجه به آن باعث برقراری عدالت خواهید شد. وکلا قبل از طرح دعوی به ایجاد صلح و سازش کمک کنند و در حین دعوی نیز شما وکلا اهتمام به امر صلح و سازش داشته باشید.

معاون رئیس قوه قضائیه همچنین گفت: اطلاع دادرسی و حجم پرونده ها یکی از مشکلات موجود دستگاه قضایی است و در خصوص کاهش حجم پرونده ها و همچنین کاهش اطلاع دادرسی وکلا و کارشناسان رسمی می توانند به قاضی کمک کنند.

در این مراسم دکتر حسن عبدلیان پور رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه گفت: در دهه اول ماه مبارک رمضان همزمان با ادای نذری اعضای حقیقی مرکز در برپایی سفره افطار ۱۲۰ هزار نفری در حرم مطهر حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) برای اولین مرتبه در تاریخ حرفه وکالت، کارشناسی رسمی و قضات، آئین تحلیف کارشناسان رسمی قوه قضائیه در حرم مطهر رضوی برگزار گردید. برگزاری این مراسم در حرم امام رئوف (ع) به تقویت بنیه مذهبی و روحیه معنوی کمک می کند که در نهایت به تقویت خود انتظامی کمک شایانی خواهد کرد و خوشحال هستیم که محاکم انتظامی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه خلوت است و ۹۰ درصد از پرونده های محاکم انتظامی در مرکز با صلح و سازش خاتمه یافته است.

وی خطاب به وکلا گفت: وکالت جزو مناصبی است که با اتیان سوگند وظایف سنگین تر می شود. وکیل وظیفه کشف حقیقت در راستای احقاق حق و اجرای عدالت را برعهده دارد و کمک کننده به قاضی است.

دکتر حسن عبدلیان پور اضافه کرد: امروز به وجود خانواده بزرگ ۱۲۰ هزار نفری مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه که با جذب کارآموزان جدید اعضای آن بیشتر شده است افتخار می کنیم، نگاه اعضای مرکز نگاه مادی صرف در انجام تکالیف خودشان نیست. اعضای مرکز اعم از وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران

ادامه از صفحه قبل:



شرافت خود را وثیقه این سوگند قرار می‌دهید و این شرافت بالاترین سرمایه یک انسان است که شما وثیقه قرار دادید تا اینکه جز در راه حقیقت گام برندارید.

دکتر فرامرز فرهادی اضافه کرد: شما با طی دوره کارآموزی به ارتقاء سواد علمی خود در حرفه و کالت کمک کرده‌اید و در کنار این تلاش‌ها همکاران ما در کمیسیون کارآموزی برنامه‌ریزی و تلاش زیادی انجام داده‌اند تا ادای تکلیف نموده باشیم. ما در برابر مردم شریف تکلیف داریم تا وکیل برجسته با سواد علمی در تراز انقلاب اسلامی تربیت کنیم.

در اینجا لازم است از حمایت‌های ریاست مرکز دکتر حسن عبدلیان‌پور تشکر کنم. از زحمات دکتر علیرضا قدیر ریاست کمیسیون کارآموزی و عضو هیئت مدیره مرکز استان تهران - دکتر مهدی منصوری عضو کمیسیون کارآموزی و سرکار خانم دکتر داور و دیگر اعضای کمیسیون تشکر ویژه داشته باشم که با امکانات موجود ما بتوانیم وظایف خود را انجام دهیم.

پس از ادای سوگند از برخی از اعضای کمیسیون کارآموزی حاضر در جلسه تقدیر به عمل آمد.

در حاشیه این مراسم دکتر علیرضا قدیر رئیس کمیسیون کارآموزی و عضو هیئت مدیره مرکز وکلای استان تهران گفت: این آخرین مراسم تحلیف وکلای استان تهران در سال ۱۴۰۳ بود و در سال ۱۴۰۴ مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده مراسم تحلیف و همچنین اختبار انجام خواهد شد.

وی یکی از اولویت‌های کمیسیون کارآموزی را ارتقاء سواد علمی کارآموزان عنوان کرد و گفت: دوره‌های آموزشی ویژه کارآموزان و امور پژوهشی زیر نظر اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه،

همچنین دکتر مهدی منصوری عضو کمیسیون کارآموزی استان تهران و کشوری و رئیس کمیته سمینار به خبرنگار حامی عدالت گفت: خوشبختانه کارآموزان موضوعات پژوهشی کاربردی را انتخاب می‌نمایند و پژوهش را در اولویت انجام تکالیف کارآموزی قرار داده‌اند و پژوهش‌های حاضر نحوه استدلال و دفاع آنان را در پرونده به سطح مطلوبی می‌رساند.

وکلای مجرب عضو مرکز و قضات شریف محاکم قضایی انجام می‌شود و با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته کارآموزان در محاکم قضایی و شبه قضایی جهت کسب تجربه و آموختن رویدادهای قضایی حضور پیدا خواهند کرد. دکتر قدیر اضافه کرد: نتایج آزمون‌های اختبار نشان می‌دهد که کارآموزان در سطح علمی مطلوبی قرار دارند.



تحلیل مسئولیت دولت در مورد خسارات وارده ناشی از فعل کارمند



دکتر رسول ملکوتی
وکیل پایه یک دادگستری

یکی از مصداق از مصادیق سه گانه‌ای که حقوق دانان از آن تعبیر به مسئولیت ناشی از فعل غیر کرده‌اند، ضمان دولت به‌خاطر زیان وارده ناشی از فعل کارمند خود به اشخاص ثالث است که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی متبلور شده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به‌مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این‌صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» از ماده مزبور برمی‌آید که خسارات وارده از جانب کارمند در دو بخش قابل تحلیل است: بخش اول، خساراتی که توسط کارمند وارد شده و ناشی از تقصیر شخصی او است که این تقصیر می‌تواند از طریق کوتاهی در انجام وظیفه یا بی‌احتیاطی یا تعدد ظاهر شود. و بخش دوم، خساراتی است که از جانب کارمند وارد شده اما منشأ و سبب آن خسارت، تقصیر یا کوتاهی کارمند نیست بلکه نقص وسایل اداری دولتی می‌باشد که کارمند در آن فعالیت می‌نماید. یعنی اگرچه در هر دو حالت، مباشر ورود زیان کارمند است اما در یکی از حالت‌ها منشأ ورود زیان، تقصیر کارمند و در حالت دوم، نقص وسائل ادارات می‌باشد که در ادامه هر دو این حالات به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

■ مفهوم کارمند

مفهوم کارمند با کارگر متفاوت است. کارمند کسی است که مستخدم رسمی دولت می‌باشد. به‌موجب ماده ۵ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ «مستخدم رسمی کسی است که به‌موجب حکم رسمی در یکی از گروه‌های دوازده‌گانه استخدامی برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی‌مشمول این قانون استخدام شده باشد.» همین‌طور ماده ۷ قانون خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «کارمند دستگاه اجرایی فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به‌موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیتدار در یک دستگاه اجرایی به خدمت می‌پردازد.» بنابراین اولاً: استفاده صرف از عبارت کارمند یا کارگر نمی‌تواند موجد مفهوم حقوقی مورد نظر این دو اصطلاح نیز باشد، بلکه ماهیت و نوع کاری که مستخدم انجام می‌دهد نیز نمی‌تواند موجهی برای کارمند یا کارگر تلقی شدن باشد. مثلاً ممکن است شخصی کار یدی انجام دهد و از نظر ماهیت، تعریف کارمند بر او صدق کند و یا اینکه کسی علی‌رغم داشتن فعالیت هنری یا قلمی، باز هم عنوان کارگر بر او صادق باشد. بلکه آنچه ملاک است اینکه آیا مستخدم جزو گروه‌های دوازده‌گانه استخدامی می‌باشد یا خیر. اگر بود کارمند است، وگرنه در هر رتبه و نوع شغلی که باشد کارگر و مشمول قانون کار محسوب خواهد شد.

■ مفهوم دولت

منظور از دولت به مفهوم اعم، همان «دستگاه‌های اجرایی» موضوع ماده ۵ قانون خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «(دستگاه اجرایی کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکتهای دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرائی نامیده می‌شوند.)» شهرداری‌ها نیز اگرچه از جمله نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می‌شوند، اما در صدق عنوان کارمند به مستخدمین خود در صورتی که شرایط قانونی ذکر شده رعایت گردد، تفاوتی با دولت ندارد. در متن ماده مزبور عبارت‌های وزارتخانه، مؤسسه دولتی، مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی ذکر و از مصادیق دستگاه اجرایی یعنی دولت شمرده شده است. این مفاهیم در مواد ابتدایی قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ تعریف شده است:

ماده ۱- وزارتخانه: واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌گردد.

ماده ۲- مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد، انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است، درحکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود

ماده ۳- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد وعهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.

ماده ۴- شرکت دولتی بنگاه اقتصادی است که به‌موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به‌موجب سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، جزء وظایف دولت محسوب می‌گردد ایجاد و بیش از پنجاه‌درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده، مادام‌که بیش از پنجاه‌درصد سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد، شرکت دولتی است.

■ خسارت وارده ناشی از تقصیر شخصی

صدر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر کرده است که اگر کارمند دولت «...به‌مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نماید، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد...» برخی حقوقدانان از این بخش از ماده تعبیر به تقصیر شخصی کرده‌اند. منظور از تقصیر شخصی که می‌توان آن را تقصیر عمومی یا عادی نیز تلقی کرد، عبارت از تقصیری است که در وقوع آن جایگاه دولتی، مهارت و توانایی اداری شخص کارمند اساساً مداخلتی نداشته یا اگر داشته باشد هم مداخلت از نوع تام نیست. به‌طور مثال اگر کارمندی مسئول پرداخت چک‌های واصله در یک بانک دولتی باشد و در نتیجه ضعف بینایی لحظه‌ای مبلغ یک چک را بیشتر از مقدار درج شده از حساب مشتری بپردازد، این اهمال و کوتاهی علی‌القاعده ربطی به دولت ندارد و شخصی است. اما اگر همین کارمند در نتیجه خرابی یا نقص دستگاه پول‌شمار منصوب در بانک دولتی چنین خسارتی وارد کند، دیگر نمی‌توان نام آن را تقصیر شخصی گذاشت. تقصیر شخص کارمند ممکن است به‌صورت عمد یا مسامحه و در نتیجه فعل یا ترک فعل رخ داده باشد. مانند اینکه کسی در اداره دولتی با دیگری درگیر و موجب جراحت مشتری گردد(عمد)، یا اینکه کارمند با باز نکردن به موقع درب ورود موجب اتلاف وقت مشتریان شود. از ظاهر صدر ماده ۱۱ برمی‌آید که در این حالات شخص کارمند مسئول خواهد بود. تقصیر شخصی باید حین انجام کار دولتی یا به‌مناسبت انجام آن واقع شده باشد. چون اگر تقصیر خارج از کار واقع شود واضح است که هیچ ارتباطی به دولت نخواهد داشت و به طریق اولی شخص عامل که دیگر خارج از کار عنوان کارمند بر او صادق نخواهد بود، مسئول می‌باشد.

■ خسارت وارده ناشی از تقصیر اداری

منظور از تقصیر اداری یا حرفه‌ای تقصیری است که ناشی از مهارت شغلی و حرفه‌ای کارمند یا اینکه حاصل نقص وسائل و امکانات محل اداری دولتی او باشد. بنابراین برای تبیین بهتر مفهوم تقصیر اداری می‌بایست دو عنوان را روشن کرد:

■ تقصیر ناشی از مهارت شغلی

منظور آن تخصص و مهارتی است که شخص کارمند برای انجام وظیفه در جایگاه مورد نظر ناچار از استفاده از آن است و دولت نیز قبل از واگذاری شغل به کارمند مکلف به احراز وجود آن تخصص یا مهارت در شخص او می‌باشد. مثلاً اگر دولت به یک پزشک مجوز فعالیت در بیمارستان دولتی بدهد یا او را استخدام کند، مکلف است مهارت او در انجام وظیفه یا دانش کافی وی را از طرق مقتضی مشخص نماید. بنابراین اگر پزشک در تشخیص بیماری یا تطبیق آن دچار اشتباه شد، در این حالت تقصیر او حرفه‌ای خواهد بود. اما همین پزشک اگر حین انجام کار به بیماری از راه توهین یا ضرب‌وجرح یا تعدد در تزریق نایجا خسارت وارد کرد، معلوم است که این موارد ربطی به تخصص و مهارت او ندارد، بنابراین دولت مسئول نخواهد بود چون تقصیر شغلی نیست. به‌عبارت دیگر منظور از تقصیر

شغلی تقصیری است که ارتکاب آن از سوی یک انسان عادی که آن جایگاه دولتی «(وصف کارمند بودن)» را ندارد، اساساً ممکن نیست. مثلاً از سوی یک شخص عادی امکان تحقق تقصیری به‌عنوان اشتباه در تجویز به بیمار در بیمارستان دولتی ممکن نیست بلکه این تقصیر صرفاً در مورد شخص پزشک کارمند دولت ممکن است. یا در مورد یک شخص عادی امکان تحقق تقصیر از نوع اشتباه در قراردادن اسناد محرمانه دولتی در پاکت مخصوص وجود ندارد. بنابراین اگر مسئول بایگان اداره دولتی در طبقه‌بندی اسناد دچار اشتباه یا مسامحه شد و منجر به انتشار سند محرمانه و ورود خسارت به اشخاص گردید، چنین تقصیری حرفه‌ای تلقی می‌شود چون امکان وقوع آن از سوی شخص غیرصاحب آن حرفه و شخص عادی منتفی است. اما اگر حین خوردن چای، سند محرمانه صدمه ببیند چنین تقصیری شخصی است و ربطی به دولت و مهارت حرفه‌ای ندارد چون امکان وقوع این تقصیر از جانب هر کسی هست.

■ تقصیر ناشی از نقص امکانات دولتی

قانونگذار در اواسط ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر کرده است که: «... هرگاه خسارت مستند به عمل آنان «(کارمند)» نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این‌صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است...» بنابراین شق دیگری که علاوه بر تقصیر حرفه‌ای، جبران زیان وارده توسط کارمند را متوجه دولت می‌کند این است که اولاً: خسارت مستند به عمل کارمند نبوده و ثانیاً: ناشی از نقص وسائل اداری باشد. از ظاهر ماده چنین برمی‌آید که تنها در صورتی دولت مسئول خواهد بود که این دو شرط در کنار هم باشد و اگر یکی مفقود باشد باز هم مسئولیت دولت به‌طور کلی یا جزیی محقق نخواهد شد، که در ذیل به این موضوع خواهیم پرداخت:

■ الف-عدم استناد خسارت به کارمند

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «...خسارت وارده مستند به عمل آنان «(کارمند)» نبوده...». منظور از اصطلاح «(استناد)» در این ماده، عاملیت یا مباشرت یا تسبیب در وقوع زیان نیست بلکه منظور از استناد عبارت «(تأثیر)» است. چون اساساً چه وقوع خسارت ناشی از تقصیر شخصی یا حرفه‌ای کارمند باشد، در هر دو حال از نظر سببیت، منتسب به کارمند می‌باشد و اساساً کارمند عامل و مباشر آن است. بلکه منظور از عبارت «(مستند)» را می‌بایست در طول آنچه در فوق گفته شد تفسیر کرد و عبارت است از اینکه «(تأثیر)» عمل کارمند، ضعیف‌تر از امکان خطا یا تقصیری است که می‌توان در وقوع آن زیان به کارمند مستند کرد، حتی اگر مباشر یا سبب نزدیک وقوع زیان شخص کارمند باشد. یعنی همان ارتکاب تقصیر حرفه‌ای. هرگاه از شخص کارمند تقصیر حرفه‌ای سرزند، در این حالت اگرچه خسارت به ظاهر مستند به عمل کارمند نیز باشد اما چون درجه تأثیر و انتساب وقوع خسارت به دولت بیشتر است، در این حالت دولت مسئول خواهد بود. اما علت اینکه در صورت وقوع خسارت ناشی از تقصیر حرفه‌ای کارمند نیز دولت مسئول جبران خواهد بود، چیست؟ علت این است که وقوع تقصیر حرفه‌ای از سوی کارمند چه به‌حالت تعدد یا مسامحه باشد، در هر دو حال به معنی وقوع تقصیر از جانب دولت است. به‌عبارت دیگر وقوع تقصیر حرفه‌ای از جانب کارمند، منکشف از وقوع تقصیر توسط دولت است. چون همان‌طور که گفته شد منظور از تقصیر حرفه‌ای عدول از معیارهای متعارف تخصص حرفه‌ای یا مهارتی است که کارمند برای انجام وظیفه یا به‌کارگیری آن مهارت یا تخصص گماشته شده است. احراز این مهارت‌ها هنگام به‌کارگیری یا استخدام کارمند برعهده و از وظایف دولت است و می‌بایست در طول انجام کار نیز، باقی بودن تخصص و مهارت یا به‌روز شدن آن در کارمند توسط دولت کنترل و نظارت گردد. بنابراین هرگاه خسارت ناشی از تقصیر حرفه‌ای کارمند باشد، این نکته به خودی‌خود مسلم می‌گردد که دولت هنگام استخدام کارمند یا در ادامه کار در حراز مهارت و تخصص او دچار کوتاهی شده و تقصیر انجام داده است. بنابراین به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی می‌توان دولت را نیز مسئول جبران خسارت وارده دانست. مثلاً اگر در نتیجه اشتباه پزشک «(یعنی تقصیر حرفه‌ای)» استخدام در بیمارستان دولتی در تشخیص بیماری زبانی به بیمار وارد شود وقوع این تقصیر حرفه‌ای از جانب پزشک، مسلم می‌نماید که دولت هنگام استخدام پزشک، مهارت یا تخصص کافی از جانب او را احراز نکرده یا اینکه در جریان کار بر حفظ و ارتقای تخصص پزشک نظارت لازم را نداشته و هر دو به معنی تقصیر دولت می‌باشد. اما در صورت وقوع تقصیر شخصی از جانب کارمند، چون علی‌القاعده ارتباطی میان آن تقصیر و کوتاهی

در نشست با اعضای کمیسیون «قضایی و حقوقی» مجلس مطرح شد:

رئیس قوه قضاییه: قانون برای همه یکسان است

ادامه از صفحه ۱۶:

«سرگزی» رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز طی سخنانی در این دیدار با اشاره به همراهی مثال‌زدنی قوه قضاییه و مجلس در دوره کنونی، از اقدامات وزارت دادگستری و معاونت حقوقی دستگاه قضا در مقوله پشتیبانی تقنینی از کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس قدردانی کرد. وی همچنین از کمک‌ها و مساعدت‌های سازمان بازرسی به هنگام انجام وظایف نظارتی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، تقدیر کرد. سرگزی با اشاره به ارجاع قریب به ۴۰ درصد از طرح‌ها و لوایح مجلس به کمیسیون حقوقی و قضایی گفت: طی ۵ ماهی که از تشکیل کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس می‌گذرد، ۱۰۲ طرح و لایحه به این کمیسیون ارجاع شده است؛ از این تعداد ۵۲ مورد شامل ۳۹ لایحه و ۱۳ طرح، به عنوان کمیسیون اصلی به ما ارجاع شده است.

وی عنوان کرد: در نتیجه همکاری و تعامل صورت گرفته میان کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و قوه قضاییه، ما تاکنون توانسته‌ایم به ۲۵ مورد از این طرح‌ها و لوایح رسیدگی کنیم. سرگزی ضمن قدردانی از نظرات مشورتی پژوهشگاه قوه قضاییه، بر ضرورت استفاده حداکثری از این ظرفیت، تاکید کرد.

وی در ادامه با اشاره به گلایه‌هایی که در خصوص عدم اتصال برخی از زیر مجموعه‌های قوه قضاییه به درگاه ملی صدور مجوزهای کسب و کار مطرح می‌شود، گفت: ما طی هفته‌های گذشته از مسئولان وزارت اقتصاد و قوه قضاییه دعوت کردیم تا در جلسه‌ای به بررسی این موضوع بپردازیم؛ پس از استماع سخنان طرفین در این جلسه، متوجه شدیم که هنوز زیرساخت‌های کافی برای این اتصال، در سامانه صدور مجوزهای کسب و کار ایجاد نشده است؛ از سوی دیگر نباید فراموش کنیم که جنس اقدامات مجموعه‌های ذیل قوه قضاییه در حوزه صدور مجوزها با جنس اقداماتی که سایر بخش‌ها و اصناف انجام می‌دهند، بسیار متفاوت است؛ مجوزهای صادره از سوی قوه قضاییه، مجوزهای ثبت‌محور هستند، نیاز به تحقیقات مبسوط دارند و در قوانین گوناگون، دارای ملاحظات مختلف هستند.

«پورکبگانی» نیز طی سخنانی در این جلسه اظهار کرد: دغدغه همه ما در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، تقویت قوه قضاییه است.

وی در ادامه به ذکر نکاتی در رابطه با وضعیت مالی و معیشتی قضات و کارکنان عدلیه پرداخت و گفت: پر واضح است که امروز بودجه قوه قضاییه، بودجه مطلوبی نیست و با شرح وظایف و مأموریت‌های این دستگاه، فاصله زیادی دارد.

حجت الاسلام ذوالنور نیز طی سخنانی با بیان اینکه ما در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس آماده هستیم تا در هر موضوعی یاری‌گر دستگاه قضا باشیم، گفت: امروز شاهد وجود روحیه فسادستیزی در رئیس قوه قضاییه و زیرمجموعه ایشان هستیم.

وی افزود: مردم از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون هیچگاه از کمبودها و نبودها گلایه نداشته‌اند؛ ناراحتی مردم همواره معطوف به وجود فساد و تبعیض در کشور بوده است؛ البته باید اذعان کنیم که در مقطع کنونی، احساس وجود فساد در جامعه، از خود فساد بیشتر است.

این نماینده مجلس تصریح کرد: دستگاه قضایی باید فاصله‌ی میان کشف تخلف و جرم را با خبر اعلام نتایج برخوردهای صورت گرفته، کاهش دهد؛ همانند موضوع چای دیش که سریع به موضوع رسیدگی شد و احکام آن نیز صادر گردید.

وی با بیان اینکه امروز با گفتار درمانی، هیچ مسئله‌ای حل نمی‌شود و ما نیازمند انجام اقدامات عملی از سوی مسئولان هستیم، تصریح کرد: در شرایطی که دشمن تمام ابزارها و امکانات خود را برای بدبین کردن مردم به نظام و مسئولان به کار گرفته، ما باید به نحوی عمل کنیم که در اعتماد مردم خدشه‌ای وارد نشود.

«آذری» دیگر نماینده حاضر در این جلسه، ضمن قدردانی از برخی رسیدگی‌ها و برخوردهای صورت گرفته نظیر صدور حکم پرونده چای دیش و همچنین شناسایی و دستگیری سریع قاتل دانشجوی دانشگاه تهران، گفت: انجام چنین اقداماتی، به

از جانب دولت نمی‌توان برقرار کرد، پس دولت مسئول نخواهد بود. در همین مثال فوق اگر پزشک حین کار در بیمارستان دولتی با بیمار درگیری فیزیکی پیدا کند و او را مجروح نماید ((یعنی ارتکاب تقصیر شخصی))، دولت علی‌القاعده مسئول نیست چون تقصیر شخصی ارتباطی با مهارت و تخصص کارمند ندارد که احراز آن هنگام استخدام برعهده دولت باشد، مگر اینکه زیان‌دیده بتواند به نوعی تقصیر و کوتاهی دولت را نیز در این حالت اثبات نماید. مانند اینکه ثابت کند پزشک از قبل مبتلا به بیماری ضعف اعصاب بوده و در عین حال دولت غافل یا بدون توجه به این موضوع وی را به‌عنوان مستخدم در بیمارستان دولتی به‌کار گرفته است.

■ ب-نقص وسایل اداری

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در ادامه تبیین تحقق ضمان دولت نسبت به خسارت وارده توسط کارمند مقرر داشته: ((...و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد...)) یعنی در تکمیل مطالب گفته‌شده در بند فوق، هرگاه خسارت وارده توسط کارمند، ناشی از نقص وسائل ادارات نیز باشد باز هم دولت مسئول خواهد بود. عبارت نقص وسائل ادارات، موسع است و شامل هرگونه امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در این خصوص خواهد شد. یعنی هم تقصیر حرفه‌ای را می‌توان ناشی از نقص وسائل ادارات دانست و هم کمبود امکانات را می‌توان به این موضوع منتسب کرد. انتساب تقصیر حرفه‌ای کارمند به نقص وسائل این‌گونه است که هرگاه کارمند به شرح بند قبل مرتکب تقصیر حرفه‌ای گردد، در این حالت چون تقصیر حرفه‌ای کاشف از این است که دولت در احراز صلاحیت و مهارت حرفه‌ای و تخصصی کارمند در بدو استخدام یا در ادامه جریان کار صلاحیت لازم را نداشته است، این کوتاهی ناقص بودن وسایل و امکانات دولتی در انجام درست وظیفه یعنی احراز صلاحیت کارمند را ثابت می‌نماید. بنابراین دولت به‌علت کوتاهی و تقصیر، مسئول است. همین‌طور در مواردی که به‌علت نبود یا کمبود امکانات دولتی، فعل یا ترک فعل کارمند منجر به وقوع خسارت گردد، باز هم به‌علت درجه تأثیر نقص دولتی، مسئولیت جبران خسارت متوجه دولت خواهد بود. مثلاً هرگاه کارمند بانک دولتی به‌علت خرابی دستگاه پول‌شمار یا قطع ناگهانی برق اداره، در پرداخت چک مبلغ بیشتری به دارنده از حساب صادرکننده پرداخت نماید، در این حالت دولت مسئول جبران خواهد بود. چون کمبود یا نقص امکانات منجر به این خسارت شده است.

همین‌طور اگر پزشک در بیمارستان دولتی به‌علت نبود اتاق عمل مناسب بیمار را در فضای غیراستاندارد جراحی کند و منجر به سرایت عفونت و خسارت بیمار گردد، در این حالت نیز دولت مسئول خواهد بود. چون کمبود امکانات یا به تعبیر ماده، نقص وسایل اداره منجر به وقوع آن شده است. در همه موارد فوق اثبات تقصیر شخصی و حرفه‌ای کارمند یا نقص وسائل اداری و احراز سببیت میان تقصیر و خسارت وارده برعهده شخص زیان‌دیده می‌باشد. نکته‌ای که باید مدنظر داشت اینکه کارمند و کارگر اگرچه از نظر تعریف مقررات مشمول‌متفاوت‌اند، لکن از نظر عدم قدرت بر جبران زیان در وضعیت مساوی قرار دارند و هر دو به‌نام و حساب دیگری یعنی کارفرما یا دولت کار می‌کنند. بنابراین همان فلسفه‌ای که رجوع زیان‌دیده به کارفرما را راجع می‌کرد تا کارگر، در مورد کارمند و دولت نیز صادق خواهد بود و اگرچه قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت دولت نسبت به خساراتی که توسط کارمند حین انجام کار رخ می‌دهد، تنگ‌نظرانه عمل کرده و مسئولیت دولت را در اقل درجه قرار داده است، لکن عدالت و انصاف

این رویکرد را نمی‌پذیرد و نگاه حقوقی جهانی نیز نسبت به این موضوع با توسیع نظر همراه شده و مسئولیت دولت نسبت به زیان کارمندان خود گسترده‌تر شده است. اگر در حقوق ما قانونگذار در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نسبت به تحقق ضمان کارفرما نسبت به زیان‌های واقعه توسط کارگر تردید نکرده و هیچ تفکیکی از جهت وقوع خسارت ناشی از تقصیر حرفه‌ای و شخصی کارگر ننموده است، بنابراین در رابطه‌ی کارمند و دولت این تفکیک در توجیهی ندارد. چون وقتی کارفرمای خصوصی بدون تفکیک در برابر زیان حادث توسط کارگر خود مسئول است، دولت نیز به طریق اولی باید چنین مسئولیتی در برابر ثالث نسبت به عملکرد کارمند خود داشته باشد. چون دولت از نظر اقتصادی و هر جهت دیگر در وضعیت قوی‌تری نسبت به کارفرما قرارداد که مسئولیت او را توجیه می‌کند. راه‌حلی که برای از بین بردن این بی‌عدالتی و توسیع ضمان دولت علی‌رغم وجود ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به‌نظر می‌رسد این است که، رویه قضایی تا حد امکان مفهوم و مصادیق تقصیر حرفه‌ای و نقص وسائل ادارات را گسترش داده و دولت را نسبت به زیان حادث توسط کارگر مسئول قلمداد نماید و این توسیع در تفسیر حتی در مورد تقصیر شخصی کارمندان نیز ممکن است. مثلاً اگر کارمندی حین انجام کار با ارباب‌رجوع درگیری فیزیکی پیدا کرد و موجب ورود خسارت به او شد، می‌توان دولت را به‌جهت نقص وسائل اداری یعنی عدم نظارت کافی بر کارمند خود به استناد شق دوم ماده ۱۱ ضامن جبران خسارت دانست.

مردم و جامعه مدنی، احساس امنیت خاطر و آرامش می‌دهد. وی افزود: امروز شاهد هستیم که قوه قضاییه به قوه‌ای چابک تبدیل شده که عملکردی فراتر از حد نیروی انسانی خود دارد و ضرورت دارد که دولت نیز این چابکی را در خود به وجود بیاورد. وی همچنین از اقدامات صورت گرفته در دستگاه قضایی در حوزه حمایت‌های معیشتی و رفاهی از قضات و کارکنان قدردانی کرد و خواستار استمرار این رویه شد.

حجت الاسلام نقدعلی از دیگر اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز با اشاره به حجم بالای پرونده‌ها در دستگاه قضایی اظهار کرد: بسیاری از کارهای اخیری که در قوه قضاییه شاهد آنها بوده‌ایم نظیر رسیدگی به پرونده فرزندان معاون اول سابق قوه قضاییه، اقداماتی قابل تقدیر بوده‌اند. وی همچنین از رئیس دستگاه قضا خواست که تمهیدات و تدابیر لازم را برای اتصال کامل زیر مجموعه‌های قوه قضاییه به درگاه ملی صدور مجوزهای کسب و کار فراهم کند.

حجت‌الاسلام نقدعلی همچنین به ارائه مطالبی پیرامون برخی هنجارشکنی‌ها در حوزه حجاب و عفاف و همچنین قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس پرداخت.

«زارع» دیگر عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز با اشاره به عدم انجام اقدامات لازم در حوزه صدور پروانه مسکن روستاییان، خواستار ورود جدی قوه قضاییه به این موضوع شد. وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، از نحوه دفع پسماندهای موجود در استان گیلان انتقاد کرد و خواستار رسیدگی فوری به این موضوع شد.

«معصومی» دیگر عضو این کمیسیون نیز طی سخنانی اظهار کرد: اعتماد مردم به دستگاه قضایی روز به روز در حال افزایش است و ما امروز عدلیه را در برخورد با فساد و اجرای عدالت در جامعه، بسیار پرتلاش می‌بینیم.

وی در ادامه به برخی از خلاهای قانونی از جمله در مقوله «حبس‌زدایی در حوزه محکومیت‌های مالی» اشاره کرد و در بخش دیگری از سخنان خود، خواستار اصلاح قانون درخواست اعمال ماده ۴۷۷ شد.

معصومی همچنین کمبود قاضی را یکی از دغدغه‌های موجود در برپایی و استقرار دادگاه‌های صلح دانست و خواستار اتخاذ تدابیر لازم برای حل این مسئله شد. «سالاری» دیگر عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز ضمن قدردانی از مدیریت عالمانه و هوشمندانه رئیس قوه قضاییه، گفت: متأسفانه در حال حاضر قضات ما دسترسی چندانی به قوانین روز ندارند و تمام کتب قوانین در مراکز و مراجع قضایی، مربوط به سالیان قبل است.

وی با اشاره به تنزل سطح علمی قضات، از عدم نخبه‌گزینی در بکارگیری قضات جدید، انتقاد کرد.

سالاری با بیان اینکه قوه قضاییه در زمینه بودجه نویسی، دچار فقدان افراد متخصص است، گفت: ضرورت دارد عدلیه هرچه سریع‌تر این خلأ را برطرف کند.

وی تصریح کرد: وجود مجتمع‌ها و شعب تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌ها، اقدامی قابل تقدیر است اما ما باید بدانیم که این مجتمع‌ها و شعب تخصصی، نیازمند قضات خبره و متخصص نیز هستند.

«دهانی» دیگر عضو این کمیسیون نیز طی سخنانی، ضمن تقدیر از عملکرد مجموعه قضایی استان سیستان و بلوچستان، از رئیس عدلیه درخواست کرد که جهت حل پاره‌ای از مشکلات مردم این استان، سفری را در راس یک هیات قضایی عالی‌رتبه به این استان ترتیب دهد.

نماینده مردم سراوان، سوران، سیب و مهرستان، با اشاره به کمبود مراکز و مراجع قضایی در این چهار شهرستان، خواستار اتخاذ تدابیری برای تسهیل دسترسی مردم این مناطق به خدمات قضایی شد.

«حمدی» دیگر عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز با اشاره به همگرایی و همراهی مجلس و دستگاه قضا در دوره کنونی، اظهار کرد: این هم‌گرایی و همراهی، یک فرصت مغتنم برای مجلس و قوه قضاییه جهت ارتقاء سطح خدمت‌رسانی به مردم است.

وی تصریح کرد: ضرورت دارد کمیته مشترک مجلس و قوه قضاییه، ضمن احصاء و بررسی موارد مختلف، صرفاً موضوعات اولویت‌دار را جهت طرح در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس معرفی کنند.

چالش ناکارآمدی و کم کارآمدی سازمان های بین المللی در صیانت از حقوق بشر

چکیده

حفاظت از حقوق بشر اغلب یکی از ابعاد اصلی در توافقات صلح و تسویه حساب ها است. از سازمان های غیردولتی حقوق بشر که برای تضمین چنین حمایتی فعالیت کرده اند، انتظار می رود که نقش اصلی را در تضمین اجرای تعهدات حقوق بشری ایفا کنند. با این حال، همان چشم انداز گذار که فرصت هایی برای تقویت اجرای حقوق بشر فراهم می آورد، مشکلاتی نیز برای سازمان های غیردولتی حقوق بشر داخلی ایجاد می کند. پس از توافق، الگوهای درگیری، سازوکارهای موجود حقوق بشر و بازیگران حقوق بشری همگی دچار دگرگونی می شوند. این امر می تواند مشکلاتی را برای سازمان های غیردولتی حقوق بشر از نظر مأموریت، اولویت ها، تأمین مالی، استخدام و روابط آنها با سایر گروه ها به وجود آورد. این مقاله نحوه تأثیرگذار بودن گذار بر سازمان های غیردولتی حقوق بشر داخلی را با استفاده از مثال هایی از کشورهای مختلف توصیف و تحلیل می کند. در نهایت، تعدادی پیشنهاد برای بهبود حفاظت از حقوق بشر پس از درگیری ها ارائه می شود.

مقدمه

از پایان جنگ سرد، هم درگیری های داخلی و هم پیامد آن یعنی توافقات مذاکره شده، به رقابت با درگیری های بین دولتی از نظر تعداد تلفات و به عنوان محور نگرانی، مداخله و مطالعه تبدیل شده اند. از سال ۱۹۹۰ بیش از ۳۰۰ توافق صلح بین طرف های درگیر در بیش از چهل حوزه قضائی امضا شده است. این درگیری ها در ذات خود داخلی بوده و در سه دسته هم پوشان قرار می گیرند: مرکزی/انقلابی، منطقه ای/هویت و اقتصادی/جنایی. معمولاً فرآیندهای صلح در این نوع درگیری ها به سوی توافقاتی حرکت می کنند که یک سازش سیاسی جدید را مستند می کند که هدف آن حذف خشونت است.

با وجود تفاوت های موجود در درگیری ها، ویژگی های طراحی مشترکی در بسیاری از توافقات وجود دارد. به این ترتیب، فرآیندهای صلح اغلب به سوی توافقاتی پیش می روند که چارچوبی قانونی را تعریف می کند که دسترسی گروه های مختلف به قدرت را مشخص کرده و به همراه آن حفاظت از حقوق بشر از طریق اعلامیه های حقوق بشر، کمیسیون های حقوق بشر و سیستم های قضائی، پلیس (و دیگر نیروهای نظامی/امنیتی) و سیستم های عدالت کیفری جدید یا اصلاح شده را فراهم می آورد. ترتیبات جدید برای حفظ قدرت در برخی موارد هدفشان انتقال از یک دولت شکست خورده یا یک دولت غیر دموکراتیک به ساختارهای سیاسی منسجم و مسئول است. در موارد دیگر هدفشان گنجاندن گروه های اقلیتی که قبلاً از دولت کنار گذاشته شده بودند، در حکومت است تا از طریق مکانیزم هایی مانند تقسیمات سرزمینی قدرت و یا اشکال دولت هم پیمان، ادعاهای خودمختاری را مورد توجه قرار دهند. در هر مورد، مؤسسات حقوق بشر به عنوان بخشی از بسته ای دموکراتیک لیبرالی گنجانده می شوند، که در موارد درگیری های قومی بعد از آن با ابعاد حقوق گروهی تنظیم شده اند. البته استثنائاتی هم وجود دارد؛ برخی از توافقات چارچوبی صلح مسائل حقوق بشری را نادیده می گیرند، اغلب به دلایل ژئوپلیتیکی (مانند توافقات اسلو و موقت اسرائیل-فلسطین). با این حال، برای اکثر موارد، توافقات صلح پیش بینی هایی برای حفاظت از حقوق بشر دارند.

چالش ناکارآمدی و کم کارآمدی سازمان های بین المللی در صیانت از حقوق بشر یکی از مسائلی است که همواره در حوزه حقوق بین الملل و حقوق بشر مطرح بوده است. در حالی که سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن، مسئولیت های گسترده ای در حفاظت از حقوق بشر در سطح جهانی دارند، اما در عمل شاهدیم که این نهادها در بسیاری از موارد نتوانسته اند به طور مؤثر و کارآمد از حقوق اساسی انسان ها در برابر نقض های گسترده و سیستماتیک دفاع کنند. این ناکارآمدی را می توان به عواملی چون پیچیدگی های سیاسی، تضاد منافع اعضای سازمان ها، و محدودیت های ساختاری آن ها نسبت داد. علاوه بر این، برخی از سازمان ها به دلیل فقدان قدرت اجرایی و ابزارهای لازم برای تحمیل تصمیمات، در عمل قادر به اعمال فشارهای مؤثر بر دولت ها و دیگر بازیگران جهانی برای رعایت حقوق بشر نیستند. به ویژه در بحران های

انسانی و جنگ ها، سازمان های بین المللی با چالش های جدی در پیشگیری از نقض حقوق بشر مواجه هستند. این شرایط نشان می دهد که برای تحقق اهداف حقوق بشری در سطح بین المللی، نیاز به اصلاحات ساختاری و سیاسی در نهادهای بین المللی و رویکردی جامع تر به حقوق بشر وجود دارد.

یکی از عملکردهای اصلی سازمان های غیردولتی در ظرفیت آن ها برای فعالیت به عنوان مدافعان پر قدرت حقوق بشر نهفته است. از طریق مستندسازی دقیق نقض حقوق بشر، تحقیقات جامع و کمپین های لابی گری تأثیرگذار، سازمان های غیردولتی بی عدالتی هایی را که اغلب از سوی مقامات دولتی نادیده گرفته می شوند، روشن می کنند. سازمان هایی مانند عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر نقش حیاتی در جلب توجه جهانی به مواردی مانند شکنجه، بازداشت های خودسرانه و سرکوب آزادی های بنیادین ایفا می کنند. با استفاده از کانال های مختلفی همچون گزارش ها، بیانیه های مطبوعاتی، کمپین های رسانه های اجتماعی و تلاش های لابی گری، سازمان های غیردولتی فشار زیادی به دولت ها و نهادهای بین المللی وارد می کنند تا به تعهدات حقوق بشری خود عمل کرده و نقض های حقوق بشر را رسیدگی کنند. سازمان های بین المللی غیردولتی (NGOs) به عنوان بازیگران کلیدی در عرصه حقوق بشر، نقش مؤثری در ترویج و صیانت از حقوق بشر اسلامی و شرقی ایفا می کنند. این سازمان ها به ویژه در زمینه نظارت بر رعایت حقوق بشر، مستندسازی نقض ها، و اعمال فشار به دولت ها و نهادهای بین المللی برای اتخاذ اقدامات مؤثر، سهم به سزایی دارند. در راستای صیانت از حقوق بشر اسلامی و شرقی، این سازمان ها به ویژه بر اصول عدالت اجتماعی، احترام به کرامت انسانی و حفاظت از حقوق فردی و اجتماعی تأکید دارند. در حقوق بشر اسلامی، اصولی چون حقوق فردی و اجتماعی، برابری، عدالت و کرامت انسان ها، و اهمیت احترام به دین و آزادی های مذهبی جزو اصول بنیادین هستند. سازمان های غیردولتی با توجه به این مفاهیم، نقش مهمی در ترویج و دفاع از حقوق بشر در کشورهای اسلامی ایفا می کنند. آن ها به ویژه در زمینه حمایت از حقوق زنان، اقلیت های دینی، و حقوق اجتماعی نظیر حق آموزش و بهداشت فعالیت های گسترده ای انجام می دهند. این سازمان ها با همکاری با دولت ها و نهادهای بین المللی، برنامه های آموزشی و حمایتی بسیاری را برای تقویت و حفظ این حقوق در جوامع اسلامی و شرقی اجرا می کنند.

نقش سازمان های غیردولتی در زمینه مستندسازی نقض های حقوق بشری و ایجاد فشارهای بین المللی نیز بسیار برجسته است. این سازمان ها با جمع آوری شواهد و مستندات از نقض های حقوق بشری، نظیر شکنجه، زندانیان سیاسی، تبعیض های مذهبی و نژادی، و موارد مشابه، به آگاهی رسانی جهانی در مورد نقض های گسترده حقوق بشر می پردازند و آن را در سطح بین المللی منتشر می کنند. این مستندات نه تنها آگاهی بخشی به جامعه جهانی را افزایش می دهد، بلکه می تواند زمینه ساز اقدامات قانونی و فشارهای سیاسی بر دولت ها و مقامات مسئول در کشورهای مختلف باشد.

علاوه بر این، سازمان های غیردولتی با همکاری با نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی، تلاش می کنند تا اقدامات مؤثری برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و ارتقای استانداردهای حقوق بشری در جوامع اسلامی و شرقی به عمل آورند. این همکاری ها به ویژه در زمینه های تقویت نظارت های حقوق بشری، آموزش حقوق بشر و افزایش مشارکت مدنی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف مؤثر بوده است.

در نهایت، سازمان های بین المللی غیردولتی با حفظ استقلال و توجه به اصول انسانی، در مسیر صیانت از حقوق بشر اسلامی و شرقی نقشی تعیین کننده دارند. این سازمان ها با تکیه بر تعهدات اخلاقی و حقوقی خود، به ویژه در زمینه حمایت از حقوق بشر، ایجاد دموکراسی و عدالت اجتماعی، و تأمین کرامت انسان ها، می توانند به عنوان ابزارهای مؤثر در دستیابی به جهانی عادلانه تر و انسانی تر عمل کنند.

۱- مفهوم سازمان های بین المللی غیردولتی استفاده از اصطلاح «دولت» در تعریف «سازمان های غیردولتی»، یعنی تعریف این موجودیت ها بر اساس آنچه نیستند، پیوندی میان تمام بازیگران غیر از دولت ها ایجاد می کند. در عین حال، حقوق بین الملل هیچ محدودیت پیشینی در تعریف سازمان های غیردولتی ایجاد نمی کند، مادامی که آن ها به عنوان دولت شناخته

نشوند. در نبود تعریفی روشن و منسجم از سازمان های غیردولتی در حقوق بین الملل، طیف متنوعی از موجودیت ها می توانند در این دسته قرار بگیرند.

در زمینه حقوق بین الملل بشردوستانه (IHL)، طیفی از بازیگران می توانند مورد توجه قرار گیرند، از جمله گروه های مسلح غیردولتی، شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی، سازمان های بشردوستانه و حقوق بشری، سازمان های بین المللی، دادگاه های کیفری بین المللی، جوامع محلی و رهبران مذهبی. البته ویژگی های خاصی که هر یک از این موجودیت ها را از دولت ها و از یکدیگر متمایز می کند نیز ممکن است دارای درجات مختلفی از اهمیت باشند. با این حال، تمرکز این قسمت بر این ویژگی های خاص که به شناسایی یا طبقه بندی سازمان های غیردولتی کمک می کنند، نیست؛ بلکه بر این است که آیا و چگونه موجودیت هایی که دولت نیستند می توانند بر IHL تأثیر بگذارند و از آن تأثیر بپذیرند.

به طور خاص، آنچه اهمیت اساسی دارد، عملکردهایی است که سازمان های غیردولتی در ارتباط با مخاصمات مسلحانه انجام می دهند. مفهوم «سازمان های غیردولتی» به عنوان یک دسته بندی گسترده در نظر گرفته می شود که شامل افراد یا گروه هایی از افراد است که به تنهایی یا از طریق نهادهای مشخص، در چارچوب رویه ها و هنجارهای تثبیت شده و در حال تحول در عرصه حقوق بین الملل عمل می کنند.

اصطلاح «سازمان غیردولتی» برای اولین بار در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد به کار برده شد. علی رغم فقدان تعریف مشترک از این اصطلاح در سطح بین المللی، دایرة المعارف حقوق بین الملل عمومی سازمان غیردولتی را به عنوان یک سازمان خصوصی تعریف می کند که «توسط یک دولت یا توافق نامه بین دولتی تأسیس نشده است، اما به واسطه فعالیت های خود قادر به ایفای نقشی در امور بین المللی است و اعضای آن از حق رأی مستقل برخوردارند. اعضای سازمان غیردولتی ممکن است افراد حقیقی (شهروندان خصوصی) یا اشخاص حقوقی باشند. اگر عضویت یا فعالیت این سازمان به یک کشور خاص محدود باشد، از آن به عنوان یک سازمان غیردولتی ملی یاد می شود و در صورتی که فراتر از مرزهای ملی فعالیت کند، به عنوان سازمان غیردولتی بین المللی شناخته می شود.» این سازمان ها عموماً به دنبال منافع در مسائلی هستند که از مرزهای ملی عبور می کنند یا آن ها را فرامی گیرند.

تعاریف دقیق درباره اینکه چه چیزی یک سازمان غیردولتی را تشکیل می دهد، متفاوت است و چالش تحلیل پدیده سازمان های غیردولتی همچنان به طور شگفت انگیزی دشوار است. یکی از دلایل این امر این است که سازمان های غیردولتی گروهی متنوع از سازمان ها هستند که از تعمیم پذیری خارج اند و از گروه های کوچک غیررسمی تا آژانس های بزرگ رسمی را شامل می شوند. سازمان های غیردولتی نقش های مختلفی ایفا می کنند و شکل های متفاوتی در جوامع مختلف دارند. به همین دلیل، اصطلاح "سازمان غیردولتی" به عنوان یک دسته بندی تحلیلی همچنان پیچیده و مبهم است. به عنوان مثال، علیرغم اینکه سازمان های غیردولتی نه تحت نظارت دولت هستند و نه با انگیزه سود فعالیت می کنند، برخی از این سازمان ها کمک های مالی زیادی از دولت دریافت می کنند و برخی دیگر به دنبال تولید سود هستند تا آن را دوباره به فعالیت های خود اختصاص دهند. مرزهای این سازمان ها نامشخص است و همان طور که از یک طبقه بندی که بیشتر بر آنچه که نیستند، تأکید می کند تا آنچه که هستند، انتظار می رود، سازمان های غیردولتی به طور تحلیلی شناسایی کردن دشواری دارند. این موضوع باعث بروز بحث های پیچیده ای درباره اینکه چه چیزی یک سازمان غیردولتی است و چه چیزی نیست، و نیز مناسب ترین رویکردها برای تحلیل نقش های آن ها شده است.

از نظر ساختاری، سازمان های غیردولتی می توانند بزرگ یا کوچک، رسمی یا غیررسمی، بوروکراتیک یا انعطاف پذیر باشند. از نظر تأمین منابع، بسیاری از این سازمان ها به طور خارجی تأمین مالی می شوند، در حالی که برخی دیگر به منابعی که به طور محلی جمع آوری می شود، وابسته اند. در حالی که بسیاری از سازمان های غیردولتی از منابع مالی دریافت می کنند و بخشی از "صنعت توسعه" هستند (که شامل دنیای کمک های دوجانبه و چندجانبه، سیستم سازمان ملل و مؤسسات برتون وودز است)، همچنین سازمان هایی هستند که ترجیح می دهند تا حد امکان

از دنیای کمک‌ها خارج از آن فعالیت کنند. یکی از تمایزات اساسی رایج در ادبیات، تمایز میان "سازمان غیردولتی شمالی" است که به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که ریشه‌های آن‌ها در کشورهای صنعتی قرار دارد و "سازمان غیردولتی جنوبی" می‌شود. تمایز دیگری که وجود دارد، تفاوت میان شکل‌های عضویتی سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان‌های مبتنی بر جامعه یا سازمان‌های مردم‌نهاد و شکل‌های میانجی سازمان‌های غیردولتی است که از بیرون با جوامع همکاری می‌کنند، که گاهی اوقات به آن‌ها سازمان‌های حمایتی از پایین به بالا گفته می‌شود. همچنین نمونه‌های بسیاری از سازمان‌های غیردولتی جعلی وجود دارد، مانند آن‌هایی که به‌عنوان جبهه‌هایی توسط دولت‌ها تأسیس می‌شوند.

برخی از سازمان‌های غیردولتی منابع مالی زیادی دارند و از لحاظ مالی توانمند هستند، در حالی که برخی دیگر زندگی شکننده‌ای دارند و از یک سال به سال دیگر برای بقا مبارزه می‌کنند. برخی سازمان‌ها کارکنان حرفه‌ای دارند، در حالی که دیگران به‌طور قابل توجهی به داوطلبان و حامیان وابسته‌اند. سازمان‌های غیردولتی با مجموعه‌ای از انگیزه‌ها و ارزش‌ها هدایت می‌شوند. برخی از آن‌ها سازمان‌های غیرمذهبی هستند و برخی دیگر "مذهبی" هستند. برخی از سازمان‌های غیردولتی ممکن است کارهای خیریه و پدرسالارانه انجام دهند، در حالی که برخی دیگر به دنبال پیگیری رویکردهای رادیکال یا مبتنی بر "توانمندسازی" هستند. برخی از سازمان‌های غیردولتی ممکن است فقط به نیازهای فوری مردم رسیدگی کنند، در حالی که برخی دیگر دیدگاه بلندمدت دارند و به دنبال توسعه ایده‌ها و رویکردهای جایگزین برای مشکلات هستند. یک سازمان غیردولتی ممکن است در هر زمانی چندین عنصر مختلف را ترکیب کند.

موریس-سوزوکی اشاره می‌کند که "سازمان‌های غیردولتی ممکن است به دنبال تغییر باشند، اما می‌توانند به‌طور یکسان به حفظ سیستم‌های اجتماعی و سیاسی موجود کمک کنند." به عنوان مثال، برای رادیکال‌هایی که به دنبال کشف دیدگاه‌های جایگزین توسعه و تغییر هستند، سازمان‌های غیردولتی ممکن است به‌عنوان وسایل پیشرفته برای تغییر دیده شوند. برای اندیشمندان محافظه‌کاری که به دنبال جایگزین‌های خصوصی برای دولت هستند، سازمان‌های غیردولتی ممکن است بخشی از راه‌حل‌های مبتنی بر بازار برای مسائل سیاستی در نظر گرفته شوند. نکته‌ای که باید در اینجا ذکر شود این است که سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به‌عنوان نوعی صفحه سفید دیده شوند که بر روی آن مجموعه‌ای از ایده‌ها، انتظارات و نگرانی‌های جاری درباره تحول اجتماعی پروژه‌ریزی می‌شود. (بخشی از دلیل اینکه سازمان‌های غیردولتی از دهه ۱۹۸۰ به بعد در زمینه‌های مختلف به شهرت رسیده‌اند، انعطاف‌پذیری بالای آن‌ها به‌عنوان یک شکل نهادی و طیف وسیعی از ارزش‌هایی است که ممکن است در بر داشته باشند، و این روند هم‌زمان با رشد اولویت‌های سیاست‌های نئولیبرال قرار دارد.

سالامون و آنهایر (۱۹۹۲) استدلال کردند که تعاریف موجود برای سازمان‌های بخش سوم تنها کاربرد محدودی دارند زیرا آن‌ها جامع نیستند. این تعاریف یا حقوقی هستند (که به نوع ثبت‌نام رسمی و وضعیت سازمان‌ها در زمینه‌های مختلف کشورها اشاره دارند)، یا اقتصادی (بر اساس منبع تأمین منابع سازمان)، یا عملکردی (بر اساس نوع فعالیت‌هایی که سازمان انجام می‌دهد). با توجه به اینکه این رویکردها ناقص و جزئی بودند، آن‌ها به جای آن، تعریفی "ساختاری/عملیاتی" ساختند که از تحلیلی کامل‌تر از ویژگی‌های قابل مشاهده یک سازمان بدست آمده بود. این تعریف پیشنهاد می‌کند که یک سازمان بخش سوم دارای پنج ویژگی اصلی زیر است: سازمان رسمی است، یعنی سازمان به‌طور نهادی مستقر است به‌طوری‌که جلسات منظم، مقامات اداری و برخی دائمی بودن سازمان را دارد؛ سازمان خصوصی است، به این معنا که از نظر نهادی از دولت جدا است، هرچند ممکن است حمایت‌هایی از دولت دریافت کند؛ سازمان غیرانتفاعی است و اگر سود مالی تولید شود، به مالکان یا مدیران تعلق نمی‌گیرد (که معمولاً به آن "محدودیت عدم توزیع" گفته می‌شود)؛ سازمان خودگردان است و بنابراین قادر است امور خود را کنترل و مدیریت کند؛ و در نهایت سازمان داوطلبانه است و حتی اگر از کارکنان داوطلب به‌طور خاص استفاده نکند، حداقل در برخی از جنبه‌های مدیریت یا اجرای سازمان مشارکت داوطلبانه وجود دارد، مانند حضور در هیئت مدیره داوطلبانه.

این رویکرد به روشن کردن آنچه که سازمان غیردولتی (NGO)

را تشکیل می‌دهد کمک می‌کند، که معمولاً به‌عنوان بخشی از مجموعه سازمان‌های بخش سوم در نظر گرفته می‌شود که عمدتاً در سطح محلی، ملی و بین‌المللی درگیر اقدامات توسعه‌ای یا بشردوستانه هستند. تعریفی مفید و مختصر از این مفهوم توسط واکیل ارائه شده است، که با بهره‌گیری از عناصر تعریف ساختاری/عملیاتی فوق بیان می‌کند که سازمان‌های غیردولتی "سازمان‌های خودگردان، خصوصی، غیرانتفاعی هستند که به بهبود کیفیت زندگی برای افراد محروم اختصاص دارند." بنابراین، می‌توان سازمان‌های غیردولتی را با دیگر انواع گروه‌های "بخش سوم" مانند اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مرتبط با هنر یا ورزش و انجمن‌های حرفه‌ای مقایسه کرد.

این گروه‌ها به وضوح خود را به عنوان سازمان‌های حقوق بشر می‌شناسند و این هویت را در اولویت قرار می‌دهند. این گروه‌ها معمولاً به صورت بین‌المللی شبکه‌بندی شده‌اند و وضعیت مشورتی در سازمان ملل دارند یا به گروه‌هایی با چنین وضعیتی وابسته هستند. آن‌ها بر روی طیف وسیعی از مسائل کار می‌کنند که اغلب بر جوامع مختلف تأثیر می‌گذارند. از شیوه‌های کاری خاصی مانند نظارت، گزارش‌دهی، لابی‌گری و آموزش استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که حتی برای سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر با مأموریت اصلی در مناطق درگیر در درگیری‌ها، اغلب مفاهیم مختلفی از رابطه کار حقوق بشر با درگیری و انگیزه‌های مختلفی که فعالان را به فعالیت در زمینه حقوق بشر ترغیب می‌کند، وجود دارد. برای برخی سازمان‌ها، حمایت از حقوق بشر بخشی از یک مبارزه بزرگ‌تر است، به‌عنوان مثال، دموکراتیزاسیون. برای دیگران، این پروژه‌ای مستقیم برای پاسخ‌گویی است، مشابه آنچه در هر جامعه‌ای وجود دارد، اما با توجه به وجود درگیری‌های خشونت‌آمیز، شدت بیشتری پیدا کرده است. این تفاوت‌ها که در طول درگیری‌ها اغلب مشهود نیستند، ممکن است در طول فرآیند صلح بروز کنند، جایی که بحث‌هایی را درباره نقش مناسب سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در فضای سیاسی جدید ایجاد می‌کند.

فراتر از این شکل "کلاسیک"، مجموعه‌ای از گروه‌های دیگر با ارتباطات مختلف با حقوق بشر وجود دارند. در دسته دوم، سازمان‌های غیردولتی "برابری"، که کار آن‌ها بر حول خواسته‌های برابری یک جامعه خاص حاشیه‌ای متمرکز است، جایی که جامعه بر اساس یکی از جنبه‌های هویتی مانند جنسیت، گرایش جنسی، قومیت، ناتوانی یا سن تعریف می‌شود. این گروه‌ها ممکن است از نظر شیوه‌های کاری مشابه با سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر با مأموریت اصلی (که ممکن است در عمل به اندازه‌ای که مأموریتشان پیشنهاد می‌کند، فراگیر نباشند) باشند، اما خود را عمدتاً با توجه به برابری برای یک گروه خاص از اعضای خود تعریف می‌کنند تا حقوق بشر. در دسته سوم، گروه‌هایی وجود دارند که مأموریت اصلی آن‌ها چیزی جز "حقوق بشر" است، اما حقوق بشر را به‌عنوان یک زیرموضوع در چارچوب مأموریت گسترده‌تر خود می‌بیند یا به‌عنوان روشی برای توصیف کار خود از آن استفاده می‌کند. این دسته شامل طیف وسیعی از گروه‌های بسیار متفاوت است، از گروه‌هایی که به مسائلی مانند دموکراسی یا توسعه می‌پردازند، تا گروه‌های تک‌مسئله‌ای، مانند کمپین‌هایی علیه مین‌های زمینی یا گلوله‌های پلاستیکی، یا برای مسکن مناسب. گروه‌هایی که به نیازهای قربانیان، زندانیان سابق یا پناهندگان می‌پردازند، نیز می‌توانند در این دسته قرار گیرند.

تکثیر گروه‌هایی که به نوعی به‌عنوان "سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر" توصیف می‌شوند و دشواری‌های تعریف آنچه که یک سازمان غیردولتی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، خود نشان‌دهنده گسترش پروژه حقوق بشر است. حقوق بشر به‌طور فزاینده‌ای به‌طور گسترده‌ای تعریف می‌شود تا حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و اکنون مجموعه‌ای از حقوق "همبستگی" نسل سوم را شامل شود. علاوه بر این، قدرت ادعاهای حقوقی که برخلاف ادعاهای صرفاً "سیاسی" قرار دارند و همراه با مشروعیت بین‌المللی گفت‌وگو حقوق بشر، باعث شده که "حقوق بشر" به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک برجسب مفید برای انجام فعالیت‌ها دیده شود.

این روند که می‌توان آن را به‌صورت جهانی شناسایی کرد، اغلب در دوران گذار که در آن گفت‌وگو حقوق بشر در مدت زمان کوتاهی از حاشیه به جریان اصلی منتقل می‌شود، تشدید می‌شود. تکثیر "سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر" یکی از تغییرات مهمی است که باید به‌عنوان بخشی از چشم‌انداز عدالت انتقالی در نظر گرفته شود. با این حال، باید اشاره کرد که استفاده از خودتعریفی همچنین در گنجاندن گروه‌هایی که از برجسب "حقوق بشر"

به‌عنوان بخشی از یک پارادایم "برترگرایانه" استفاده می‌کنند که با استانداردهای حقوق بشر در تضاد است، مشکل‌آفرین است.

۲- سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشری در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۹، پارلمان مصر پیش‌نویس قانونی را تصویب کرد که محدودیت‌های جدیدی را برای سازمان‌های جامعه مدنی یا سازمان‌های غیردولتی اعمال می‌کند. این قانون ادامه‌ای از مقررات "قانون ۷۰" در سال ۲۰۱۷ است که ثبت‌نام برای سازمان‌های غیردولتی درگیر در "کارهای مدنی" و اخذ مجوز دولتی برای فعالیت‌های مختلف مربوط به جامعه مدنی و حقوق بشر را الزامی می‌سازد. این پیش‌نویس قانون تهدیدی برای توانایی سازمان‌های غیردولتی در ایفای نقش نظارتی بر دولت، تقویت جامعه مدنی سالم و حفاظت از حقوق بشر به‌شمار می‌آید. به‌طور مشابه، مقررات سختگیرانه مشابهی در سال‌های اخیر در دیگر کشورها نظیر چین و روسیه تصویب شده است. به عنوان مثال، "قانون خیریه و قانون سازمان‌های غیردولتی خارجی" چین در سال ۲۰۱۶ به مقامات دولتی اختیار وسیعی برای سرکوب فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که در کارهای جامعه مدنی و بشردوستانه فعالیت می‌کنند، اعطا کرده است. این اختیارات همراه با الزامات مستندات شدید است که فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی را محدود می‌کند.

مقررات در روسیه به عنوان کاتالیزور و مدل برای مقررات سختگیرانه‌ای که پس از اجرایی شدن آن‌ها در بسیاری از کشورها تصویب شده‌اند، شناخته می‌شوند. حتی پس از اصلاح قانون ۲۰۰۶ پوتین که به دولت اجازه می‌داد سازمان‌های غیردولتی را به‌دلیل اشتباهات اداری جزئی در اسنادشان تعطیل کند، روسیه همچنان رویکرد تهاجمی در تنظیم مقررات برای سازمان‌های غیردولتی دارد. علاوه بر این، دولت روسیه همچنان خصومت زیادی با جامعه مدنی نشان می‌دهد، به‌ویژه نسبت به سازمان‌های غیردولتی که به‌طور خاص با حمایت، تخصص یا نفوذ خارجی مرتبط شناخته می‌شوند.

محدودیت‌های داخلی بر سازمان‌های غیردولتی از منظر حقوق بین‌الملل مشکل‌ساز است زیرا سازمان‌های غیردولتی نقش حیاتی در حکمرانی بین‌المللی ایفا می‌کنند و این نقش به توانایی سازمان‌های غیردولتی در جمع‌آوری اطلاعات و اجرای تعهدات معاهدات بین‌المللی حقوق بشر که توسط دولت‌های ملی تصویب شده، وابسته است. در حالی که مخالفت با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی امر جدیدی نیست، موج مقررات داخلی در دو دهه گذشته تنها افزایش یافته و نشان‌دهنده توقف آن نیست. یکی از دلایل این مخالفت‌ها نگرانی‌ها در مورد حساس‌دهی و شفافیت سازمان‌های غیردولتی است، به‌ویژه با توجه به رسوایی‌های اخیر مربوط به سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مانند صندوق جهانی حیات وحش.

ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد به عنوان مبنای قانونی فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل و صلح‌سازی شناخته می‌شود. به‌طور خاص، ماده ۷۱ به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اختیاراتی برای اعطای وضعیت مشاوره‌ای به سازمان‌های غیردولتی می‌دهد. این وضعیت مشاوره‌ای نقش سازمان‌های غیردولتی را در سیاست‌گذاری بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه قوانین نرم مانند اعلامیه‌های سیاستی غیر الزام‌آور، ارتقاء داده است. با این حال، پژوهشگران موافقت دارند که سازمان‌های غیردولتی نه شخصیت حقوقی دریافت کرده‌اند و نه قادر به شکایت از دولت‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی هستند. این امر توانایی سازمان‌های غیردولتی را در مقابله با محدودیت‌های داخلی بر فعالیت‌هایشان محدود کرده است.

در حوزه روابط بین‌الملل، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری به‌طور کلی به شکلی جامع تعریف می‌شوند: هر سازمان غیردولتی که مأموریتی مرتبط با حقوق بشر داشته باشد، می‌تواند در این دسته‌بندی قرار گیرد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد حقوق متعددی ذکر شده است، از حق ازدواج و فرهنگ گرفته تا حق مصونیت از شکنجه و بازداشت سیاسی. این حقوق در معاهدات الزام‌آور بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز به‌طور مفصل‌تر تدوین شده‌اند. از آنجا که تمامی این حمایت‌ها در دسته حقوق بشر قرار می‌گیرند، سازمان‌ها می‌توانند بر طیف گسترده‌ای از حقوق تمرکز داشته باشند و همچنان در چارچوب این تعریف کلی از سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری بگنجند. با وجود این تعریف گسترده، میدان فعالیت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری بسیار متنوع است. در این زمینه، پنج بعد اصلی وجود دارد که سازمان‌ها از نظر آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارند.

نخست، سازمان‌ها ممکن است عمدتاً بر حقوق بشر «منفی» یا «مثبت» متمرکز باشند. حقوق منفی به حقوقی اطلاق می‌شود که برای تحقق آن‌ها صرفاً خودداری کنشگران دولتی یا غیردولتی از اقدام خاصی کافی است. این حقوق گاه به‌عنوان «حق در برابر» چیزی، نه «حق به» چیزی در نظر گرفته می‌شوند. برای مثال، بهره‌مندی از حق مصونیت از شکنجه مستلزم آن است که دولت‌ها و کنشگران غیردولتی از اعمال شکنجه خودداری کنند. در مقابل، حقوق مثبت معمولاً مستلزم ارائه خدمات و حمایت‌های دولتی هستند؛ به‌عنوان مثال، حق برخورداری از غذا یا مراقبت‌های بهداشتی مستلزم ارائه خدمات اجتماعی و تنظیم مقررات از سوی دولت است. بسیاری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دسته حقوق مثبت قرار می‌گیرند.

در حال حاضر، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در هر دو حوزه حقوق مثبت و منفی فعالیت دارند. برای نمونه، هنگامی که دیده‌بان حقوق بشر نسبت به بدرفتاری با زندانیان در کره شمالی اعتراض می‌کند، این اقدام در حوزه حقوق منفی قرار می‌گیرد. در مقابل، سازمان‌هایی مانند دیده‌بان حقوق مسکن عمدتاً بر حقوق مثبت، نظیر حق مسکن، تمرکز دارند. با این حال، اکثر سازمان‌های حقوق بشری همچنان عمدتاً بر حقوق منفی متمرکز هستند.

این تمرکز تا حدی تحت تأثیر تقسیمات جنگ سرد قرار داشت. ایالات متحده و کشورهای غربی غالباً بر حقوق مدنی و سیاسی منفی تأکید می‌کردند، در حالی که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مثبت گاه به اشتباه به‌عنوان بخشی از ایدئولوژی کمونیستی یا سوسیالیستی تلقی می‌شدند. این تفکیک موجب شد که بسیاری از سازمان‌های غیردولتی غربی، از جمله آن‌هایی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت داشتند، عمدتاً بر حقوق منفی متمرکز شوند. این حقوق مورد حمایت کشورهای اهداکننده قدرتمندی قرار داشت که می‌توانستند منابع مالی و توجه بین‌المللی را به این مسائل معطوف کنند.

به‌طور مرتبط، تکنیک‌های «نام‌گذاری و شرمسارسازی» یا «سرزنش و شرمسارسازی» که سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری به‌کار می‌گیرند، زمانی بیشترین تأثیر را دارند که زنجیره علی‌روشنی از قربانی تا ناقض حقوق وجود داشته باشد. تمرکز اولیه بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری بر شرمسارسازی می‌توانست موجب تقویت تمرکز بر حقوق منفی شود، به‌ویژه مواردی که ناقضان حقوق بشر، کنشگران دولتی شناخته‌شده‌ای بودند. در مقابل، «شرمسارسازی» درباره یک حق مثبت مانند حق غذا دشوارتر است؛ چرا که زنجیره علی در این موارد مبهم‌تر بوده و نقض این حقوق ممکن است به‌جای یک اقدام فعال از سوی دولت، ناشی از بی‌توجهی یا غفلت آن تلقی شود. برای مثال، عدم بهره‌مندی کامل از حق غذا در بنگلادش می‌تواند ناشی از سیاست‌های دولت باشد، اما احتمالاً به توسعه‌نیافتگی کشور و تاریخچه استثمار استعماری نیز مرتبط است. این زنجیره مبهم‌تر قربانی-ناقض ممکن است موجب شده باشد که سازمان‌های حقوق بشری بیشتر بر حقوق منفی متمرکز شوند.

۳- اقدامات حقوق بشری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تقسیم کار میان سازمان‌های غیردولتی مختلف می‌تواند یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تمرکز غالب سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر بر حقوق منفی باشد. سازمان‌های توسعه‌ای و بشردوستانه بر ارائه کالاها و خدمات به جمعیت‌های آسیب‌دیده در محیط‌های ناامن متمرکز بوده‌اند. از این‌رو، این سازمان‌ها غالباً در جهت تأمین حقوق اقتصادی فعالیت کرده‌اند. بسیاری از سازمان‌های مدافع حقوق اقلیت‌ها نیز بر تضمین حقوق فرهنگی و اجتماعی متمرکز بوده‌اند. اگرچه این سازمان‌ها را می‌توان به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر تلقی کرد، زیرا به مسائل حقوق بشری در مفهوم کلی آن می‌پردازند، اما اغلب خود را به این شکل معرفی نمی‌کنند. با این حال، در سال‌های اخیر، سازمان‌های توسعه‌ای و بشردوستانه‌ای که عمدتاً به ارائه خدمات می‌پردازند، رویکرد «مثبتی بر حقوق» یا «چندوجهی» را اتخاذ کرده‌اند که در برنامه‌های آن‌ها، چارچوب‌های حقوق بشری را بیشتر مورد توجه قرار داده است. سودمندی این رویکرد چندوجهی همواره مورد بحث میان سازمان‌های غیردولتی بوده است؛ اگرچه این رویکرد می‌تواند در جلب توجه به یک مسئله مؤثر باشد، اما برخی نگران آن هستند که این امر ممکن است دسترسی به جمعیت‌های آسیب‌دیده را محدود کرده و موجب بدبینی دولت‌ها نسبت به تمامی سازمان‌های غیردولتی شود، حتی آن‌هایی که تلاش می‌کنند بی‌طرف باقی بمانند و صرفاً در شرایط بحران‌های بشردوستانه خدمات ارائه دهند.

در ارتباط با این بُعد، سازمان‌های حقوق بشری از تاکتیک‌های

متنوعی استفاده می‌کنند که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد: تاکتیک‌های مبتنی بر حمایت‌گری و تاکتیک‌های مبتنی بر ارائه خدمات. تاکتیک‌های حمایت‌گری بر تغییر افکار عمومی، رفتارها و سیاست‌ها درباره یک مسئله خاص حقوق بشری تمرکز دارند. تاکتیک‌های خدماتی بر ارائه کالاها و خدمات درباره یک مسئله خاص حقوق بشری متمرکزند. اگرچه طیف متنوعی از این دو نوع تاکتیک برای بهبود حقوق منفی و مثبت اتخاذ می‌شود، اما یک ارتباط تاریخی میان حمایت‌گری و حقوق منفی از یک سو، و ارائه خدمات و حقوق مثبت از سوی دیگر، وجود داشته است.

سومین بُعد مهم تفاوت میان سازمان‌های حقوق بشری این است که آیا آن‌ها عمدتاً ماهیت داخلی دارند یا بین‌المللی. سازمان‌های داخلی بر یک کشور یا منطقه خاص درون یک کشور متمرکزند. در مقابل، سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان به‌طور کلی به‌عنوان سازمان‌هایی تعریف کرد که دامنه فعالیت بین‌المللی دارند؛ بالین‌حال، در عمل و مطابق با «سالنامه سازمان‌های بین‌المللی» که منبع استاندارد برای سازمان‌های غیردولتی است، اصطلاح «بین‌المللی» اغلب به سازمان‌هایی محدود می‌شود که هم‌زمان در سه کشور یا بیشتر فعالیت دارند. تفاوت‌های متعددی میان سازمان‌های داخلی و بین‌المللی وجود دارد. به‌طور کلی، سازمان‌های داخلی معمولاً از نظر منابع مالی محدودترند اما ارتباط عمیق‌تری با جوامعی که برای آن‌ها فعالیت می‌کنند، دارند. در مقابل، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی ممکن است منابع مالی بیشتری در اختیار داشته باشند و اغلب پروژه‌های خود را به سازمان‌های داخلی واگذار می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی همچنین ممکن است ارتباطات بهتری با سازمان‌های بین‌دولتی داشته و از ظرفیت‌های حرفه‌ای بیشتری برخوردار باشند، از جمله داشتن کارکنان تمام‌وقت با آموزش‌های تخصصی در زمینه تأمین مالی و روابط عمومی. به دلیل این ارتباطات و ظرفیت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی ممکن است بتوانند تأثیر رسانه‌ای گسترده‌تری درباره یک مسئله خاص ایجاد کنند؛ همچنین، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان «دروازه‌بانان» مسائل حقوق بشری عمل کرده و در نهایت تعیین کنند که کدام موضوعات حقوق بشری در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند. اگرچه چارچوب نظری ما در خصوص نحوه بهبود شرایط حقوق بشر توسط سازمان‌های غیردولتی، این سازمان‌ها را به‌عنوان شبکه‌ای فراملی با انگیزه‌های اصولی در نظر می‌گیرد، اما بسیاری از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که روابط میان سازمان‌های داخلی و بین‌المللی غالباً پرتنش است. سازمان‌های داخلی ممکن است برای جلب توجه هم‌تایان بین‌المللی خود تلاش کنند و احساس کنند که فعالیت‌های آن‌ها تحت‌الشعاع خواسته‌های چند سازمان بزرگ قرار گرفته است. در مقابل، سازمان‌های بین‌المللی ممکن است احساس کنند که سازمان‌های داخلی از برند و تلاش‌های آن‌ها بدون مشارکت واقعی بهره‌برداری می‌کنند. این مسائل ممکن است در شرایطی که منابع مالی محدود هستند، تشدید شود.

تقسیم‌بندی داخلی – بین‌المللی در میان سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در دسته‌بندی دیگری نیز انعکاس یافته است: سازمان‌های مستقر در شمال جهانی و سازمان‌های مستقر در جنوب جهانی. فارغ از اینکه این سازمان‌ها دارای رویکرد بین‌المللی یا داخلی باشند، سازمان‌های مستقر در جنوب جهانی غالباً از منابع مالی‌ای که سازمان‌های مستقر در شمال جهانی در اختیار دارند، محروم‌اند. این مسئله می‌تواند بدین معنا باشد که سازمان‌های جنوب جهانی قادر به حضور در کنفرانس‌ها و جلسات بین‌دولتی نبوده و در نتیجه، صدای آن‌ها در دستور کار کلی حقوق بشر کمتر شنیده شود. به دلیل فقدان منابع مالی داخلی، سازمان‌های جنوب جهانی ممکن است وابسته به خواسته‌های اهداکنندگان خارجی باشند، امری که اکنون با محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی بسیاری از دولت‌ها بر استفاده از منابع مالی خارجی برای جامعه مدنی، به نگرانی فزاینده‌ای تبدیل شده است.

در مقابل، سازمان‌های مستقر در شمال جهانی اغلب به دلیل عدم ارتباط عمیق با جوامعی که قصد حمایت از آن‌ها را دارند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در سال‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌های شمال جهانی، از جمله سازمان عفو بین‌الملل، ساختار سازمانی خود را به‌طور چشمگیری تغییر داده‌اند تا دفاتر بیشتری در جنوب جهانی ایجاد کنند. این تلاش‌ها غالباً با هدف افزایش حمایت و مشروعیت در جوامع محلی انجام شده‌اند. در نهایت، یک تقسیم‌بندی دیگر میان سازمان‌های حقوق بشری بر مبنای سکولار یا دینی بودن آن‌ها شکل گرفته است.

اگرچه اکثریت سازمان‌های حقوق بشری سکولار هستند، اما سازمان‌های دینی متعددی نیز از مذاهب مختلف وجود دارند. این سازمان‌ها غالباً در منابع تأمین مالی، مبنای مشروعیت و دیدگاه خود نسبت به برخی حقوق خاص با سازمان‌های سکولار تفاوت دارند. سازمان‌های دینی ممکن است ارتباط محدودی با سایر سازمان‌های حقوق بشری داشته باشند.

نظریه‌های روابط بین‌الملل در مورد فعالیت‌ها و اثرگذاری سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در چارچوب یک بحث پارادایمیک گسترده‌تر درباره کارایی بازیگران غیردولتی در نظام بین‌المللی قرار دارند. این بحث عمدتاً به دو دیدگاه اصلی تقسیم می‌شود: رئالیسم و ساختارگرایی. رئالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها بازیگران اصلی در سطح بین‌المللی هستند و جایی برای بازیگران غیردولتی باقی نمی‌گذارند، در حالی که ساختارگرایان استدلال می‌کنند که سازمان‌های غیردولتی جزئی از یک جامعه بزرگتر به نام جامعه مدنی بین‌المللی هستند که می‌توانند هنجارهای بین‌المللی ریشه‌دار را بسازند و تغییر دهند. این بحث با گذشت زمان تکامل یافته و بر مطالعات تجربی که بر تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی تمرکز دارند، تأکید بیشتری شده است. پژوهشگران رئالیست بر این باورند که بازیگران غیردولتی در مقایسه با بازیگران دولتی تأثیر کمتری در نظام بین‌المللی دارند. همانطور که والتز (۱۹۷۹) به طور مشهور می‌نویسد: «تا زمانی که کشورهای بزرگ، بازیگران اصلی هستند، ساختار سیاست بین‌المللی در چارچوب آن‌ها تعریف می‌شود». این جایگاه برجسته به ویژگی‌هایی مربوط است که منحصرأ مختص دولت‌هاست، مانند حاکمیت. کشورها حاکمیت دارند، که به معنای شناخته شدن در جامعه بین‌المللی و کنترل ویژه بر یک سرزمین و جمعیت در قلمرو آن کشور است. از سوی دیگر، سازمان‌های غیردولتی هیچ یک از این ویژگی‌ها را ندارند. شاید مهم‌ترین ویژگی که دولت‌ها دارند، همانطور که وبر توصیف کرده، انحصار قدرت قهری مشروع است. از این دیدگاه، دولت‌ها مؤثرترین بازیگران در نظام بین‌المللی هستند چرا که در این دنیای آنارشی، دولت‌ها تنها بازیگرانی هستند که قدرت کافی برای اجرای تصمیمات را دارند.

ساختارگرایان به رد کردن دیدگاه رئالیستی در مورد کارایی سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر پاسخ می‌دهند. از دیدگاه ساختارگرایان، هنجارهای رفتاری، ادراکات از بازیگران خاص و نحوه دیدگاه دولت‌ها نسبت به وضعیت آنارشی همه نتیجه ساخت‌های اجتماعی هستند. این ساخت‌ها از ارزش‌ها و آداب بازیگران در سیستم نشأت می‌گیرند و همانطور که این ارزش‌ها با گذشت زمان تغییر می‌کنند، مفهوم‌سازی هنجارهای بین‌المللی نیز تغییر می‌کند؛ همانطور که این هنجارها ساخته می‌شوند، می‌توانند تجزیه و بازسازی شوند تا این اصول در حال تغییر را منعکس کنند. یکی از وظایف اصلی مدافعان حقوق بشر، بر اساس نظر ساختارگرایان، تغییر این هنجارهای بین‌المللی به منظور تقویت حفاظت از حقوق بشر است. ترویج تغییرات اجتماعی، با استفاده از تکنیک‌های جدید برای جذب هنجارهای اجتماعی به سیستم همان‌طور که فینمور و سیکینک بیان می‌کنند، مرحله اول این فرآیند تحت‌تأثیر مدافعان مسائل است که اغلب به عنوان کارآفرینان هنجار شناخته می‌شوند. این افراد اطلاعات مربوط به مسئله را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند به‌منظور قرار دادن آن در اولویت دستور کار جهانی. در مرحله دوم، زمانی که این کمپین‌ها موفق می‌شوند، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تحت فشار قرار می‌گیرند تا حداقل درباره مسئله بحث کنند و اگر نه، قوانین داخلی و بین‌المللی را برای بازتاب این هنجار جدید تغییر دهند. در این مرحله، بازیگران دولتی بر تقویت مشروعیت مؤسسات خود و کاهش هزینه‌های شهرت ناشی از مخالفت با نظر عمومی تمرکز دارند، در حالی که کارآفرینان هنجار عمدتاً توسط انسان‌دوستی و تعهد ایدئولوژیک انگیزه می‌گیرند. در مرحله نهایی، فرآیندهای اجتماعی‌سازی پیروی از هنجار جدید یا تغییر یافته را به حدی تقویت می‌کنند که پیروی عادی از آن به دلیل درونی‌سازی این هنجار توسط انواع مختلف بازیگران انجام می‌شود. این بدان معنا نیست که همه بازیگران به‌طور کامل این هنجار جدید را پیروی می‌کنند، بلکه این هنجار تا جایی نهادینه شده است که در صورت انصراف یک دولت از این اصول، جامعه بین‌المللی واکنش‌های منفی قوی از خود نشان می‌دهد.

نمونه واضحی از این فرآیند در عمل، کمپین جهانی سازمان عفو بین‌الملل علیه شکنجه است که موجب گسترش آگاهی جهانی از نقض حقوق سلامت جسمی و در نهایت نقش تعیین‌کننده‌ای در تصویب کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل در سال ۱۹۸۴

ادامه از صفحه قبل:

داشت. بلافاصله پس از تأسیس سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۶۱ توسط وکیل انگلیسی پیتر بننسون، این سازمان فعالیت خود را با هدف آزادسازی «زندانیان وجدان» که به دلیل اعتقادات سیاسی یا مذهبی خود زندانی شده بودند، آغاز کرد. در سال ۱۹۷۳، سازمان عفو بین‌الملل کمپین جهانی بزرگ‌تری علیه شکنجه راه‌اندازی کرد و از عضویت فزاینده خود در سطح پایگاه‌های مردمی استفاده کرد. این تلاش‌ها نقض حقوق بشر را در کانون توجه بین‌المللی قرار داد، نگرانی‌های حقوق بشری را در دستور کار جهانی گنجانده و دولت‌ها و سازمان ملل را تحت فشار قرار داد تا گام‌هایی برای تثبیت این هنجارها از طریق نهادهای و قواعد رسمی بردارند (کلارک و دانی ۲۰۱۴). یک سال پس از تأسیس سازمان عفو بین‌الملل، کمپین آزادسازی زندانیان وجدان از شش نفر به ۲۱۰ نفر رسید که در اولین گزارش سالانه این سازمان در سال ۱۹۶۲ ذکر شده بود. تا سال ۱۹۶۴، سازمان عفو بین‌الملل وضعیت مشورتی NGO را از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل دریافت کرد. پس از سال‌ها رشد مستمر، تلاش‌های سازمان عفو بین‌الملل برای پایان دادن به شکنجه منجر به تصویب کنوانسیون منع شکنجه در سازمان ملل شد. سازمان عفو بین‌الملل توانست در فرآیند تدوین این کنوانسیون مشارکت کند. فداکاری سازمان عفو بین‌الملل، از طریق یک کمپین فشرده پیرامون توسعه و گسترش این هنجارها، منجر به تشکیل نهادهای رسمی علیه استفاده از شکنجه شد.

در مرحله نهایی چرخه زندگی هنجارها، این هنجارهای جدید به حدی درونی‌سازی می‌شوند که به‌طور خودکار پیروی می‌شوند. در مورد کمپین سازمان عفو بین‌الملل، تقویت هنجارهای ضد شکنجه با گسترش صلاحیت جهانی نشان داده می‌شود. آگوستو پینوشه، دیکتاتور شیلی، در سال ۱۹۷۳ از طریق یک کودتای نظامی به قدرت رسید و دولت منتخب دموکراتیک سالوادور آلنده را سرنگون کرد. پس از سال‌ها شکنجه، بازداشت‌های جمعی، زندانی شدن‌ها در استادیوم ملی، اعدام‌ها و ناپدیدسازی‌های اجباری هر فرد مخالف رژیم نظامی، فشارهای بین‌المللی منجر به فرآیند دموکراتیزه شدن در سال ۱۹۹۰ شد. اما دولت شیلی به دلیل حمایت‌های داخلی که در طول فرآیند انتقالی تدوین شده بود، قادر به مجازات پینوشه برای جنایاتش نبود. تلاش‌های نهادینه‌شده هنجارهای ضد شکنجه، به همراه حمایت‌های قانونی بین‌المللی ارائه شده توسط کنوانسیون منع شکنجه، منجر به دستگیری پینوشه در لندن تحت هدایت دادگاه‌های اسپانیایی شد. بدون تلاش‌های گروه‌های حمایت بین‌المللی، مانند عفو بین‌الملل، این تحولات ممکن است اتفاق نیفتاده باشد.

۴- چالش‌ها و محدودیت‌های سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در مسیر حفاظت از حقوق بشر در حالی که سازمان‌های غیردولتی نقش حیاتی در ارتقای حقوق بشر و عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند، مشارکت‌های آن‌ها بدون محدودیت نیست. دسترسی به منابع مالی، به ویژه در کشورهایی که محیط‌های سیاسی محدودکننده دارند، می‌تواند ظرفیت عملیاتی آن‌ها را کاهش دهد و دامنه فعالیت‌های آن‌ها را محدود کند. فشارهای سیاسی و سرکوب دولت‌ها می‌توانند چالش‌های قابل توجهی برای کار آن‌ها ایجاد کنند، به ویژه زمانی که این سازمان‌ها در حال پیگیری مسائل حساس یا انتقاد از سیاست‌های دولت هستند. علاوه بر این، ساختارهای داخلی و شیوه‌های سازمانی خود سازمان‌های غیردولتی گاهی اوقات ممکن است نتوانند اصول دموکراتیک و فراگیر را به طور کامل در خود جای دهند که این ممکن است تلاش‌های آن‌ها برای عدالت اجتماعی را تضعیف کند.

همکاری یک عنصر ضروری است که پیشرفت و نوآوری را در حوزه‌های مختلف پیش می‌برد. در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز، توانایی همکاری بدون وقفه به‌طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است. چه در کسب‌وکار، علم، آموزش یا هر بخش دیگری، همکاری به تبادل متنوعی از ایده‌ها و دیدگاه‌ها کمک می‌کند که منجر به راه‌حل‌ها و نتایج قوی‌تر می‌شود. با گرد هم آوردن افرادی با مهارت‌ها، تجربیات و تخصص‌های مختلف، همکاری به یک کاتالیزور برای خلاقیت و حل مشکلات تبدیل می‌شود.

یکی از جنبه‌های مهم همکاری نقش آن در شکستن مرزها و ترویج مشارکت‌های بین‌رشته‌ای است. در بسیاری از موارد، پیشرفت‌ها در تقاطع رشته‌های مختلف رخ می‌دهند، جایی که ایده‌های یک حوزه می‌توانند برای حل چالش‌ها در حوزه‌های دیگر به کار گرفته شوند. این همکاری بین‌رشته‌ای نه تنها پیشرفت را

تسریع می‌کند بلکه مسیرهای جدیدی برای کاوش و کشف باز می‌کند. هم‌افزایی‌هایی که از طریق همکاری ایجاد می‌شود، به رویکردی جامع‌تر و کامل‌تر برای حل مشکلات منجر می‌شود که راه‌حل‌هایی پایدارتر و سازگارتر با دنیای در حال تغییر سریع به دنبال دارد.

علاوه بر این، همکاری نقش محوری در ترویج فرهنگ یادگیری و بهبود مستمر ایفا می‌کند. هنگامی که افراد از پس‌زمینه‌های متنوع گرد هم می‌آیند، به اشتراک‌گذاری دانش به یک فرآیند طبیعی تبدیل می‌شود. این تبادل اطلاعات نه تنها درک جمعی از یک موضوع را تقویت می‌کند بلکه به افراد این امکان را می‌دهد که مهارت‌های خود را گسترش داده و خود را با شرایط در حال تغییر وفق دهند. به این ترتیب، همکاری به یک نیروی محرکه برای رشد حرفه‌ای و شخصی تبدیل می‌شود و زمینه‌ای برای رشد و تاب‌آوری پایدار فراهم می‌آورد.

مسیر پیش رو شامل شناخت اهمیت همکاری و به طور فعال پرورش محیط‌هایی است که از آن پشتیبانی می‌کنند. سازمان‌ها و نهادهای باید ذهنیت همکاری را در آغوش بگیرند، مرزهای سنتی را از بین ببرند و کانال‌های ارتباطی باز را ترویج دهند. با ترویج فرهنگی که ارزش و پاداش‌های همکاری را می‌داند، نهادهای می‌توانند هوش جمعی تیم‌های خود را به کار بگیرند، نوآوری را پیش ببرند و در یک فضای رقابتی پیش‌تاز بمانند. علاوه بر این، یکپارچه‌سازی فناوری و ابزارهای دیجیتال می‌تواند همکاری بی‌وقفه را تسهیل کند و افراد را در مرزهای جغرافیایی و زمانی به یکدیگر متصل نماید.

با شناخت این محدودیت‌ها، همکاری همچنان برای حداکثر کردن تأثیر سازمان‌های غیردولتی حیاتی است. شراکت‌های قوی با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌دولتی و سایر بازیگران جامعه مدنی می‌تواند تلاش‌های پیگیری آن‌ها را تقویت کرده، دسترسی به منابع را افزایش دهد و اجرای راه‌حل‌های پیشنهادی را تسهیل کند. به عنوان مثال، همکاری میان سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌دولتی مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌تواند مشروعیت بین‌المللی و فشار لازم برای به چالش کشیدن دولت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند، فراهم کند. به طور مشابه، کار با جوامع محلی در مدل‌های هم‌ساخت و شراکتی تضمین می‌کند که مداخلات حساسیت فرهنگی داشته و به نیازهای جامعه پاسخ می‌دهند.

سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در محیطی فعالیت می‌کنند که در آن اغلب با بازیگران دولتی قدرتمند مواجه‌اند که نمی‌خواهند نقض حقوق بشر در کانون توجه قرار گیرد و می‌توانند دسترسی این سازمان‌ها به کشور را از طرق مختلف محدود کنند. علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی ممکن است به نمایندگی از چندین بازیگر فعالیت کنند، از جمله اهداکنندگان خود و جمعیت‌هایی که قصد دارند به آن‌ها کمک کنند. همچنین، این سازمان‌ها اغلب در محیطی فعالیت می‌کنند که در آن مخالفت سازمان‌یافته از سوی جامعه مدنی وجود دارد. اگرچه چالش‌های زیادی وجود دارد که سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در محیط سیاسی کنونی با آن‌ها مواجه هستند، اما این سه مسئله به‌ویژه برای فعالان و پژوهش‌های آینده در روابط بین‌الملل مهم هستند.

یکی از روندهای نوظهور در رژیم‌های هیبریدی، بستن فضای سازمانی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی است. پس از موج سوم دموکراسی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بسیاری از این کشورها به دلیل توقف انتقال به دموکراسی در دو دهه بعد، به رژیم‌های هیبریدی تبدیل شدند. بسیاری از این رهبران، به دلیل ترس از گسترش کانال‌های پاسخگویی و فضای مناسب برای رشد جامعه مدنی، تلاش کردند تا اقداماتی را برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات و جلوگیری از گسترش جنبش‌های اجتماعی در مناطق همسایه اتخاذ کنند. کوسل و بنس (۲۰۱۳) این پدیده را "مقاومت در برابر گسترش" نامیده‌اند.

با بررسی انقلاب‌های رنگی در کشورهای پسا شوروی و قیام‌های بهار عربی، کوسل و بنس متوجه شدند که رهبران چین و روسیه تلاش می‌کنند تا دسترسی به اطلاعات را کنترل کنند، قیام‌ها را به‌طور منفی بازتاب دهند و از دیگر اشکال قدرت نرم استفاده کنند تا قیام‌ها را در مقایسه با دولت‌های خود منفی نشان دهند. علاوه بر این، این رهبران این سیاست‌ها را با اقدامات دیگری برای تضعیف جامعه مدنی و بستن فضای سازمانی ترکیب کرده‌اند و گروه‌های مخالف را مجبور به انحلال کرده‌اند.

یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها در این زمینه تحت ریاست‌جمهوری ولادیمیر پوتین در روسیه است. در سال ۲۰۰۶، دولت روسیه قانونی را برای تنظیم فعالیت سازمان‌های غیردولتی در این

کشور تصویب کرد. این قانون که به‌عنوان "قانون سازمان‌های غیردولتی روسیه" شناخته می‌شود، کنترل دولتی بر این سازمان‌ها را گسترش داد و حریم خصوصی رهبران و اعضای آن‌ها را نقض کرد. این قانون الزامات ثبت نام برای هر بنیان‌گذار و عضو را گسترش داد و سازمان‌ها را مجبور کرد تا گواهی تولد بنیان‌گذاران فوت‌شده را ارائه دهند. عفو بین‌الملل به‌سرعت این قانون را محکوم کرد و اظهار داشت که "این قانون بار اضافی ایجاد کرده و منابع را از برنامه‌های اصلی منحرف می‌کند، در حالی که از یک چارچوب نظارتی استفاده می‌کند که می‌تواند به‌طور دلخواه اعمال شود و برخی از مفاد آن تعریف قانونی دقیقی ندارد و مجازات‌های آن غیرمتناسب است." این سازمان‌ها همچنین باید گزارش‌های سالانه‌ای ارائه دهند که جزئیات منابع و استفاده از کمک‌های خارجی را بیان کنند.

این قانون در سال ۲۰۱۲ تحت "قانون عوامل خارجی" گسترش یافت ("درباره اصلاحات به قوانین فدراسیون روسیه در مورد تنظیم فعالیت‌های سازمان‌های غیرانتفاعی که وظایف عامل خارجی را انجام می‌دهند"). برچسب زدن به چنین سازمان‌هایی به‌عنوان "عوامل خارجی"، نه‌تنها هزینه‌های عملیاتی این گروه‌ها را افزایش می‌دهد بلکه نمایانگر جدال فرهنگی است که بین جامعه حقوق بشری و حکومت‌های استبدادی در جریان است. مدافعان حقوق بشر با فشارهای زیادی روبه‌رو شده‌اند، به‌ویژه به دلیل اینکه بسیاری از این گروه‌ها بازتاب‌دهنده ارزش‌های غربی کشور خود هستند.

یک نقد نوظهور بر پژوهش‌های مربوط به سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر و فعالیت‌های مسئله‌محور، عدم توجه به جنبش‌های متضاد است که هدفشان مقابله با فعالیت‌های فعالان حقوق بشر است. پژوهشگران ساخت‌گرایانه اقدامات "کارآفرینان مسئله" را تحلیل می‌کنند که هدفشان ایجاد هنجارهای جدید است، مانند حقوق LGBTQIA+ یا حمایت از اقلیت‌های قومی، اما این مطالعات اغلب از تحلیل کار فعالان رقیب که به دنبال حفظ هنجارهای موجود یا ایجاد هنجارهای رقیب هستند، غافل می‌مانند

این سازمان‌های رقیب از تاکتیک‌های مشابهی مانند سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر استفاده می‌کنند، از جمله تلاش‌های لابی‌گری، کمپین‌های رسانه‌ای و دعاوی قانونی. تحلیل باب از محدودیت‌های سوئد بر سخنان نفرت‌انگیز ضد همجنسگرایانه، مطالعه موردی عمیقی از این فرآیند ارائه می‌دهد. گروه‌های مخالف تلاش کردند تا تصویب چنین قوانینی را که به گفته آنان بر آزادی‌های مذهبی افرادی که مخالف همجنسگرایی بر پایه باورهای مذهبی خود هستند، محدود می‌کند، مقابله کنند. این گروه‌ها چارچوب‌هایی را برای مقابله با پیشرفت فعالانی که هنجارهای طرفدار LGBTQIA+ را ترویج می‌دهند، ایجاد می‌کنند.

همان‌طور که جنبش‌های فعالان فراملیتی برای ترویج هنجارهای جهانی حقوق بشر شکل گرفته‌اند، این جنبش‌های راست‌گرایانه نیز مرزهای ملی را در می‌نوردند. فعالان راست‌گرای داخلی به دنبال کمک از جامعه بین‌المللی هستند تا منابع لازم برای حفظ حرکت خود را به دست آورند. علاوه بر این، فعالان خارجی که اهداف مشابهی دارند، از ادامه از دست دادن زمین و گسترش قوانین مشابه در کشورهای خود هراس دارند. حتی در مواردی که نشانه‌هایی از نرم‌شدن یا "تکامل هنجارها" مشاهده می‌شود، می‌تواند چنین اثراتی را ایجاد کند.

گسترش این‌گونه جنبش‌ها، یک زمینه جدید در ادبیات علمی به وجود می‌آورد. اینکه آیا این جنبش بتواند خود را حفظ کند و به مانعی معتبر برای حمایت از حقوق بشر تبدیل شود، خود قابل تحلیل است. علاوه بر این، نشان دادن فرآیند کامل پیاده‌سازی این هنجارهای جدید، تصویر کامل‌تری از چرخه حیات هنجارها ایجاد می‌کند. همان‌طور که در ادبیات جنبش‌های اجتماعی آمده است، چارچوب‌های جایگزین با یکدیگر رقابت می‌کنند و در برخی موارد باعث منحرف شدن اقدام جمعی پایدار می‌شوند. این جنبش‌های مقابله‌ای به ما کمک می‌کنند تا زمانی که سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر شکست می‌خورند یا زمانی که چرخه حیات هنجارها قادر به درونی‌سازی و نهادینه کردن این هنجارهای جدید نیست، درک بهتری داشته باشیم.

۵- سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و فرآیند حقوق بشر شرقی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (NGOs) در فرآیند حقوق بشر در کشورهای شرقی نقش پیچیده و متنوعی ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها به عنوان نهادهای غیرحاکمیتی، به‌ویژه در مناطقی که دولت‌ها از پذیرش فشارهای بین‌المللی در زمینه

حقوق بشر خودداری می‌کنند، به‌طور مؤثری در جهت اصلاحات و ارتقاء وضعیت حقوق بشر عمل می‌کنند. در حالی که این سازمان‌ها به‌طور کلی از مقامات دولتی انتقاد می‌کنند و در بسیاری از موارد به‌ویژه در رژیم‌های خودکامه با مقاومت روبه‌رو هستند، فعالیت‌های آنها می‌تواند به‌شکل قابل توجهی به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در راستای حقوق بشر منجر شود.

اما این روند با چالش‌های خاص خود همراه است. بسیاری از کشورهای شرقی به‌ویژه آنهایی که از نظام‌های حکومتی استبدادی یا اقتدارگرایانه برخوردارند، از پذیرش نظارت‌های خارجی و مداخلات نهادهای بین‌المللی در مسائل داخلی خود اجتناب می‌کنند. این کشورها اغلب در مقابل فشارهای بین‌المللی و تقاضاهای سازمان‌های حقوق بشری به‌ویژه در حوزه آزادی‌های سیاسی و حقوق فردی ایستادگی می‌کنند و آن را نقض حاکمیت ملی خود می‌دانند. بنابراین، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی برای تأثیرگذاری در این جوامع باید راهکارهای نوآورانه‌ای پیدا کنند تا بتوانند هم‌زمان با مقابله با موانع قانونی و سیاسی، پشتیبانی لازم را از جوامع محلی و ذینفعان داخلی جلب کنند. در این زمینه، یکی از استراتژی‌های اصلی این سازمان‌ها، استفاده از گزارش‌ها و مستندات به‌منظور جلب توجه جهانی به نقض حقوق بشر و فشار بر دولت‌ها برای اصلاحات است. این سازمان‌ها اغلب در فرآیند تهیه گزارش‌ها و تحلیل‌های دقیق از وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون آزادی بیان، حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان و کودکان، نقض حقوق مدنی و سیاسی، نقش برجسته‌ای دارند. این مستندات می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای اعمال فشار به دولت‌ها و نیز آگاهی‌بخشی به افکار عمومی جهانی عمل کند.

در عین حال، برخورداری از پشتیبانی مالی و منابع انسانی از سوی نهادهای بین‌المللی و دولتمردان حامی حقوق بشر یکی از الزامات اساسی برای تداوم فعالیت‌های این سازمان‌هاست. بسیاری از این سازمان‌ها به‌ویژه در کشورهای شرقی به دلیل محدودیت‌های منابع مالی و فشارهای دولتی بر سازمان‌های محلی نمی‌توانند به‌طور مؤثر و پایدار عمل کنند. بنابراین، روابط مؤثر با دولت‌های غربی، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با این حال، هم‌زمان با تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، باید به این نکته توجه داشت که بسیاری از حکومت‌های کشورهای شرقی از استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با فعالیت‌های این سازمان‌ها استفاده می‌کنند. این استراتژی‌ها ممکن است شامل محدود کردن آزادی‌های مدنی، تهدید و ارباب فعالان حقوق بشر و ایجاد موانع قانونی و اداری برای فعالیت این سازمان‌ها باشد. در این زمینه، سازمان‌های غیردولتی باید استراتژی‌های خود را به‌طور مداوم اصلاح کرده و از اعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشند تا بتوانند با این چالش‌ها مقابله کنند و در عین حال از حمایت‌های بین‌المللی بهره‌مند شوند.

بنابراین، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در فرآیند حقوق بشر در کشورهای شرقی نقش حیاتی ایفا می‌کنند، اما موفقیت آنها به میزان زیادی به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر این کشورها، استراتژی‌های اجرایی و روابط بین‌المللی آنها بستگی دارد. این سازمان‌ها در صورتی که بتوانند موانع داخلی و خارجی را به‌طور مؤثر مدیریت کنند، قادر خواهند بود تا در راستای بهبود وضعیت حقوق بشر و ارتقاء عدالت اجتماعی در این کشورها نقشی مؤثر و پایدار ایفا کنند.

۶- آینده همکاری‌های سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر مفهوم کلی معرفی گروه‌های کاری مختلف حقوق بشر در مجارستان بی‌شک برای یک جنبه مهم مفید خواهد بود - یعنی تجدید و تازه‌سازی عرصه مدنی. فارغ از اینکه این ساختار چگونه پیش خواهد رفت، هر ساختار جدید همیشه پتانسیل وارد کردن ایده‌های پیشرو و کنار گذاشتن روندهای بی‌فایده را دارد. قبلاً نشان داده شد که در ادبیات، ایده‌های همکاری بین سازمان‌های غیردولتی و رویکردی جامع‌تر به‌طور گسترده‌ای مورد حمایت قرار گرفته‌اند. ولج به‌طور خاص در مورد دوران ما نوشت که این دوران، عصر جدیدی است که در آن موفقیت تنها برای سازمان‌های غیردولتی که همکاری می‌کنند، قابل دستیابی است و زمان برای سازمان‌های فردگرا مناسب نیست.

همچنین، کارول نقل شده است که در آن استدلال می‌کند همکاری‌های سازمان‌های غیردولتی در اعمال فشار موفق‌تر هستند. او همچنین در راهنمای خود نوشت که یک ائتلاف برای دریافت انواع مختلف منابع مالی جذاب‌تر است.

نتیجه‌گیری

ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که به‌ویژه بر مبنای اصول اسلامی فعالیت می‌کنند، به‌طور خاص در جوامع اسلامی و در راستای صیانت از حقوق بشر، مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است که ریشه در مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی دارد. این سازمان‌ها که به‌منظور ارتقای استانداردهای حقوق بشر اسلامی در سطح بین‌المللی تأسیس شده‌اند، با چالش‌های زیادی روبرو هستند که کارایی آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان به‌شدت محدود می‌کند.

یکی از دلایل عمده ناکارآمدی این سازمان‌ها، نبود هم‌افزایی و هماهنگی میان نهادهای داخلی و خارجی است. بسیاری از این سازمان‌ها به‌طور عمده به منابع مالی و پشتیبانی‌های سیاسی وابسته هستند و از آنجا که این منابع اغلب از کشورهای خارجی یا نهادهای بین‌المللی تأمین می‌شود، فشارهای سیاسی و منافع متضاد می‌تواند بر استقلال و کارایی این سازمان‌ها تأثیر منفی بگذارد. در بسیاری از موارد، این سازمان‌ها با محدودیت‌هایی در تأمین منابع مالی مواجه هستند که موجب کاهش ظرفیت‌های اجرایی و عملیاتی آن‌ها می‌شود و قادر به انجام مأموریت‌های گسترده در حمایت از حقوق بشر اسلامی و تطبیق آن با معیارهای جهانی نیستند.

از دیگر عوامل ناکارآمدی این سازمان‌ها، محدودیت‌های ساختاری و قانونی است که اغلب از سوی دولت‌های داخلی اعمال می‌شود. در بسیاری از کشورهای اسلامی، قوانین داخلی یا فشارهای دولتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت‌های این سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند. این سازمان‌ها در مواجهه با تهدیدهای سیاسی و امنیتی ممکن است مجبور به توقف فعالیت‌های خود یا محدود کردن دامنه اثرگذاری‌شان شوند. برخی دولت‌ها حتی از این سازمان‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت مشروعیت سیاسی خود استفاده می‌کنند و در واقع، به‌جای حمایت واقعی از حقوق بشر، از این نهادها برای سرپوش گذاشتن بر نقض‌های حقوق بشر استفاده می‌کنند.

چالش دیگر، تضاد در تفسیر حقوق بشر اسلامی با تفسیرهای بین‌المللی و جهانی از حقوق بشر است. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اسلامی، به‌ویژه در جوامع شرقی و اسلامی، با مفاهیم و استانداردهایی روبرو هستند که ممکن است با برداشت‌ها و فرهنگ‌های خاص کشورهای خود تطابق نداشته باشد. این امر می‌تواند باعث شود که سازمان‌ها نتوانند در سطح بین‌المللی در قالب توافقات و کنوانسیون‌های جهانی به‌طور مؤثر عمل کنند، چراکه تفسیرهای متفاوت از حقوق بشر ممکن است باعث ایجاد محدودیت‌هایی در پذیرش یا اجرای استانداردهای جهانی شود.

در نهایت، یکی از مشکلات مهم، عدم توانایی در جلب مشارکت و همکاری از سوی دیگر نهادهای حقوق بشری است که معمولاً تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارند. بسیاری از سازمان‌های اسلامی برای اعمال فشار بر کشورهای غربی یا حتی کشورهای خودشان در مورد حقوق بشر، با موانع جدی روبرو هستند، چراکه این کشورهای غالباً به دنبال حفظ روابط دیپلماتیک و اقتصادی هستند و این امر می‌تواند مانع از حمایت مؤثر از این سازمان‌ها شود.

در مجموع، ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی اسلامی به دلایل متعددی از جمله وابستگی مالی، محدودیت‌های سیاسی و قانونی، تضاد تفسیرهای حقوق بشری و عدم توانایی در جلب حمایت‌های بین‌المللی است. برای حل این چالش‌ها، نیاز به اصلاحات اساسی در ساختار این سازمان‌ها و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی، به‌ویژه با نهادهای حقوق بشری جهانی، وجود دارد. در رابطه با نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در صیانت از حقوق بشر اسلامی و شرقی نشان می‌دهد که این نهادها به‌عنوان بازیگران غیر دولتی با فعالیت‌های گسترده خود در زمینه دفاع از حقوق فردی، اجتماعی، و فرهنگی، تأثیر قابل‌توجهی بر ارتقای استانداردهای حقوق بشری در جوامع اسلامی و شرقی دارند. آنها از طریق نظارت، مستندسازی نقض‌های حقوق بشری، و انجام فشارهای بین‌المللی، به‌طور مؤثر در کاهش نقض‌های حقوق بشر و تشویق دولت‌ها به اجرای تعهدات بین‌المللی خود در راستای حفظ حقوق بشر، ایفای نقش می‌کنند. از سوی دیگر، این سازمان‌ها با همکاری‌های بین‌المللی و تقویت دیپلماسی حقوق بشری، به ارتقای آگاهی عمومی و ایجاد تغییرات اساسی در سیاست‌های داخلی کشورهای مختلف کمک می‌کنند.

با این حال، نباید فراموش کرد که چالش‌هایی نظیر فشارهای

سیاسی، تداخل منافع ملی و منازعات داخلی، می‌توانند مانع از دستیابی کامل به اهداف این سازمان‌ها شوند. با این وجود، اهمیت فعالیت‌های این سازمان‌ها در فرآیندهای حقوقی، اجتماعی، و فرهنگی به‌ویژه در جوامع اسلامی و شرقی غیرقابل‌انکار است. آنها با تکیه بر اصول عدالت، کرامت انسانی و برابری، در حال شکل‌دهی به مفاهیم نوینی از حقوق بشر هستند که به‌طور خاص با فرهنگ‌ها و ارزش‌های اسلامی و شرقی همخوانی دارد.

در نهایت، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نه تنها به‌عنوان نهادهایی برای ارائه راه‌حل‌های حقوقی و اجتماعی، بلکه به‌عنوان راهنمایان اخلاقی و عملی در جهت تحقق حقوق بشر، می‌توانند به‌عنوان ابزارهای مؤثری برای پیشبرد عدالت اجتماعی و تقویت صلح و همبستگی در سطح جهانی عمل کنند. بنابراین، توجه به نقش این سازمان‌ها در ایجاد تغییرات مثبت در جوامع اسلامی و شرقی، از اهمیت بالایی برخوردار است و باید در راستای تقویت همکاری‌های بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر اسلامی، گام‌های بیشتری برداشته شود.

سازمان‌های بین‌المللی اسلامی مانند "سازمان همکاری اسلامی" (OIC)، "مجمع جهانی اهل بیت" (Ahlul Bayt World Assembly)، و "سازمان جهانی حقوق بشر اسلامی" (Islamic Human Rights Commission) به‌طور فعال در عرصه بین‌المللی در راستای ارتقای حقوق بشر اسلامی فعالیت می‌کنند. با این حال، این سازمان‌ها با چالش‌های متعددی در مسیر حفظ حقوق بشر مواجه هستند که کارایی و تأثیرگذاری آن‌ها را محدود می‌کند.

یکی از چالش‌های عمده، اختلافات درونی میان کشورهای اسلامی است. بسیاری از این سازمان‌ها با فشارهای سیاسی و اختلافات بین اعضای خود مواجه هستند. کشورهای مختلف با نظام‌های حقوقی و فرهنگی متفاوت ممکن است در زمینه‌های مختلف حقوق بشر اسلامی نظرات مختلفی داشته باشند. این اختلافات می‌تواند منجر به ناتوانی در اتخاذ مواضع یکپارچه و عمل به‌طور مؤثر در سطح بین‌المللی شود. علاوه بر این، برخی دولت‌ها از این سازمان‌ها برای تقویت مشروعیت خود در داخل کشور استفاده می‌کنند و از آن‌ها به‌جای حمایت واقعی از حقوق بشر، برای سرپوش گذاشتن بر نقض‌های حقوق بشری خود بهره‌برداری می‌کنند.

چالش دیگری که این سازمان‌ها با آن مواجه‌اند، تضاد میان اصول حقوق بشر اسلامی و معیارهای جهانی حقوق بشر است. در حالی که برخی از این سازمان‌ها به‌طور خاص بر حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی تأکید دارند، ممکن است با استانداردهای جهانی که توسط سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد تعیین شده‌اند، در تضاد قرار گیرند. این مسئله می‌تواند در مواقعی که نیاز به هماهنگی با نهادهای بین‌المللی و پذیرش معاهدات جهانی وجود دارد، مشکلاتی ایجاد کند.

همچنین، سازمان‌های اسلامی با چالش‌های مالی جدی روبرو هستند. بسیاری از این سازمان‌ها برای تأمین منابع مالی خود به کشورهای خاصی وابسته هستند که این وابستگی می‌تواند بر استقلال و کارایی این سازمان‌ها تأثیر منفی بگذارد. دولت‌ها و نهادهای مالی ممکن است فشارهایی بر این سازمان‌ها وارد کنند تا از طرح‌های خاصی حمایت کنند یا از برخی مسائل حقوق بشری چشم‌پوشی نمایند.

به علاوه، محدودیت‌های ساختاری و قانونی در کشورهای اسلامی نیز مانعی برای فعالیت‌های این سازمان‌ها است. بسیاری از این سازمان‌ها در کشورهای خود با مشکلات حقوقی و قانونی روبرو هستند که فعالیت‌های آن‌ها را محدود می‌کند. این محدودیت‌ها معمولاً به دلایل سیاسی و امنیتی هستند که مانع از انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های این سازمان‌ها در راستای حقوق بشر می‌شود.

در نهایت، چالش‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی نیز مانع از کارایی این سازمان‌ها می‌شود. بسیاری از این سازمان‌ها قادر به تأثیرگذاری در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی جهانی به‌ویژه در عرصه بین‌المللی نیستند. فقدان منابع لازم برای تولید محتوا و تقویت شبکه‌های ارتباطی باعث می‌شود که پیام‌های آن‌ها به‌طور مؤثر به گوش جهانیان نرسد.

به‌طور کلی، این سازمان‌ها به‌رغم تلاش‌های قابل‌توجهی که در جهت حفظ حقوق بشر اسلامی انجام می‌دهند، با چالش‌های اساسی مانند اختلافات درونی، تضاد با استانداردهای جهانی، مشکلات مالی، محدودیت‌های قانونی و مشکلات رسانه‌ای روبرو هستند که مانع از تحقق کامل اهداف آن‌ها می‌شود.

بار حقوقی زنان افسرده در منزل

دکتر آمنه ذاکری – روانشناس

موضوع باعث می‌شود که بسیاری از زنان افسرده نتوانند از حقوق خود به‌درستی دفاع کنند و در نهایت وضعیتشان وخیم‌تر شود.

برچسب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر حقوق زنان

یکی از مشکلات مهمی که زنان افسرده در خانه با آن مواجه هستند، برچسب‌های اجتماعی است. بسیاری از زنان افسرده ممکن است با برچسب‌هایی مانند "ناتوان"، "بی‌مسئولیت" یا "مشکل‌ساز" روبه‌رو شوند. این نوع نگاه اجتماعی می‌تواند روی حقوق آن‌ها تأثیر بگذارد، به‌گونه‌ای که حتی در محیط‌های کاری و خانوادگی نیز مورد تبعیض قرار بگیرند.

حق بر تصمیم‌گیری‌های پزشکی

زنان افسرده گاهی از حق تصمیم‌گیری در مورد درمان خود محروم می‌شوند. در برخی موارد، خانواده یا همسر به‌جای فرد تصمیم می‌گیرند که چه نوع درمانی برای او مناسب است. این مسئله می‌تواند استقلال فردی زن را تحت تأثیر قرار دهد و او را از دریافت درمان مناسب محروم کند.

کمبود حمایت‌های قانونی برای مراقبان زنان افسرده

علاوه بر خود زنان، افرادی که از آن‌ها مراقبت می‌کنند نیز ممکن است نیاز به حمایت‌های قانونی داشته باشند. در بسیاری از موارد، همسران یا والدین زن افسرده نقش مراقب را ایفا می‌کنند، اما ممکن است به دلیل نبود سیستم‌های حمایتی مناسب، تحت فشار شدید روحی و مالی قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

افسردگی زنان در منزل تنها یک مشکل فردی یا خانوادگی نیست، بلکه یک مسئله حقوقی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. عدم دسترسی به خدمات درمانی، وابستگی مالی، خطر خشونت خانگی، تبعیض در حق طلاق و حضانت، و نابرابری‌های قانونی، همگی می‌توانند وضعیت زنان افسرده را پیچیده‌تر کنند. برای کاهش این مشکلات، لازم است قوانین حمایتی بهبود یابند، آگاهی عمومی نسبت به سلامت روان افزایش پیدا کند و حمایت‌های مالی و اجتماعی برای زنان افسرده فراهم شود. بدون این اقدامات، زنان افسرده در منزل همچنان در معرض آسیب‌های حقوقی و اجتماعی قرار خواهند داشت.

خشونت خانگی و حمایت‌های قانونی

افسردگی می‌تواند زنان را در برابر خشونت خانگی آسیب‌پذیرتر کند. مردانی که از وضعیت روحی همسرشان سوءاستفاده می‌کنند، ممکن است با اعمال فشار روانی یا حتی خشونت فیزیکی، کنترل بیشتری بر زندگی او داشته باشند. متأسفانه در برخی کشورها، قوانین حمایت از قربانیان خشونت خانگی هنوز به‌طور کامل اجرا نمی‌شود و زنان افسرده ممکن است در یک چرخه معیوب از خشونت، ترس و انفعال گرفتار شوند. علاوه بر این، افسردگی می‌تواند توانایی زنان برای درخواست کمک یا پیگیری مسائل حقوقی را کاهش دهد.

حق بر طلاق و مشکلات حقوقی آن

در برخی موارد، افسردگی زنان ممکن است در فرآیندهای حقوقی مانند طلاق تأثیرگذار باشد. در جوامعی که سیستم حقوقی به نفع مردان عمل می‌کند، زنی که افسرده است ممکن است برای گرفتن طلاق با چالش‌های بیشتری مواجه شود. در برخی کشورها، مردان می‌توانند از وضعیت روحی همسرشان به‌عنوان دلیلی برای گرفتن حضانت فرزندان استفاده کنند. این مسئله می‌تواند باعث شود که زنان افسرده از ترس از دست دادن فرزندان خود، در یک ازدواج نامناسب باقی بمانند.

حق حضانت فرزندان

در بسیاری از پرونده‌های حضانت، وضعیت روحی والدین مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر زنی به دلیل افسردگی تحت درمان باشد، ممکن است دادگاه صلاحیت او برای نگهداری از فرزندان را زیر سؤال ببرد. این مسئله می‌تواند به ضرر زنانی تمام شود که افسردگی آن‌ها قابل کنترل و درمان است، اما به دلیل عدم آگاهی قضات یا سیستم‌های حقوقی، حضانت فرزندانشان را از دست می‌دهند. در حالی که بسیاری از مادران افسرده همچنان می‌توانند مراقبت خوبی از فرزندان‌شان داشته باشند، اما برچسب "افسرده" بودن ممکن است علیه آن‌ها استفاده شود.

نابرابری در حمایت‌های قانونی

در برخی کشورها، سیستم‌های قانونی و حمایتی به‌اندازه کافی به مسائل سلامت روانی زنان توجه ندارند. زنان افسرده ممکن است برای دریافت کمک‌های اجتماعی، حمایت‌های مالی یا حتی خدمات درمانی با مشکلات متعددی روبه‌رو شوند. این

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی در سراسر جهان است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد. در این میان، زنان به دلیل نقش‌های چندگانه‌ای که در خانه و جامعه بر عهده دارند، ممکن است آسیب‌پذیرتر باشند. زنان افسرده در منزل نه‌تنها با چالش‌های روانی و جسمی مواجه‌اند، بلکه با موانع قانونی و اجتماعی متعددی روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند بر حقوق و آزادی‌های فردی آن‌ها تأثیر بگذارد. در این مقاله، به بررسی بار حقوقی زنان افسرده در خانه پرداخته می‌شود و ابعاد مختلف این مسئله از منظر قوانین، وظایف خانوادگی، استقلال مالی، حضانت فرزندان و سایر جنبه‌های حقوقی بررسی خواهد شد.

حق بر سلامت روان

بر اساس قوانین حقوق بشر و بسیاری از اسناد بین‌المللی، سلامت روان بخشی از حقوق اساسی هر فرد است. زنان افسرده در منزل ممکن است به دلیل عدم آگاهی یا محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، به خدمات درمانی مناسب دسترسی نداشته باشند. در بسیاری از جوامع، مشکلات روانی زنان به‌عنوان یک مسئله شخصی تلقی شده و اهمیت کمتری نسبت به بیماری‌های جسمی پیدا می‌کند. این امر می‌تواند منجر به نادیده گرفتن نیازهای درمانی آن‌ها و حتی بدتر شدن وضعیت افسردگی شود.

بار و وظایف خانوادگی و تبعیض‌های جنسیتی

در بسیاری از فرهنگ‌ها، زنان مسئولیت اصلی خانه‌داری و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند. حتی اگر یک زن افسرده باشد، ممکن است همچنان از او انتظار برود که به این وظایف رسیدگی کند. این مسئله می‌تواند فشار روحی و جسمی بیشتری بر او تحمیل کند و روند بهبودی را دشوارتر کند. در مواردی که زن قادر به انجام این وظایف نیست، ممکن است مورد سرزنش از سوی خانواده و اطرافیان قرار بگیرد که این خود می‌تواند وضعیت روحی او را وخیم‌تر کند.

استقلال مالی و وابستگی اقتصادی

افسردگی می‌تواند بر توانایی زنان برای کار کردن و کسب درآمد تأثیر بگذارد. در مواردی که زن خانه‌دار است و از نظر مالی به همسر یا خانواده‌اش وابسته است، این وابستگی ممکن است زمینه‌ای برای کنترل و اعمال قدرت بیشتر بر او ایجاد کند. برخی از زنان افسرده به دلیل نداشتن استقلال مالی، قادر به دریافت خدمات درمانی مناسب نیستند یا حتی از تصمیم‌گیری‌های اساسی درباره زندگی‌شان محروم می‌شوند. در بسیاری از کشورها، قوانین حمایت از زنان در شرایط آسیب‌پذیر هنوز کافی نیست و این مسئله می‌تواند آسیب‌های جدی‌تری را در پی داشته باشد.

مقدمه

ترافیک شهری یکی از مسائل مهم اجتماعی و حقوقی است که به‌طور مستقیم بر زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. از منظر حقوقی، ترافیک را می‌توان در دو بُعد اساسی بررسی کرد: نخست، قوانین و مقررات ناظر بر حمل‌ونقل و عبور و مرور، و دوم، مسئولیت‌های مدنی و کیفری ناشی از تخلفات رانندگی.

قوانین و مقررات ترافیکی

در نظام حقوقی ایران، قوانین متعددی برای ساماندهی عبور و مرور وضع شده است که مهم‌ترین آن‌ها قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی و آیین‌نامه‌های مرتبط است. این قوانین، علاوه بر تعیین وظایف رانندگان و عابران پیاده، جرایم و مجازات‌های مربوط به تخلفات رانندگی را نیز مشخص کرده‌اند. برخی از مقررات کلیدی شامل:

- لزوم رعایت حق تقدم
- الزام به استفاده از کمربند ایمنی و کلاه ایمنی
- ممنوعیت رانندگی در حالت مستی یا مصرف مواد روان‌گردان
- محدودیت‌های سرعت و مقررات مربوط به عبور از چراغ قرمز

ترافیک و مسئولیت‌های حقوقی ناشی از آن

لیلا آراین پارسا: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی – وکیل پایه یک دادگستری

نقش حقوق عامه در مدیریت ترافیک

مدیریت ترافیک از منظر حقوق عامه نیز اهمیت دارد، زیرا اختلال در عبور و مرور، موجب تضییع حقوق عمومی و کاهش کیفیت زندگی شهروندان می‌شود. نهادهای نظارتی مانند پلیس راهور و شهرداری‌ها موظف‌اند با اجرای قوانین، تأمین زیرساخت‌های مناسب و اعمال محدودیت‌های لازم، از بروز ترافیک شدید و آسیب‌های ناشی از آن جلوگیری کنند.

نتیجه‌گیری

ترافیک، فراتر از یک معضل شهری، دارای ابعاد حقوقی گسترده‌ای است که مستلزم نظارت دقیق و اجرای صحیح قوانین است. مسئولیت‌های مدنی و کیفری ناشی از تخلفات رانندگی، نه‌تنها به‌حمایت از زیان‌دیدگان کمک می‌کند، بلکه عاملی بازدارنده در برابر رفتارهای پرخطر در رانندگی محسوب می‌شود. با این حال، تحقق نظم ترافیکی مستلزم همکاری همه‌جانبه میان دولت، شهروندان و نهادهای مسئول است.

مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی

هرگاه در اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا تخلف از مقررات رانندگی، خسارت جانی یا مالی به اشخاص ثالث وارد شود، مسئولیت مدنی راننده مطرح خواهد شد. مطابق با قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، جبران خسارت به عهده بیمه‌گر است، مگر در موارد استثنایی مانند اثبات عمد در وقوع حادثه.

۳. مسئولیت کیفری در تخلفات رانندگی

در مواردی که تخلف رانندگی منجر به صدمه بدنی یا فوت شود، موضوع از حیث کیفری نیز قابل بررسی است. ماده ۷۱۴ تا ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی به تعیین مجازات برای رانندگانی که با بی‌احتیاطی یا عدم رعایت مقررات موجب صدمه یا فوت دیگران می‌شوند، پرداخته است. این مجازات‌ها شامل دیه، حبس و در موارد خاص، محرومیت از رانندگی است.

استقلال در پژوهش و اهمیت آن

دکتر سید بشیر میرتاجانی - متخصص ژنتیک و پژوهشگر ارشد حوزه سلامت و درمان



بازیگران علم از تأثیراتی که انتخاب‌های آنها را تغییر می‌دهد، رها هستند. بازیگران اگر چنین تأثیراتی وجود نداشته باشند، یا بتوانند در برابر چنین تأثیراتی مقاومت کنند، کاملاً مستقل هستند. آنها کاملاً وابسته هستند اگر بازیگران دیگر همه انتخاب‌های خود را برای آنها انجام دهند. هیچ کدام از این دو افراطی احتمالاً به صورت تجربی رخ نمی‌دهند، یعنی استقلال همیشه یک موضوع درجه است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم فراتر از حداقلی که عملکرد سیستم علم را تضمین می‌کند، استقلال بیشتر همیشه بهتر است. در واقع، در نظر گرفتن اینکه خود محققین با استقلال خود چه کاری انجام می‌دهند که ممکن است گزینه‌های تحقیق در سیستم را محدود کند نیز مهم است. این ایده بسیار کلی از استقلال توسط رشته‌ها برای بررسی در چارچوب‌های مفهومی مربوطه مشخص شده است. از این پس، ما در نظر می‌گیریم که چگونه جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه علم، مطالعات حقوقی و تاریخ علم، استقلال پژوهش را مفهوم‌سازی می‌کنند، به کدام مشکلات استقلال می‌پردازند و کدام شکاف در دانش انضباطی وجود دارد. ما این بخش را با شرحی از بحث‌های انعکاسی درباره تهدیدات استقلال توسط جوامع علمی در علوم اجتماعی، علوم و پزشکی به پایان می‌رسانیم.

استقلال پژوهش به کیفیت آن، با تغییر جهت‌های آن، به تازگی یا نوآوری آن، و به تبعیت آن از استانداردهای روش‌شناختی و اخلاقی مرتبط است. در مورد کیفیت، تاریخ علم به ما می‌آموزد که تحقیقات با کیفیت بالا در جوامعی که به محققان خود استقلال کلی زیادی نمی‌دهند نیز امکان پذیر است. به نظر نمی‌رسد که سطح بالای استقلال پژوهش در یک کشور شرط لازم برای تحقیقات عالی باشد. این را مطالعات جامعه‌شناسی علم و اقتصاد تأیید می‌کنند که تحقیقات انجام‌شده در همکاری‌های آکادمی و صنعت را با کیفیت پایین‌تری ندانستند. به طور کلی، هیچ دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم استقلال بیشتر همیشه «بهتر» است، به این معنا که پیشرفت سریع‌تر یا راه‌حل‌های بیشتر برای مشکلات اجتماعی را تضمین می‌کند، همانطور که یافته‌های تاریخ و فلسفه علم نشان می‌دهد. ارتباط بین محدودیت‌های استقلال پژوهش و تغییر جهت آن، دغدغه مشترک چندین رشته است. تحقیقات تجربی در جامعه‌شناسی علم و اقتصاد و همچنین بازتاب‌های جوامع علمی در مورد تضاد منافع نشان داده‌اند که وابستگی تحقیقات به سرمایه‌گذاری مبتنی بر منافع یا ترتیبات مالی خاص ممکن است منجر به تغییر جهت‌های تحقیق شود. در این میان، انطباق محتوای تحقیق با انتظارات سرمایه‌گذاران (عمدتاً صنعت) بیشتر توسط جامعه‌شناسی علم، اقتصاد و تاریخ علم مورد تحقیق قرار گرفته است. مطالعات جامعه‌شناختی همچنین به تأثیرات احتمالی قالب‌های تأمین مالی مانند طول مدت تأمین مالی یا ساختارهای بودجه اشاره می‌کنند که ممکن است فقط برخی از فرآیندهای تحقیقاتی یک حوزه را فعال کند و در نتیجه برخی دیگر را سرکوب کند. در نهایت، اقتصاد و جامعه‌شناسی علم به ما هشدار می‌دهند که ممکن است یک اثر همگن‌کننده کلی رقابت‌ها وجود داشته باشد. چندین رشته در رابطه دوسوگرایانه بین استقلال محققین و پایبندی قضاوت‌های معرفتی آنها به استانداردهای جامعه‌علاقه‌مشتrek دارند. محققان ممکن است استقلال قضاوت معرفتی خود را با تحریف ناخودآگاه طرح‌ها، نتایج، یا تفسیر نتایج بر اساس منافع ثانویه مانند منافع مالی یا تقویت موقعیت‌های علمی که به آن پایبند هستند، از دست بدهند. با این حال، آنها همچنین ممکن است با نقض عمدی

استقلال پژوهش یک موضوع استراتژیک کلیدی در جوامع مدرن است. علم به منبع اصلی ثروت تبدیل شده است و به طور فزاینده‌ای به عنوان منبع احتمالی راه حل برای مشکلات بقای جوامع معاصر دیده می‌شود. این ظرفیت پژوهشی را به پایگاه اصلی قدرت برای بازیگران در «جامعه دانش» تبدیل کرده است. در نتیجه، تلاش‌ها برای ابزاری کردن علم و نادیده گرفتن استقلال آن افزایش یافته است. در عین حال، رشد علم و پویایی فناوری‌های تحقیقاتی آن، آن را به یک شرکت بسیار گران تبدیل کرده است. جای تعجب نیست که این سؤال که چه کسی باید بتواند بر تحقیق تأثیر بگذارد و چگونه می‌توان بدون آسیب رساندن به بهره‌وری و یکپارچگی تحقیق اعمال نفوذ کرد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مبارزات سیاسی کنونی، استقلال پژوهش را در کانون توجه قرار داده است. گفتمان درباره «اخبار جعلی» با تلاش‌های برخی از دولت‌ها برای محدود کردن استقلال پژوهش همزمان است. حتی در کشورهایی که اجماع اجتماعی گسترده‌ای در مورد لزوم حفظ آزادی آکادمیک دارند، میزان واقعی این آزادی و روش‌هایی که باید حفظ شود، مشمول مذاکره مستمر است، مثلاً با چالش‌های قانونی برخی اصلاحات آموزش عالی در آلمان نشان داده شده است. در تحلیل‌های تحقیق به‌عنوان منبع قدرت، استقلال پژوهش از دولت و صنعت اغلب به‌عنوان سودمند تلقی می‌شود، زیرا منافع سیاسی و اقتصادی به‌عنوان علم «فاسدکننده» تلقی می‌شود، در حالی که استقلال از «عموم» (هر چه که باشد) و بازیگران جامعه مدنی مشکل‌ساز تلقی می‌شود، زیرا دینفعان دارای منافع مشروع از تحقیق جدا می‌شوند. در میان محققان، نگرانی فزاینده‌ای در مورد وابسته شدن به یافته‌های نادرست یا غیرقابل اعتماد وجود دارد، که تعداد فزاینده آنها ممکن است تولید دانش جوامع علمی را منحرف یا کند کند. این نگرانی‌ها به تهدیدهایی برای استقلال پژوهش اشاره می‌کند که در خود سیستم علم ظاهر می‌شود. پرداختن به استقلال پژوهش به نحو مناسبی مشکلات حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای جامعه ایجاد می‌کند که توسط رشته‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و به طور فزاینده‌ای موضوع گفتمان‌های بازتابی جوامع علمی است. متأسفانه، این دیدگاه‌ها به طور نابرابر توسعه یافته و به اندازه کافی یکپارچه نشده‌اند. مشکلات استقلال معمولاً در زمینه‌های انضباطی بدون توجه به ارتباط دیدگاه‌های دیگر یا مشارکت‌های احتمالی مطرح می‌شوند. بنابراین، هدف این مقاله غلبه بر محدودیت‌های دیدگاه‌های رشته‌ای با تبدیل استقلال پژوهش به موضوعی برای مطالعه میان رشته‌ای است. ما با شناسایی دیدگاه‌های رشته‌ای مرتبط و یافته‌های مربوط به استقلال پژوهش شروع می‌کنیم. جامعه‌شناسی استقلال را به‌عنوان خودمختاری بازیگران مشخص می‌کند که بیشتر در روابط دوتایی بین محققان و دانشگاه‌هایشان، صنعت دولت یا دیگر بازیگران در نظر گرفته است. اقتصاد استقلال را به روشی مشابه مفهوم‌سازی می‌کند، اما بر اقدامات استراتژیک در موقعیت‌های رقابتی تمرکز می‌کند. دیدگاه‌های آن در مورد شکل‌گیری هدف و فرآیند رقابت، بررسی شرایط متغیر استقلال را تسهیل می‌کند، که برخی از آنها به رقابت‌های شدیدتر و پیچیده‌تر در علم مرتبط هستند. مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره استقلال پژوهش که توسط فلسفه علم ایجاد شده است، دیدگاه‌های اخلاق تحقیق، فلسفه سیاسی علم و معرفت‌شناسی اجتماعی است. دیدگاه مطالعات حقوقی، آزادی آکادمیک را در درجه اول به عنوان یک حق دفاعی شخصی می‌داند، یعنی حق فرد در رد تعرض به آزادی آکادمیک خود توسط سایر بازیگران. حداقل در مورد آلمانی که در اینجا مثال می‌زنیم، دیدگاه حقوقی را می‌توان در مورد سازمان‌ها (عمدتاً دانشگاه‌ها) به‌عنوان ضامن آزادی آکادمیک و در سطح نظام علمی ملی که استقلال آن باید از نظر قانونی حمایت شود، اعمال کرد. تاریخ آموزش عالی و علوم تأکید می‌کند که استقلال تحصیلی در شرایط تاریخی مختلف به معنای چیزهای متفاوتی است، به درجات مختلف برای دانشگاهیان اعطا می‌شود، شرط لازم برای تحقیقات با کیفیت بالا نیست و می‌توان از آن برای تولید ادعاهای مبتنی بر علمی که به نفع منافع تجاری یا سیاسی خاص است سوء استفاده کرد. خود انعکاس جوامع پژوهشی در مورد استقلال تحقیقاتشان به سوگیری‌ها در تحقیقات می‌پردازد که ناشی از تضاد منافع است، که می‌تواند به عنوان محققین در مورد از دست دادن استقلال خود درک شود. علاوه بر این، وابستگی محققان در جنوب جهانی به هسته‌های (شمال) جوامع خود توسط تعداد فزاینده‌ای از جوامع تحقیقاتی مورد بحث قرار گرفته است. در کلی‌ترین مفهوم، استقلال پژوهش به میزانی اطلاق می‌شود که

استانداردهای روش‌شناختی یا اخلاقی از استقلال اجتماعی که برای خود مذاکره کرده‌اند سوء استفاده کنند. جامعه‌شناسی علم و بحث‌های موجود در جوامع علمی به تقلب و شیوه‌های تحقیقی مشکوک اشاره می‌کند و بحث‌های اخیر در تاریخ و فلسفه علم، موضوع «اختلاف تولیدی» را مطرح کرده است، یعنی ایجاد موقعیت‌های علمی که به جای ارتقای دانش جامعه، از منافع خاص اجتماعی حمایت می‌کنند. هم از دست دادن استقلال قضاوت‌های معرفتی و هم سوء استفاده از استقلال برای نقض عمدی معیارهای معرفتی ممکن است بر قضاوت‌های معرفتی جمعی جوامع علمی تأثیر بگذارد. رابطه بین قضاوت‌های معرفتی در سطح فردی و جامعه موضوعی است که در تمام رویکردهای استقلال پژوهش وجود دارد، زیرا همه بررسی‌های مربوط به استقلال پژوهش با این سؤال روبرو هستند که آیا تغییرات استقلال در سطح فردی و پیامدهای آن برای تحقیق فقط «صدا» هستند که بر تولید دانش جوامع علمی تأثیر نمی‌گذارند؟ از آنجایی که قضاوت‌های معرفتی جمعی جوامع علمی به مشارکت‌های فردی بستگی دارد، هرگونه تأثیر استقلال محقق بر قضاوت‌های معرفتی ممکن است بر قضاوت‌های معرفتی سطح جمعی تأثیر بگذارد. عکس این قضیه هم البته صادق است. از آنجایی که جوامع علمی بر تخصیص موقعیت‌ها و منابع برای تحقیق و همچنین تشخیص نتایج از طریق بررسی همپایان تأثیر می‌گذارند، محققان به اولویت‌ها و استانداردهای جوامع خود وابسته هستند. بحث‌های کنونی در جوامع علمی نشان می‌دهد که محققان در جنوب جهانی ممکن است نتوانند قضاوت معرفتی مستقلی اعمال کنند یا برای مشارکت‌های خود به رسمیت شناخته شوند، زیرا استانداردها و ترجیحات جامعه متعلق به شمال جهانی است. اعضای انجمن‌های علمی در شمال جهانی بخش قابل توجهی از بودجه تحقیقاتی برای جنوب جهانی را کنترل می‌کنند که به آنها فرصت می‌دهد اولویت‌ها و استانداردهای خود را اجرا کنند. این ممکن است عمدی یا ناخواسته رخ دهد. از آنجایی که همه کانال‌های انتشار مرکزی جوامع علمی نیز توسط محققان شمال جهانی کنترل می‌شوند، مشارکت‌های جنوب جهانی که منافع نخبگان شمالی را برآورده نمی‌کنند، بعید است که وارد این کانال‌های ارتباطی شوند. بنابراین، جوامع علمی می‌توانند نظر اکثریت خود را از طریق کانال‌های مختلف به محققان تحمیل کنند. رویکردهای انضباطی به تأثیر استقلال پژوهش بر محتوای آن را می‌توان با تمرکز بر سه سؤال ادغام کرد. ابتدا، تمرکز مشترک همه رشته‌هایی که رویکردهایشان به استقلال پژوهش در این مقاله مورد بحث قرار گرفتیم و تعداد فزاینده‌ای از جوامع علمی با این سؤال بیان می‌شود: در چه شرایطی، با چه مکانیسم‌هایی و با چه تأثیراتی، تغییرات در استقلال پژوهشگران منفرد منجر به تغییر محتوای پژوهش در سطح فردی و اجتماعی می‌شود؟ دوم، این پرسش مطرح است که چگونه وابستگی معرفتی محققین به معیارها و نظرات اکثریت جامعه خود حفظ می‌شود؟ ثالثاً، این امر منجر به این سؤال می‌شود که در چه شرایطی این وابستگی ممکن است محتوای تحقیق را در سطح فردی یا اجتماعی تغییر دهد. بررسی شرایط و تأثیرات تعصب معرفتی فردی و جمعی نیز دو چالش عمده روش‌شناختی را مطرح می‌کند. اولین چالش اصلاً سنجش تعصب است. این ماهیت تعصبات به طور کلی و تعصبات معرفتی به طور خاص این است که توسط کسانی که به آنها اعتقاد دارند به عنوان آنها شناخته نمی‌شوند. محققان از تعصبات معرفتی خود آگاه نیستند و بدون توجه به آنها اجازه می‌دهند بر اعمال خود تأثیر بگذارند. دانا و لوونشتاین (۲۰۰۳) و مور و لوونشتاین (۲۰۰۴) تحقیقاتی را خلاصه می‌کنند که بر اساس آن سوگیری اغلب نتیجه فرآیندهای انگیزشی است که ناخواسته و ناخودآگاه هستند. این چالش برای اندازه‌گیری تعصب را می‌توان با استفاده از روش‌های جامعه‌شناختی تحلیل چارچوب و تحقیقات روان‌شناختی در مورد سوگیری ضمنی برطرف کرد. در ارتباط نزدیک با مشکل شناسایی تعصب، شناسایی اثرات آن، یعنی چرخش و سایر سوگیری‌ها در نشریات، چالشی است که نیاز به همکاری علوم اجتماعی با جوامع علمی مورد بررسی دارد، زیرا فقط آنها می‌توانند محتوای انتشارات خود را ارزیابی کنند.



دکتر انور خیرآبادی

وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه

حقوق اقتصادی؛ اقتصاد حقوقی

حقوق علم گسترده و جامع و پیچیده ای است که باموضوعات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هنری و سیاسی و علمی و فقهی و تاریخی ارتباط تنگاتنگ و گسترده دارد و هرکدام از این مولفه‌های ذکر شده نقشی موثر و ماندگار بر حوزه حقوق داشته اند باتوسعه علوم و فنون و فناوری و تکنولوژی و رشد روز افزون جوامع انسانی و تکثر اجتماعی و طبقاتی و کلانشهرهای مدرن و توسعه یافته جایگاه مولفه‌های اقتصادی وسیع تر و سریع تر و پربارتر تر شده است رشد و توسعه زندگی بشر را میتوان در گرو توجه به بُعد اقتصادی آن دانست و زمانی این توسعه به صورت تصاعدی پیشرفت نمود که نگرش‌ها و تحلیل‌ها، رنگ و لعاب اقتصادی به خود گرفت و آرمان‌های کلان، اذهان بشر را به خود مشغول نمود و به همین صورت بود که اعمال بشر با سرعت بیشتری با انگیزه‌های اقتصادی و با نیت تحصیل ارزشهای مادی آمیخته شده و جریانهای خاصی در زندگی اجتماعی ایجاد کرد. اقتصاد همواره با دو مفهوم رفع نیازهای مادی و رسیدن به خواسته‌های مادی همراه و هماهنگ بوده است.

تلاش و کوشش برای رسیدن به حداکثر نتیجه موردنظر، عنصر اصلی اقتصاد و یک نگاه اقتصادی است. بنابراین بشر همواره با این دید روابط خود را تنظیم می‌نمود و هماهنگی تعاملات و گسترش روابط را می‌توان در تأثیر نگرش‌های اقتصادی بشر در پیشبرد اهداف خود دانست. لیکن کنار نقش اقتصاد، همواره حقوق نیز در زندگی بشر نقش بسیار مهم و حیاتی ایفاء می‌نماید. اگر اقتصاد راه بشر برای رسیدن به اهداف مادی خود باشد حقوق تضمین و ضامنی برای این نیل بشر خواهد بود. حقوق بر اعمال انسان حکومت می‌کند و علاوه بر مشخص نمودن مسیر این جریانات، انحرافات بشر را از مسیری که غبطه شخص و مصلحت همگان در آن وجود دارد کنترل می‌کند. به همین جهت مردم نمی‌توانند قواعد و مقررات حقوقی را در رسیدن به اهداف اقتصادی خود نادیده بگیرند و ناچارند در مسیر صحیحی که علم حقوق آن را منطبق با قواعد خود می‌داند گام بردارند.

بنابراین حقوق همواره در کنار اقتصاد بوده و در اصل هم‌عرض با اقتصاد به حیات خود در زندگی بشر ادامه می‌داد. به همین علت تا سالیان دراز، تقابل و نقطه تلاقی حقوق و اقتصاد، جای خاصی در اذهان مردم نداشت، و بشر در عین اینکه اهداف اقتصادی خود را دنبال می‌کرد سعی داشت مقررات و قواعد حقوقی را نیز رعایت نماید. اما زمانی که علم رشد فزاینده‌ای در زندگی بشر پیدا نمود، در روابط، پیچیدگی خاصی ایجاد گردید، دیگر آن نگرش‌های ساده و سنتی قادر نبوده به کنترل اوضاع بپردازد. در جامعه معاصر و امروزی، تعاملات تجاری و اقتصادی بشر پیچیدگی صدچندانی نسبت به گذشته داشته؛ چند وجهی شدن معاملات، ظهور کالاها و نیازهای جدید، گسترش روابط به عرصه بین‌الملل، مرزبندی خاص کشورها و مسائل مستحدثت بشمار به‌وجود آمده، همگی موجب ایجاد مفاهیم و تأسیس ماهیت‌های خاصی شده است.

اما حقوق که می‌بایست همیشه همراه و در کنار اقتصاد باشد، با این پیشرفت یکباره، گویی از غافله عقب مانده و می‌بایست خود را به سرعت به این پیشرفته‌ها و تحولات برساند تا بتواند به حکومت خود ادامه دهد. به همین دلیل حقوق ناچار شد به صورت جدی‌تر وارد عرصه اقتصاد شود، به تحلیل قواعد و روشهای اقتصادی و تجاری بپردازد تا کارآمدترین قواعد را در این خصوص وضع نماید. یکی از دلایل مهم تلاقی حقوق و اقتصاد و نیز ایجاد نگاه‌های اقتصادی حقوقی را می‌تواند در این موضوع دید. البته نگاه اقتصادی به حقوق، حتی در زندگانی انسانهای دیرین نیز به وضوح دیده می‌شد و مفاهیمی مانند مالکیت، تحصیل مال، قراردادهای و بسیاری دیگر از مفاهیم حقوقی با نگرش‌های اقتصادی شکل گرفته است که مجال تفصیل در این مختصر نیست.

به‌طور کلی چون بسیاری از ابزارهای بشر مانند قراردادهای

اغلب برای رسیدن به اهداف اقتصادی است، می‌بایست از مسیرهای حقوقی عبور نماید، ارتباط و تلاقی این دو همیشه انکارناپذیر بوده است. به‌طور کلی همین تلاقی اقتصاد و حقوق که در زندگانی بشر اولیه کمابیش وجود داشته و در زندگی بشر امروز به دلایل گفته شده به اوج خود رسیده است، تحلیل‌های جدیدی می‌بایست صورت گیرد که در همین راستا رشته‌ای نوین در میان علوم ایجاد نموده است. آنچه مد نظر ما است تحلیل اقتصادی حقوق است یا تحلیل حقوقی اقتصاد بدیهی است تحلیلی که بر پایه هرکدام از این دو مبنا صورت گیرد موضوع متفاوت و نتیجه خاص خود را خواهد داشت، بنابراین باید نخست مشخص کنیم که می‌خواهیم حقوق را از دید اقتصادی تحلیل کنیم یا اقتصاد را از دید حقوقی. بطور خلاصه این دو مبنا بررسی می‌کنیم: نخست؛ تحلیل اقتصادی حقوق بدین معنا است که ما نتیجه و مطلوبی که از نهادهای حقوقی انتظار داریم بر اساس مطلوب اقتصادی خود خواستار شویم. بدین توضیح که ما آثار حقوقی بار آمده از اعمال خود یا دیگران را بر مبنای ارزشهای مادی قرار داده به گونه ای که استفاده از ابزارهای حقوقی تلاشی باشد برای رسیدن به اهداف اقتصادی. در واقع در تحلیل اقتصادی حقوق آثاری برای اعمال حقوقی در نظر بگیریم که از حیث اقتصادی قابل توجیه باشد. تحلیلی که بر این اساس صورت گیرد به نظر نگارنده تحلیل اقتصادی حقوق است. تحلیل حقوقی اقتصاد بدین معنی است که ما آثار ابزارها و قواعد و روش‌های اقتصادی یا حتی استراتژی‌های اقتصادی را با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوقی تحلیل و تفسیر کنیم. بدین توضیح که باید ببینیم که فلان روش یا ابزار اقتصادی که اشخاص برای نیل به اهداف اقتصادی بکار می‌گیرند چه آثار حقوقی دارد یا از حیث حقوقی قابل توجیه و یا حتی مجاز است یا خیر؟ بطور مثال فرانشیز در کسب و کار از حیث حقوقی چه آثاری دارد یا چه قواعد حقوقی باید بر این ابزار یا استراتژی حاکم باشد، ضوابط و ضمانت اجراهای مرتبط با این موضوع چیست و ... یا تحلیل اینکه حذف صفر از پول ملی چه آثار حقوقی را در بر دارد و آیا از حیث حقوقی قابل توجیه یا قابل اعمال است یا خیر.

این نوع تحلیل را می‌توان تحلیل حقوقی اقتصاد نامید. کاملاً مشهود است که تحلیل اقتصادی حقوق و تحلیل حقوقی اقتصاد، دو مقوله کاملاً جداگانه و با ماهیت متفاوت است، به‌طوریکه تحلیل یک موضوع بر اساس این دو مبنا هرکدام نوشتاری مستقل با محتوا و ماهیتی مجزا است. اما اینکه در حقوق اقتصادی می‌بایست بر اساس کدام مبنا به تحلیل و بررسی پرداخت امری روشن و مبرهن نیست و کسانی که وارد قلمرو مشترک حقوق و اقتصاد می‌شوند با یک دو راهی مواجه می‌شوند که اغلب مسیر روشن خود را نمی‌دانند. اما به نظر می‌رسد هم تحلیل اقتصادی حقوق و هم تحلیل حقوقی اقتصاد، لازمه کنکاش و تحقیق در قلمرو مشترک حقوق و اقتصاد است، بنابراین کسی که وارد این حیطه می‌شود هم باید تحلیل اقتصادی نهادهای حقوقی را بداند و هم بتواند نهادهای اقتصادی را از حیث حقوقی تحلیل و بررسی نماید. اما آنچه در این نوشتار مطلوب و مورد نظر ما است تحلیل اقتصادی حقوق است. بنابراین ما مختصری در خصوص تحلیل اقتصادی حقوق صحبت می‌کنیم؛ تحلیل اقتصادی حقوق در واقع تحلیل نهادهای حقوقی با نگرش و انگیزه‌های اقتصادی است، به‌گونه‌ای که اگر یک شخص برای رسیدن به خواست‌های مادی خود، از یک ابزار یا نهاد حقوقی استفاده می‌کند در واقع تلاش می‌کند بر اساس نهاد یا گزارده خود، حداکثر ارزش‌های مادی را تحصیل نموده و بهره‌وری خود را به حداکثر برساند. برای فهم این موضوع به این مثال توجه کنید: شخصی برای خرید یک دستگاه آپارتمان با شخص دیگری قرارداد بیع عادی تنظیم می‌نماید و وجه موضوع معامله را همان زمان بطور کامل می‌پردازد اما فروشنده از تحویل آپارتمان و تنظیم سند رسمی به نام خریدار خودداری می‌نماید.

خریدار به دادگاه مراجعه می‌کند و علاوه بر تقاضای تحویل

و تقاضای الزام به تنظیم سند رسمی، درخواست پرداخت اجرت المثل از زمان تنظیم مبایعه نامه تا زمان تحویل را از فروشنده می‌نماید. اما دادگاه درخواست پرداخت اجرت المثل را رد می‌نماید و استدلال می‌کند که چون سند رسمی به نام خریدار تنظیم نشده تا زمانی که سند رسمی به نام کسی تنظیم نشده است تقاضای پرداخت اجرت المثل از وی مسموع نمی‌باشد... دیدگاه حقوقی صرف به این موضوع، نظر دادگاه را موجه و قابل دفاع جلوه می‌دهد اما اگر ما بخواهیم این موضوع حقوقی را تحلیل اقتصادی بنماییم پاسخ دیگری یافت خواهیم نمود، چراکه انگیزه‌های اقتصادی خریدار در نظر دادگاه مدنظر قرار نگرفته است و اگر بخواهیم این موضوع را با نگرش و تحلیل اقتصادی بررسی کنیم می‌بایست خریدار را از زمان تنظیم مبایعه نامه و پرداخت ثمن، محق دریافت اجرت‌المثل نیز بدانیم. چراکه خریدار ارزش اقتصادی ثمن را از دست داده و آن را به فروشنده اعطاء نموده است و طبیعتاً می‌بایست معادل ارزش اقتصادی ثمن، ارزش دیگری را تحصیل نماید. اجرت‌المثل نیز ارزشی است که خریدار می‌بایست در برابر از دست دادن ثمن بدست آورد تا تعادل اقتصادی میان طرفین برقرار شود. پس از حیث اقتصادی منطقی نیست که فروشنده هم ارزش اقتصادی ثمن را تحصیل نماید و هم از آپارتمان فروخته شده منتفع شده و ارزش‌های آن را از دست ندهد. ملاحظه می‌شود تحلیل اقتصادی مسائل حقوقی در موارد بسیاری پاسخی به ما می‌دهد که از تحلیل صرف حقوقی چنین برداشتی نمی‌نماییم. غیراز مسئله فوق، بطورکلی داشتن دیدگاه اقتصادی در تحلیل مسائل حقوقی به شکل‌گیری ماهیت‌های حقوقی کمک شایانی نموده است بدون اینکه مردم که سازنده اصلی ماهیات هستند ملتفت به ضوابط خاص علم حقوق یا اقتصاد باشند. اما همیشه و در همه ادوار همواره انگیزه‌های اقتصادی در روند شکل‌گیری بسیاری از نهادها و تأسیسات مهم حقوقی مؤثر بوده است. به‌طور مثال شکل‌گیری نهادهای به نام مالکیت همراه با نگرش اقتصادی بوده است و در کنار آنها نهادهای مانند قراردادهای و معاملات بر همین اساس شکل گرفته و تکامل یافته است. بدین توضیح که بشر پیش از آنکه نگاه حقوقی به موضوعات داشته باشد همواره در صدد رفع نیازهای مادی خود بوده است و با همین انگیزه بود که در مسیر حقوقی گام بر می‌داشت. اما این رفع نیازها می‌بایست با کمک روش‌هایی صورت بگیرد که قابل حمایت بوده و همه مردم نیز آن حمایت را بپذیرد و آن روش و آثار آن را مورد قبول خود داشته باشند. همین موضوع در خصوص قراردادهای معوض جلوه‌ای خاص به خود می‌گیرد. بدین صورت که؛ بشر چون توان تهیه همه اقلام و منابع مورد نیاز خود را نداشت در پی دست‌یابی به منابع دیگر و بدست آوردن اقلام مورد نیاز خود بود.

آنچه بشر نیاز داشت دارای ارزش بوده و آن ارزش در اختیار شخص دیگری بود. پس اگر آن شخص بخواهد ارزش مورد نیاز خود را بدست بیاورد مستلزم این است که شخص دیگری آن ارزش را به فرد مورد نیاز بدهد و در واقع آن را از دست بدهد.

بنابراین باید ارزشی جایگزین ارزش از دست رفته بشود تا شخص همواره ارزشی در اختیار داشته باشد که بتواند نیازهای خود را برطرف نماید. بر همین اساس شخصی که می‌خواهد ارزش مورد نیاز خود را بدست بیاورد ناگزیر است ارزش دیگری که متعلق به خودش می‌باشد را از دست بدهد. بنابراین افراد مذکور ناچار هستند ارزش‌های خود را با یکدیگر مبادله نمایند تا در برابر آنچه از دست می‌دهد چیزی بدست آورد.

همین روند موجب شکل‌گیری نهادهای به نام قرارداد و معامله گردید. پس منشأ ایجاد بسیاری از نهادهای حقوقی را می‌تواند در حوزه اقتصاد و نگرش‌های اقتصادی جستجو نمود. بنابراین حقوق‌دانان ناگزیر هستند که در تحلیل بسیاری از نهادها و ماهیت‌های حقوقی، دیدگاهی اقتصادی داشته باشند.

حضرت علی (ع):

گرامی ترین خوبیها سخاوت است

و سودمندترین آن عدل.

• صاحب امتیاز:

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده

مدیر مسئول: حسن عبدلیان پور

سر دبیر: منصور مظفری

• آدرس: تهران - بلوار نلسون ماندلا.

کوچه گلنار پلاک ۵۴ تلفن: ۵۵۱۱۱-۲۳۰۲۱

توزیع: موسسه نشر گستر امروز ۶۶۲۸۳۲۴۲

چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۸۲۸۱۴

hamiedalat99@gmail.com

در نشست با اعضای کمیسیون «قضایی و حقوقی» مجلس مطرح شد:

رئیس قوه قضاییه: قانون برای همه یکسان است

سؤال مهمی که وجود دارد این است که آیا با تشدید مجازات‌ها از جمله تجویز حبس‌های طویل‌المدت و برخی مجازات‌های دیگر، به هدف غایی در قضای اسلامی نائل می‌شویم؟ من مکرراً بر مقوله‌ی بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی موجود برای توسعه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس با محوریت خدمات اجتماع محور و عام‌المنفعه تاکید داشته‌ام، اما هنوز نتوانسته‌ایم در این خصوص (حتی در این مجلس) کار را پیش ببریم

مردم در خانه ملت است، می‌تواند در به صلح و سازش کشاندن یک پرونده قتل، منشاء اثر باشد.

رئیس قوه قضاییه در ادامه ضمن تبیین و تشریح اصول حاکم بر قانون مجازات، گفت: سؤال مهمی که وجود دارد این است که آیا با تشدید مجازات‌ها از جمله تجویز حبس‌های طویل‌المدت و برخی مجازات‌های دیگر، به هدف غایی در قضای اسلامی نائل می‌شویم؟ من مکرراً بر مقوله‌ی بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی موجود برای توسعه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس با محوریت خدمات اجتماع محور و عام‌المنفعه تاکید داشته‌ام، اما هنوز نتوانسته‌ایم در این خصوص (حتی در این مجلس) کار را پیش ببریم.

رئیس دستگاه قضا در ادامه با اشاره به مقوله حفاظت از محیط زیست، گفت: ما در خصوص حفاظت از محیط زیست، چندین قانون داریم، اما یکی از ایرادات در کشور ما آن است که نتوانسته‌ایم رابطه‌ی متقن بین دو مقوله‌ی «توسعه زیرساخت‌ها» و «حفاظت از محیط زیست» تعریف و تدوین کنیم.

رئیس عدلیه در ادامه با اشاره به مباحثی که بعضاً در محافل سیاسی و رسانه‌ای در خصوص برخی قوانین موجود و نحوه عمل به آن مطرح می‌شود، گفت: نباید نگاه سلیقه‌ای و جناحی به قانون داشته باشیم؛ قانون برای همه یکسان است؛ اعتقاد راسخ من آن است که همگان باید ملتزم به قانون باشیم؛ ما در دستگاه قضایی در اجرا و پیاده سازی بدون تنازل قانون، مصمم هستیم.

پیش از سخنان رئیس قوه قضاییه، «رحیمی» وزیر دادگستری، به ذکر برخی از اقدامات صورت گرفته در حوزه اتصال مجموعه‌های ذیل قوه قضاییه به درگاه ملی صدور مجوزهای کسب و کار پرداخت.

«پورسید» معاون حقوقی قوه قضاییه نیز ضمن تمجید از ارتباط هم‌افزا و تعامل سازنده کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با معاونت حقوقی عدلیه، گفت: بعضاً شاهد هستیم گزارش‌های نظارتی که از سوی مجلس به قوه قضاییه ارسال می‌شوند، از کیفیت و استحکام مناسبی برخوردار نیستند؛ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس می‌تواند در این حوزه نقش آفرینی موثری داشته باشد و استانداردسازی‌های لازم را انجام دهد. وی افزود: ما در قوه قضاییه، به صورت جدی پیگیر اتصال به درگاه ملی صدور مجوزهای کسب و کار هستیم و از متولیان این درگاه نیز تقاضا داریم که هرچه سریع‌تر بسترهای لازم سامانه‌ای برای این اتصال را مهیا کنند.



سازوکاری تعبیه کنیم که شکاف طبقاتی، کاهش یابد. به هیچ وجه نباید اینگونه باشد که عده‌ای بهره‌ای زیاد از امکانات بیت‌المال داشته باشند و یک عده بی‌بهره باشند.

رئیس عدلیه تصریح کرد: مردم در راستای توسعه عدالت اجتماعی، انتظارات و توقعات بحق دارند؛ باید این توقعات و انتظارات به حق مردم را برآورده سازیم؛ نباید فراموش کنیم که ما برای حکومت نیامده‌ایم، بلکه هدف نظام ما تحقق اهداف الهی و اسلامی و خدمت صادقانه و مخلصانه به مردم است؛ ما آمده‌ایم که خادم مردم باشیم.

قاضی‌القضات اظهار کرد: با همه اقدامات و اهتمامی که در امر ایجاد تحول در دستگاه قضایی در این دوره و دوره قبلی داشته‌ایم، باید صادقانه بگویم که تحول واقعی در دستگاه قضایی به وجود نیامده است؛ درست است که سند تحول نوشته‌ایم، اما این تحول، در عمل و به صورت کامل محقق نشده است. تحولی که مدنظر ماست یعنی تغییراتی مثبت و اساسی در کلیه وجوه، جنبه‌ها و فرایندهای حقوقی و قضایی و دادرسی ایجاد شود، به نحوی که این تحولات و تغییرات برای عموم مردم و مراجعان به عدلیه، ملموس باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه گفت: خوشبختانه نزدیکی و قربایت قوه قضاییه با نمایندگان مجلس بیشتر شده است، اما ضروری است که نگاه‌های ما نیز در قبال مسائل مختلف به هم نزدیک شود؛ این نگاه مشترک هنوز حاصل نشده است. امروز من به مقامات قضایی تاکید دارم که شرایط بازدید نمایندگان مجلس از مراجع و مراکز قضایی را فراهم آورند و حتی خودشان در دعوت از نمایندگان برای بازدید، پیشقدم شوند؛ این امر برکات و نتایج مثبت و مطلوب زیادی دارد؛ گاهی یک نماینده مجلس از این حیث که وکیل

حامی عدالت: حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه سلسله جلسات و نشست‌های هم‌اندیشی خود با اعضای کمیسیون‌ها و فراکسیون‌های مجلس شورای اسلامی، با اعضای کمیسیون «قضایی و حقوقی» مجلس شورای اسلامی جلسه‌ای برگزار کرد.

این نشست، دومین جلسه رئیس قوه قضاییه با اعضای کمیسیون «قضایی و حقوقی» مجلس دوازدهم محسوب می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای طی سخنانی در این نشست هم‌اندیشی، اظهار کرد: ما در هر سه قوه، با اشکالات و نقص‌هایی مواجه‌ایم؛ در دستگاه قضایی نیز کمبودها و نقص‌هایی داریم؛ همه باید تلاش کنیم که این نقص‌ها و کمبودها مرتفع شوند. بدون تردید، اگر قوه قضاییه تقویت شود، کارآیی‌اش بیشتر می‌شود و این امر به نفع همه قوا و دستگاه‌ها و بویژه مردم خواهد بود.

رئیس قوه قضاییه اظهار کرد: رفتار و اعمال ما مسئولان و کارگزاران باید به گونه‌ای باشد که با تغییر جایگاه و مسئولیت‌های مان، شرایط، محدودیت‌ها و معذوریت‌های سمت‌های قبلی خود را از یاد نبریم؛ گاهی فردی در دستگاه قضایی پیرامون یک موضوع واحد، نظر مصممی دارد و همان فرد وقتی از دستگاه قضا به دستگاهی دیگر می‌رود، نظرش در خصوص آن موضوع واحد، بعضاً ۱۸۰ درجه تغییر می‌کند.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به اهمیت مقوله عدالت اجتماعی گفت: یکی از اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، تحقق عدالت اجتماعی است؛ از ابتدای انقلاب تاکنون، دستاوردهایی در راستای توسعه عدالت اجتماعی داشته‌ایم؛ مظاهر و مصادیق این امر در وجوه مختلف، از بهبود وضعیت روستاها و روستاییان تا شایسته‌سالاری و توزیع عادلانه امکانات در نقاط مختلف و غیره، بی‌شمار است؛ اما در شرایط فعلی، باید

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه برگزار می‌کند:

جشنواره
رسانه حقوق عامه

«باجوریت احیاء و صیانت از حقوق عامه»

محتوای تولیدی از فروردین ۱۴۰۳ تا پایان اسفندماه ۱۴۰۳

ارسال آثار تا پایان روز کاری ۷ فروردین ماه ۱۴۰۴

از طریق پیام رسان ها و ایمیل امکان پذیر می باشد

توضیحات:

در روز ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۴ بناسبت روز پاسداشت حقوق عامه از ۱۷ رسانه، خبرنگار و عکاس برتر فعال در تولید محتوا با محوریت احیاء و صیانت از حقوق عامه (گفتگو، گزارش، پادداشت، خبر، تیزر و عکس برتر) تقدیر خواهد شد.

رسانه شامل: روزنامه، هفته نامه، خبرگزاری پایگاه خبری و... می باشد.

۰۹۹۱ ۲۷۰ ۹۹۸۰

Resanemarkazvokala@gmail.com

پاسخگویی به سوالات ۰۹۰۲۳۰۵۵۱۲۳